



در سوگ ارتحال آیت الله
محمد امامی کاشانی
همیشه
حاضر
در مصاف
اندیشه

تیرها

مطالعه کت و کلفت های
داستانی در تعطیلات نوروزی

دو هفته، هر روز
یک ساعت!



۲

موانع عرفی برای ازدواج مجدد
یا ازدواج در سنین بالاتر

تبعیض سنی برای ازدواج

همیشه وقتی درباره «ازدواج» حرف
می زنیم، تصویر یک دختر و پسر
«مجرد» و «جوان» به ذهنمان می آید.
در واقع ازدواج را متعلق به افراد
مجردی می دانیم که جوان هستند.

۶

خوابگاه مناهلی اولین
تکه جورچین مطابہ گری

گفت و گو در خصوص مسير
و موانع موجود در مطابہ گری
مردمی مسائل خانواده
با استناد به مطابہ موفق
خوابگاه های دانشجویی

۱۲

وضعیت حریم
تئاتر شهر به کجا رسید؟



۱۶

بررسی یک گزارش آماری نشان
می دهد خانوارهای ایرانی

در سال ۱۳۹۶ دوبرابر بیشتر برای
کتاب و نشر هزینه می کرده اند

یار مهربان در قعر جدول

۱۳

نگاهی به فیلم های منتخب
اکران های نوروزی

گیشه ای مناسب سفره
افطار یا هفت سین!

فیلم های «تمساح خونی»، «بی بدن»،
«آسمان غرب»، «پرویز خان»،
«آپاراتچی»، «نوروز» و «ایلیا در
جستجوی قهرمان» به عنوان
فیلم های اکران نوروز انتخاب شدند.



۲۶

امروز دقیقا می شود ۴۰ سال که محمد ابراهیم همت
در جزیره مجنون ما را برای همیشه ترک کرد



بزرگراه همت



به بهانه سالروز شهادت ابراهیم همت
سیدالشهدای خیبر



۱۸

دو فرمانده محجوب ما

محمد صادق علیزاده
سردبیر



لبنان هم شده بودند اینجا در طلابیه و جزایر
مجنون افتاده بودند توی بن بست!
دو هفته بعد از شروع عملیات دیگر نظم و
نسق و تار و پودی برای لشکر ۲۷ و فرماندهش
باقی نمانده بود. در یکی از آخرین درد و
دل ها و در در برابر فشار مقامات بالا به
یکی از دوستانش گفته بود بخوام گردان
جدید بپریم باید پاروی پیکر شهدای گردان
قبلی بگذاریم و رد شویم. همت را باید در آن
کارا کتر محجوب و مأخوذ به حیایش دید تا
متوجه واقعیت سنگینی شد که او را به گفتن
چنین جملاتی وادار کرده. عصر ۱۷ اسفند
قرار بود فرمانده، لشکر از هم گسیخته اش
را جمع و جور و خط را تحویل لشکر ۱۴ امام
حسین (ع) بدهد.

توی آن وضع ها گیر و واگیر هم بعضی ها
دوباره پاتک کرده بودند تا رمق اندک
نیروهای باقی مانده را بگیرند. همت بود
و لشکر منهدم شده و دست های خالی و
تماس های مداوم پشت بی سیم که همت
و نیروهایش دارند چه می کنند و الخ!
احتمالاً در میانه همین فشارها هم بوده
که همت آن دیالوگ را با دوستش داشته و
تهدش هم اضافه کرده که «خسته شده ام
فلانی» و ما که می فهمیم منظور فرمانده
محجوب ما از این جمله شرمندگی هم بوده
به خصوص از نیروهایش! قرار بود با خیبر،
ارتباط بصره با دیگر نقاط عراق قطع شود
اما فرمانده و نیروهایش ۱۴ روز هر چه زدند
به در بسته خورد.
توی آن محشر کبری تنها چیزی که به
ذهن فرمانده محجوب این سطور رسیده
بود: دست یاری دراز کردن به سمت دیگر
فرمانده محجوب ایرانی ها! جلدی پریده
بود روی موتور و گازش را تا ته چسبانده بود
سمت قرارگاه لشکر ۴۱ ثارالله و فرمانده ۲۷
ساله اش قاسم سلیمانی. ادامه ماجرا و پایان
این سطور را از زبان حاج قاسم بخوانید:
«بعد از ظهر ۱۷ اسفند بود که دیدم حاج همت
با سرو وضعی کاملاً خاک آلود و زولیده به
سنگر آمد. از من درخواست تعدادی نیرو کرد
تا بتواند خط خودش را نگه دارد. گویا بیشتر
نیروهایش شهید و مجروح شده بودند. یک
گردان در انتهای جنوبی جزیره داشتیم. به
مسئول اطلاعات عملیات لشکر گفتم با
همت برو و یک گروهان در اختیار او قرار
دهد...» و این آخرین ملاقات همت و دو
فرمانده محجوب ما با هم بود.

«محمد ابراهیم همت و قاسم سلیمانی!»
اگر جلوی یک نفر را توی خیابان بگیریم
و بخوایم چند شهید یا سردار بزرگ را
فی البداهه نام ببرند حتماً یکی از این دو نفر
و یا شاید هم هر دو با بسامد توی گزینه ها
باشند. اینکه چرا این بسامد توی ذهن و زبان
مردم بالاست شرح و تفصیل دیگری می طلبد
اما شاید برای همه مان جالب باشد بدانیم
که احتمالاً آخرین فرمانده ای که همت را
نیم ساعت یا سه ربع قبل از شهادتش دیده
حاج قاسم بوده. حتماً لحظه مهمی بوده
ملاقات دو فرمانده و سردار بزرگ و محجوب
آنهم زیر فشار بی امان عملیات خیبر که
قرار بود فتحی باشد در گره کور جنگ.
همت از سوم اسفند و شروع عملیات هر چه
زده بود به در بسته خورد. این میزانشن تلخ
را باید از جایی دید که به تعبیر فرماندهان
وقت، لشکر ۲۷ محمد رسول الله (ص) یکی از
چهار لشکر زبده جنگ بود که به هر خطی
که می زد، طومار بعضی ها توی هم می پیچید
حالا مادر خیبر و جزیره مجنون قضیه
داشت جور دیگری پیش می رفت. لشکر
و فرمانده نام آورش که روزی به قصد پنجه
در پنجه شدن با اسرائیلی ها روانه سوریه و



انسان، گرگ انسان است؟

آنگاه که همکاران تماس گرفت، جواب ندهید!

محمد علی یزدانیار
دبیر گروه کتاب

Mohammadalizadanyar@gmail.com



نشسته بودیم و با همسر سرریال می دیدیم. سرریال هم که نه، یک انیمه سرریالی را تماشا می کردیم به نام کایچی، این آقای کایچی هم که اگر من نمی گفتم آقا است شما به علت تصورات قالبی خودتان که در این مورد درست هم بود باز حدس می زدید آقا است، درگیر قمارهای مرگ و زندگی می شود. این انیمه را ۱۰-۱۲ سال پیش و از زبان انگلیسی به فارسی ترجمه کردم و اخیراً به همسرم توصیه کردم که با هم مشاهده اش کنیم. انیمه ای است بسیار سیاه که انسان را از اساس موجودی پلید و شرور می داند. برای شناختن روابط کلان انسانی، به نظرم از خیلی فیلم ها و حتی کتاب ها اثری است عمیق تر و صادق تر، خلاصه شما هم هر وقت حوصله داشتید ببینید. درگیر و دار این بودیم که بالاخره استاد کایچی دوام می آورد یا نه، البته من که می دانستم چه خواهد شد لذت را از تماشای این خشونت عریان ممتد ببرم! سکوت کرده بودم. در همین احوالات تلفن همراه اینجانب زنگ خورد. یکی از همکاران بود، یکی از همکاران آن یکی حرفه ام یعنی معلمی. گویا قرار بود مادرش را صبح روز بعد این مکالمه نزد پزشک ببرد که ان شاء الله مادرشان همیشه سالم و سلامت باشد و به همین دلیل از من خواهش کرد که شیفتم صبح را به جای او بروم و کلاس هایش را برگزار کنم تا او به کارهایش برسد. حالا از این طرف کایچی پخش می شود که خالقا نش معتقدند از انسان خود خواه تر و تنهاتر نداریم، از این سمت همکار ما درگیر یک مقوله انسانی است. من هم برای اینکه به همگان ثابت کنم هنوز به آدمیزاد امیدی است به او گفتم که با کمال میل صبح به جای او به مدرسه خواهیم رفت.

حالا ساعت ۶:۴۵ دقیقه صبح است، من بیست و یک ساعتی می شود که نخوابیده ام، در حال نوشتن این یادداشت هستم و باید بعد از این آماده شده و ۱۰ ساعت طوفانی را طی دو شیفتم پیاپی در مدرسه پشت سر بگذارم، در همین حین هم پیش خودم فکر می کنم که نکند در اعتقادات نویسنده و کارگردان کایچی، رد پرنرنگی از حقیقت دیده شود!

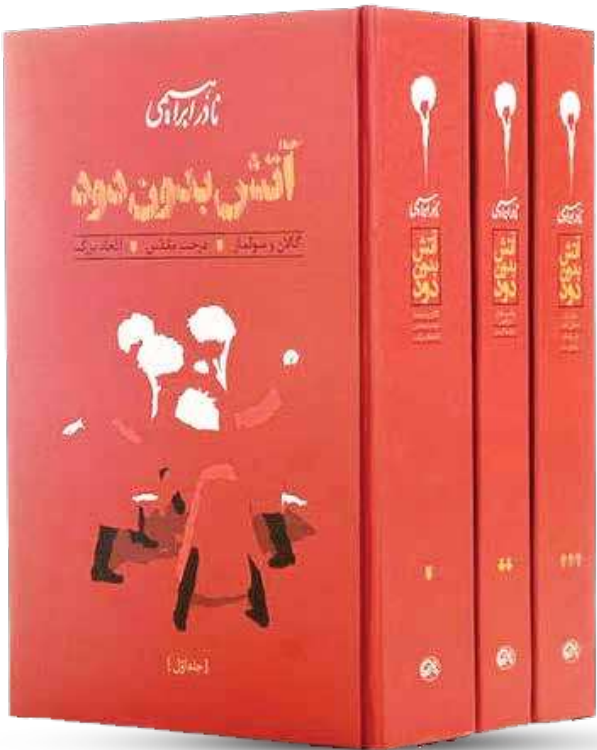


حالا از این طرف کایچی پخش می شود که خالقا نش معتقدند از انسان خود خواه تر و تنهاتر نداریم، از این سمت همکار ما درگیر یک مقوله انسانی است. من هم برای اینکه به همگان ثابت کنم هنوز به آدمیزاد امیدی است به او گفتم که با کمال میل صبح به جای او به مدرسه خواهیم رفت

کتاب

دو هفته، هر روز یک ساعت!

مطالعه کت و کلفت های داستانی در تعطیلات نوروزی



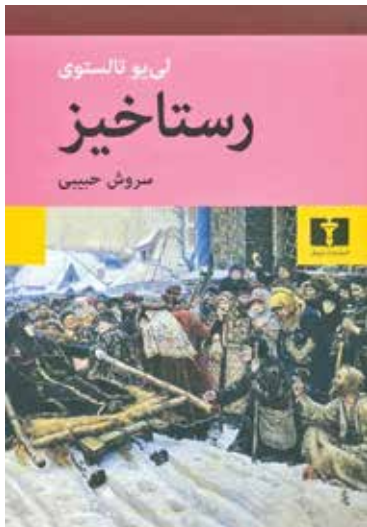
همین یکی، دو روز پیش بود که دوست عزیز از من پرسید «برای دوران عید یک رمان طولانی و ترجیحاً کلاسیک معرفی کن که مطالعه کنم.» همین سؤال شد بنای این مطلبی که در حال مطالعه اش هستید. البته ما هفته بعد کلاً عیدانه برایتان خواهیم داشت، اما من چون خیلی شما را دوست دارم، خواستم با این مطلب به پیشواز عید بروم بلکه شما بیشتر از پیشنهاد های کاملاً بدون رد خور و اعجاب آور ما استفاده کنید. این چند کتابی که در ادامه به شما معرفی خواهند شد همگی با روزی یک ساعت مطالعه و طی دو هفته به پایان خواهند رسید، بجز مورد اول، برای این یکی باید روزی دو ساعت وقت بگذارید، این گوی و این میدان!



و مرفه خود بگذرد و هر طور شده کاتبوشا را نجات دهد حتی اگر این کار به معنای رفتن به دنبال او در تبعیدش به سیبری باشد، اما آیا انسان می تواند رستگاری حقیقی را از طریق نجات شخصی دیگر پیدا کند؟ رستاخیز، حداقل در مضمون، بیشتر نزدیک است به آثار داستانی فلسفی، گرچه در قلم و روایت، امضای تولستوی را خیلی پررنگ پای خودش دارد.

یعنی بدون دکتر ژیاگو؟

واقعاً این همه ما حرف از دکتر ژیاگو زدیم که پیشنهادش نکنیم؟ دکتر ژیاگو به تأثیرات انقلاب روسیه و عواقب آن بر خانواده ای بورژوا و ثروتمند می پردازد و تا سال ۱۹۸۷ در اتحاد جماهیر شوروی اجازه چاپ نداشت، گرچه این کتاب خیلی زود به یکی از پرفروش ترین آثار داستانی در سراسر دنیا تبدیل شد. دکتر یوری ژیاگو، من دیگر، خود نویسنده، شاعر، فیلسوف و پزشکی است که زندگی اش به واسطه جنگ و البته عشقش به لارا، همسر یک انقلابی، مختل شده است و الباقی اش را روزی یک ساعت فرصت بگذارید و در عید مطالعه کنید، بله! سوتیتر: چند کتابی که در این مطلب به شما معرفی خواهند شد همگی با روزی یک ساعت مطالعه و طی دو هفته به پایان خواهند رسید، بجز مورد اول، برای این یکی باید روزی دو ساعت وقت بگذارید، این گوی و این میدان!



خانواده بودنبروک را از ثروت به ورشکستگی و از ذهنی خلاق و اخلاقی به زوال و دیوانگی نشان می دهد و مخاطب را به دنیایی بسیار زنده و ملموس دعوت می کند که از تولد و مرگ، ازدواج و طلاق، تهمت و غیبت و شوخ طبعی شکل گرفته است. کتاب بودنبروک ها با گستردگی خیره کننده، غنای جزئیات و تصویری واقعی که از انسانیت نشان می دهد، از تمامی کتاب هایی که به شرح اتفاقات یک خانواده می پردازند پیشی جسته است و توانایی مان در نوشتن زمانی بسیار هیجان انگیز و تأثیرگذار را به همگان نشان می دهد.

به ندای وجدانت گوش بده ای مرد روس!

«رستاخیز» یک کلاسیک روس است که اگر حواستان به آن نباشد ممکن است حس کنید به جای تولستوی، داستایفسکی آن را نوشته است، حالا چرا؟ به دلیل خلاصه ای که خواهید خواند. شاهزاده دمیتری نکلیودف که جزو هیأت ژوری در دادگاه محاکمه فردی متهم به قتل است، ناگهان با صحنه ای شوکه کننده مواجه می شود. او می بیند که زندانی، کاتبوشا است؛ خدمتکاری جوان که دمیتری سال ها پیش او را اغوا و در نهایت رها کرد. دمیتری که می بیند در حال مواجه شدن با عواقب کارهایش است، تصمیم می گیرد از زندگی لوکس

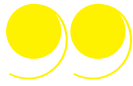


آتش بدون دود نمی شود، می شود؟
حواشی بی پایان «آتش بدون دود» را که حتی بعد از درگذشت مرحوم ابراهیمی هم دست از سرمان برنداشت را کنار بگذارید. این مجموعه هفت جلدی که چند سالی است به شکل MP3 و هم سه جلدی شده منتشر می شود، یکی از بهترین رمان های ایرانی است که می توانید دست بگیرید. برای من، جلد اول «آتش بدون دود» یکی از بهترین رمان های نوشته شده به فارسی است و همسنگ «سوشون» قرار می گیرد. بله، درست است! گاهی قلم عمونادر زیادی شاعرانه می شود و باز هم بله، جلد های پایانی این مجموعه به قوت و کیفیت جلد اول نیستند. در عین حال آتش بدون دود اثری است که خواندنش حتی اگر محتوایش را نپسندید. برای شما تجربه ای شیرین خواهد شد.

زوال یک خاندان به روایت آقای مان!

«بودنبروک ها» اولین بار در سال ۱۹۰۱ و در ۲۶ سالگی توماس مان به انتشار رسید و از همان اول به اثری کلاسیک در ادبیات مدرن تبدیل شد. این کتاب داستان چهار نسل از یک خانواده ثروتمند و بورژوازی آلمانی در شمال آلمان را روایت می کند که در مواجهه با ظهور مدرنیته قرار گرفته اند. در دنیایی جدید و ناآشنا، ارتباطات و سنت های این خانواده شروع به متلاشی شدن می کنند. مان، افول

شخصیت‌های داستان‌ها و رمان‌های ناتورالیستی ریشه‌ها را در طبیعت می‌دانند، نه در آسمان. نگاه آنها به زمین است، آن هم زمینی سراسر منفعل که اتفاقاتش را به گونه‌ای جبری بر سر انسان‌ها پاش آوار می‌کند



یک نقاشی ناتورالیستی



به زمین نگاه کن!

رمان «ترزراکن» و آغستگی اش به «ناتورالیسم»

الهام اشرفی
نویسنده

از آسمان به زمین می‌افتد، اعتقاد قلبی و باور دینی به خرافه تعبیر می‌شود و مسائلی از این دست. بین اهالی ادبیات معروف است که اگر بیل در نگاه رئالیست‌ها یک بیل است، در نگاه ناتورالیست‌ها «کج بیل فرسوده لعنتی» است! در این یادداشت با برشمردن ویژگی‌های ناتورالیسم به بررسی اثر درخشان امیل زولا، «ترزراکن» پرداخته‌ام.

بنیادین در طبیعت را به نمایش بگذارد و ثابت کند. زولا معتقد بود به جای تشریح وضع جسمی و روحی قهرمانان باید وضع مزاجی و فیزیولوژیک آنان را توضیح داد تا علت اعمال ایشان روشن شود. ناتورالیسم گویی قیامی است علیه تمام قراردادهای اخلاقی گذشته. در جنبش ناتورالیسم عشق تنزل پیدا می‌کند به روابط غریزی، نگاه‌ها

امیل زولا پدر جنبش ناتورالیسم است. زولا اعتقاد داشت همان‌طور که مبنای دانشمندان، طبیعت و علوم طبیعی است، نویسندگان و شاعران نیز باید با نگرشی معطوف به طبیعت و واقعیات عینی آثارشان را بیافرینند. ناتورالیست‌ها اعتقاد دارند هر وضعیت یا هر شخصیتی که در داستان توصیف می‌شود، می‌بایست قانون

ماوراءالطبیعی هستند؛ شخصیت‌های داستان‌ها و رمان‌های ناتورالیستی ریشه هر اتفاقی را در طبیعت می‌دانند، نه در آسمان. نگاه آنها به زمین است، آن هم زمینی سراسر منفعل که اتفاقاتش را به گونه‌ای جبری بر سر انسان‌ها پاش آوار می‌کند. شخصیت‌های رمان ترزراکن هیچ اعتقاد دینی‌ای ندارند، در هیچ قسمتی از زندگی شان دست به دعا بلند نمی‌کنند، حتی عذاب وجدان ناشی از جنایتی که در داستان رخ می‌دهد، آنها را وادار نمی‌کند که به عبادتگاهی بروند و عبادتی کنند.

چگونه می‌نویسند؟

نویسنده ناتورالیستی، موعظه و تفسیر نمی‌کند. امیل زولا بی‌هیچ هیجانی فقط روایت می‌کند، آن هم روایتی از رویدادی فجیع و دلخراش، بی‌اینکه نظرو تفسیری احساسی‌واژ سردلسوزی در روایت راوی بگنجانند. ترز و لوران با اینکه نقشی اساسی در ماجرای است که در طرح کتاب دخیل است دارند، اما به گونه‌ای روایت می‌شوند که خواننده لحظه‌ای بر آنها دل نمی‌سوزاند.

یک بار دیگر انسان را چگونه می‌بینند؟

هویت و اعمال شخصیت‌های داستان‌های

شده که چاره‌ای جز ازدواج با کامی برایش نمانده است. او سرنوشت خود را پذیرفته و بی‌هیچ تلاشی ساکت پشت پیشخوان مغازه خرازی شان می‌نشیند و فقط نگاه می‌کند! حتی رولان هم که قابلیت‌های فیزیکی بسیاری دارد تلاشی در جهت تغییر وضعیت معیشتی خودش نمی‌کند و با تکیه بر شهوتش، چشمش به زندگی دیگران است!

انسان را چگونه می‌بینند؟

در داستان‌های ناتورالیستی، انسان فروگاسته می‌شود به غرایز و روانه‌های درونی و تأثیر محیط و روانه‌های بیرونی؛ شخصیت‌های رمان ترزراکن گرایش اخلاقی مثبتی ندارند، تمام زندگی شب و روز آنها تقلیل یافته است به زیستن در شرایطی که دارند، بی‌اینکه هیچ‌گونه تلاشی برای تغییر آن کنند. آنها مقصد متعالی‌ای ندارند، در پی کسب درآمد یا تحصیل کردن به منظور پیشرفت شغلی و دسته اجتماعی شان نیستند، در پی کسب اخلاق نیکو نیستند، در پی حتی تغییر ظاهری محل زندگی شان نیستند که در چرکی و دوده و خرابی غرق شده است.

نسبت آنها با خرق عادت چیست؟

داستان‌های ناتورالیستی عاری از جلوه‌های

درباره چه کسانی است؟
شخصیت‌ها افراد فردودست جامعه هستند؛ شخصیت‌های ناتورالیستی اغلب افرادی بی‌سواد، سطح پایین، حاشیه‌نشین، محروم، فقیر و حتی تبه‌کار، منحرف و آس‌وپاس‌اند. خانم راکن با اندک میراثی که دارد همراه پسرش «کامی» که پسری است کم‌بنیه و اغلب بیمار که تربیت اجتماعی درست و حسابی‌ای هم نشده و برادرزاده اش «ترز» که دختری است پراثری، ولی بداقبال در پی یافتن کسب‌وکار و داشتن زندگی اجتماعی نرمال راهی پاریس می‌شوند. در آنجا به زور خانه و مغازه‌ای درب و داغون برای خودشان دست و پایی می‌کنند و در سکون و پلشتی کوچه‌های تنگ و باریک و چرک به زندگی ای یکنواخت می‌پردازند. توصیف‌های جزءنگرانه زولا از این محله، کوچه و خانه بسیار خواندنی و تصویری است. حتی شخصیت رولان هم با اینکه جوانی است تنومند و خوش قد و بالا در فقر و فلاکتی عمیق دست و پا می‌زند. شخصیت‌های ناتورالیست قربانی وضعیتی هستند که خودشان نقشی در به وجود آوردنش نداشته‌اند؛ کامی مدام بیمار است و زنجور، ترز که ذاتاً دختری است پرشور و بی‌آنکه بخواهد، در موقعیتی گرفتار



زولا اعتقاد داشت همان‌طور که مبنای دانشمندان، طبیعت و علوم طبیعی است، نویسندگان و شاعران نیز باید با نگرشی معطوف به طبیعت و واقعیات عینی آثارشان را بیافرینند. ناتورالیست‌ها اعتقاد دارند هر وضعیت یا هر شخصیتی که در داستان توصیف می‌شود، می‌بایست قانون بنیادین در طبیعت را به نمایش بگذارد و ثابت کند



امیل زولا از سردمداران ناتورالیسم ادبی بود

ناتورالیست به ژنتیک و توارث پیوند دارد. در واقع مکتب ناتورالیسم بسیار متأثر از عقاید داروین بود (تلاقی عقاید، داروین و زولا هم‌دوره بودند). ترز بی‌اینکه بخواهد بی‌خانواده و فقیر است، در واقع ارثیه او همان فقر و فلاکت ناشی از بی‌خانودگی اش است. کامی حتی از لحاظ جسمی نیز درگیر بیماری‌ای ژنتیکی و موروثی است، گویی جبر فیزیکی او در تلخی و جبر روزگار و اتفاقاتی که روزگار به اجبار برایش تدارک دیده دخیل است. لوران بنا به خلق و خویی که در پیش گرفته از خانواده پدری اش رانده و از ارث محروم شده است.

حیوانی بودن طبع انسانی؛ در آثار ناتورالیسم گویی انسان‌ها بویی از انسانیت نبرده‌اند. زولا می‌گوید: «وضع مزاجی اشخاص را مطالعه کنیم، نه اخلاق و عادات آنها را... آدم‌ها زیر فرمان اعصاب و خونشان قرار دارند...» روابط شخصیت‌های رمان ترزراکن بر پایه جسمشان است. آنها عاری از احساس و عشق و فضایل اخلاقی و تنها بر مبنای غرایز فیزیکی کنار هم زیستی حیوانی دارند. آنها به راحتی خیانت آن دیگری را تاب می‌آورند. لوران درگیری احساسی‌ای نسبت به زنان زندگی اش ندارد. حالات روحی به وضوح افسرده ترز برای خانم راکن و کامی اصلاً اهمیتی ندارد. میهمانی‌های شبانه آنها با چند دوست و همسایه‌شان تنها عادت‌های عادی برای به سر کردن روزمرگی‌هایشان است و نه پیوندی انسانی. در این یادداشت کوتاه به برخی ویژگی‌های مکتب ناتورالیسم پرداختم. منبع من در این یادداشت کتاب داستان کوتاه در ایران، اثر دکتر حسین پاینده» نشر نیلوفر بود. رمان ترزراکن اثری است بسیار خواندنی، پرتعلیق، با توصیفاتی جزءنگرانه که کلاسیک بودن روایت حتی برای این زمانه هم جذاب و خواندنی است. رمان از طرف نشر فرهنگ معاصر منتشر شده است. بی‌شک نیمی از جذابیت قلم زولا به مدد ترجمه بسیار خوب و فاخر محمد نجابتی، مترجم کتاب است که به خوبی از پس توصیف‌های دقیق زولا برآمده است.



مادرانگی به سبک اشرف السادات

کوتاه و مختصر از کتاب تنهاگریه کن

فائزه آشتیانی
روزنامه نگار



در بحبوحه جنگ و در تلاش برای پیدا کردن نقش خودش در کمک رسانی به رزمندگان وارد بسیج می شود، با جهاد سازندگی همکاری می کند و خانه شان را تبدیل می کند به پاتوق جهادگرها. مادری و همسری که شوهر و پسرش راهی جبهه می کند و برای خودش در خانه و مسجد پایگاه می سازد

کتاب «تنهاگریه کن» به قلم شیوا اکریم اسلامی، نگاهی است کوتاه و گذرا بر لحظات بانویی که عمر پرفراز و نشیب او چه در مبارزات دوران انقلاب و چه پس از آغاز جنگ تحمیلی و دفاع مقدس سراسر وظیفه شناسی است و نتیجه آن فرزند است که با شهادت خود غمی بزرگ اما شیرین را برای مادرانگی هایش رقم می زند...

«تنهاگریه کن» منتشر شده توسط حماسه یاران، خاطرات بانوسیده اشرف منتظری، مادر شهید محمد معماریان است. در این کتاب از همان ابتدای کودکی اشرف السادات منتظری را می خوانید از زمانی که در روستا زندگی می کرد و در خانه پدری در قم، دختری سرزنده و شاداب و بازیگوش بود. از توت تکانی هایشان لای درخت های انار که به آنها اناربوته می گفته اند، از کش رفتن تخم مرغ ها و یواشکی نیمرو خوردن با خواهرش، از بالا رفتنش از دیوار راست و سقوط های خنده دار و دردناکش، تا اینکه به سن بلوغ و دوران ازدواج می رسد و عروس می شود.

بخش دیگر کتاب دوران نوجوانی و بزرگسالی اشرف السادات است. اشرف السادات با حبیب معماریان ازدواج کرد و وارد رابطه ای عاشقانه شد. اولین فرزندشان فاطمه بود و نوزده ماه بعد محمد به دنیا آمد که بعدها شهید شد. ماجرای بیماری سخت محمد و جواب کردنش توسط پزشک ها و شفا یافتنش، جزو بخش های شیرین این اثر است. مادر شهید محمد معماریان بعد از سفر حج و در اوایل شلوغی های انقلاب به منابه یک زن غیور در تظاهرات شرکت می کرد، به مبارزان انقلابی در خانه شان پناه می داد و اعلامیه پخش می کرد، تا زمانی که در سال ۱۳۵۷ امام خمینی (ره) وارد ایران می شوند و انقلاب پیروز می شود و اشرف السادات از قم به تهران هجرت می کند و در آنجا ماندگار می شود. در بحبوحه جنگ و در تلاش برای پیدا کردن نقش خودش در کمک رسانی به رزمندگان، وارد بسیج می شود، با جهاد سازندگی همکاری می کند و خانه شان را تبدیل می کند به پاتوق جهادگرها. مادری و همسری که شوهر و پسرش راهی جبهه می کند و برای خودش در خانه و مسجد پایگاه می سازد...

رهبر انقلاب اسلامی، آیت الله خامنه ای در تقریر این کتاب می نویسد:

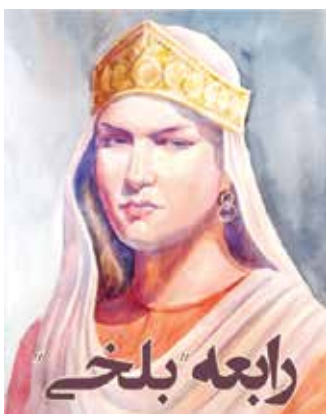
«با شوق و عطش، این کتاب شگفتی ساز را خواندم و چشم و دل را شست و شو دادم. همه چیز در این کتاب عالی است: روایت عالی، راوی عالی، نگارش عالی، سلیقه تدوین و گردآوری عالی و شهید و نگاه مرحمت سالار شهیدان به او و مادرش در نهایت علو و رفعت. هیچ سرمایه معنوی برای کشور و ملت و انقلاب برتر از اینها نیست. سرمایه باارزش دیگر، قدرت نگارش لطیف و گویایی است که این ماجرای عاشقانه مادرانه به آن نیاز داشت. از نویسنده جدا باید تشکر شود.»



نخستین شاعر زن پارسی گوی چه کسی بود؟

شاعری که در قرن چهارم به سبک خراسانی می سرود، بشناسید

ریحانه میرحسینی
کارشناس ارشد ادبیات فارسی



نامہ عاشقانه، بکتاش هم دلش برای رابعه می رود و این نامہ نگاری همراه با شعرهایی که رابعه می نوشت و ضمیمه آن می کرد ادامه پیدا می کند ولی سرانجام رودکی هنگامی که در بزمی در دربار امیر سامانی شعر از رابعه بازگویی کند و داستان آشنایی و عشقش را به بکتاش برای شاه تعریف می کند، واقعه رخ می دهد زیرا حارث نیز در این میهمانی حضور

داشت و از داستان باخبر می شود. خشم برادر رابعه باعث مرگ این شاعر خوش ذوق می شود و به دستور حارث رگ داستان رابعه بریده شده و بدن بی جانش فردای آن روز پیدا می شود. حتی رابعه در زمان مرگ هم عشق به بکتاش را فراموش نکرده و با خونی که از دستانش جاری بود شعری روی دیوار خطاب به او نوشته بود. بکتاش پس از فرار از سیاه چاله انتقام رابعه را از حارث می گیرد و سپس بر سر مزار عشقش می رود و جان خودش را فدا می کند. این بود داستان عشق نافرجام و غم انگیز رابعه فزادری. شعری که در زیر می خوانید از رابعه است.

عشق او باز اندر آوردم به بند
کوشش بسیار نامد سودمند
عشق دریایی کرانه ناپدید
کی توان کردن شناای هوشمند
عشق را خواهی که تا پایان بری
بس که ببسنیدید باید ناپسند
زشت باید دید و انگارید خوب
زهر باید دید و انگارید قند
نوسنی کردم ندانستم همی
کز کشیدن تنگ تر گردم کمند



رابعه را به جهت هنرها و توانایی هایی که داشت زین العرب یعنی زینت قوم عرب هم می نامیدند و به گفته عطار علاوه بر شعر گفتن حتی در نقاشی، سوارکاری و شمشیربازی هم ماهر بوده است



آمادگی برای یک داستان معمایی

اگر پسر خاله تان در کابین چرخ و فلک ناپدید شود، چه می کنید؟

مریم رحیمی پور
آموزگار



مثبت سیسمونی

برای فرزندان اول خانواده
که به تازگی خواهر یا برادر شده اند

فاطمه سادات شه‌روش
روزنامه‌نگار

را می فهمد. بی تجربه بودم. هیچ تصویری از زندگی بعد از ورود نوزاد نداشتم. اگر برادرم به جای سال ۷۳ در سال ۱۴۰۲، همزمان با چاپ اول کتاب دختر کوچولو، خواهر بزرگ می شود، به دنیا می آمد، هیچ کدام از مشکلات قبلی را نداشتم. کتاب انگار از روی زندگی من نوشته شده. دختری که با خبر بارداری مادرش از جای می پرد و روزهای تقویم را علامت می گذارد تا بالاخره برادرش به دنیا می آید. متن کتاب استانداردهای داستان کودک را رعایت کرده. جملات کوتاه اند. نصیحت گونه نیستند و از همه مهم تر واقعی اند. نویسنده تصویری حقیقی از زندگی خواهر و برادری به کودکان ارائه کرده. این بازنمایی حقیقت به کودکان کمک می کند تا از شرایطی که قرار است با آن مواجه شوند، درک درستی داشته باشند. او هم از روزهایی می نویسد که بچه هادر خانه دنبال بازی می کنند و با هم خوش اند و هم اوقاتی را نشان می دهد که پسر کوچولو موهای خواهرش را می کشد. تصویرگری ساده و به دور از شلوغی پیتراچ رینولدز کامل کننده داستان است و بار انتقال بخش مهمی از پیام کتاب را به دوش می کشد. در کنار همه ویژگی های مثبت کتاب، صفحه انتهایی اش آن را به هدیه ای مناسب برای فرزندان اولی که به تازگی خواهر یا برادر شده اند، تبدیل کرده: «این کتاب تقدیم به... می شود که در تاریخ... به مقام خواهر یا برادر بزرگتر رسیده است.»

هفت سالگی برای تجربه شکست عشقی خیلی زود است؛ اما من طعمش را چشیده ام. وقتی پدرم گفت: «امروز لازم نیست بری مدرسه» فهمیدم که وقتش رسیده. ورود آقایان به بخش زایمان ممنوع بود. پدرم چند شاخه گلایول داد دستم و از پرستار خواست تا من را ببرد پیش مادرم. چند ماه به شکم قلمبه اش نگاه کرده بودم. انتظار پشت انتظار تا خواهر یا برادری از دل مادرم بیرون بیاید. می خواستم دسته دوم آتاری که همیشه با دختر همسایه مان بازی می کردم را بدهم دستش و توی حیاط با هم لی لی بازی کنیم. در خیالم برایش نقشه کشیده بودم تا هیچ وقت نگذارم مثل خودم حوصله اش سر برود. وارد اتاق که شدم، بویی شبیه الکل زدیر دماغم. از ردیف تخت ها گذشتم تا به مادرم رسیدم. چشمم دودمی زد تا هم بازی ام را پیدا کنم. مادرم پتورا کنار زد و آن موجود موفرفری که فقط کمی از عروسکم بزرگتر بود را نشانم داد، خشکم زد. ساقه گلایول ها را در دستم فشار دادم و با خودم گفتم: «این همه صبر کردم واسه این؟» کسی که قرار بود عاشقش باشم و صبح تا شبم را با او بگذرانم حتی نمی توانست بنشیند، حرف بزند یا عصرها با من بیسکوئیت مادر بخورد. زندگی عاشقانه من با برادرم هنوز شروع نشده تمام شده بود. کسی به من نگفته بود نوزاد قرار است تا ماه ها فقط گریه کند و آروغ بزند و اداهایی در بیاورد که فقط مادرم منظورش



در این عملیات نجات، باعث می شود که کمی عاقلانه تر فکر کند. مشخص است که در نهایت، معمای ناپدید شدن سلیم حل می شود، اما در طول این کتاب علاوه بر یک داستان معمایی جذاب، با مسائل دیگری نیز مواجه می شویم، مانند معضلات میان نوجوانان و والدین شان و درک بهتر بچه هایی مانند تد که شرایط خاصی دارند. هرچه هست «معمای چشم لندن» یک رمان نوجوان معمایی خواندنی است. کتابی که می توان به بچه های بالای ۱۲ سال و بزرگترهایی که کتاب نوجوان می پسندند، معرفی کرد.

از دیگر ژانرهاست، طبیعی به نظر می آید و تعجب می کنند وقتی می گویم که سلیم طی یک اتفاق کاملاً طبیعی و واقعی ناپدید شده و داستان کاملاً واقع گراست و قرار نیست پای جادو و آدم های فضایی به آن باز شود و همین هم کتاب را جذاب می کند. واقعاً چه بلایی سر سلیم آمده؟ ویژگی های شخصیت تد هم ماجرا را با مزه تر می کند، در بخشی از داستان تد فرضیه های علت ناپدید شدن سلیم را فهرست می کند و در فهرستش چیزهایی مانند احتراق خود به خودی سلیم و ناپدید شدن او در پرش زمانی هم وجود دارد و تد خیلی جدی معتقد است که از نظر علمی ممکن است چنین اتفاقاتی برای سلیم رخ داده باشد. گرچه حضور خواهرش

یکی از ژانرهایی که یک شماره مفصل در مورد آن صحبت کردیم، ژانر معمایی بود و آن زمان بعنوان یک معلم کتابخوانی - نگارش، پیشنهادم برای کتاب معمایی نوجوانان، آثار ملکه جنایی خانم آگاتا کریستی بود (که هنوز هم هست). اما اخیراً متوجه شدم که ناشران کتاب کودک و نوجوان اقدام به انتشار (یا بهتر است بگویم ترجمه) کتاب های معمایی - جنایی مخصوص نوجوانان کرده اند. یعنی مثلاً شما می توانید به سایت یک ناشر کتاب کودکان و نوجوان بروید و در بخش کتاب های معمایی چندین جلد کتاب قابل توجه ببینید و اگر نظر من را بخوانید، این اتفاق، اتفاق خوبی است.

«معمای چشم لندن» یکی از آن کتاب های معمایی است که جدیداً مطالعه کردم. کتابی در ژانر معمایی - پلیسی که از قضا فضایی کاملاً نوجوانانه دارد و به نظر می رسد از پس پیچیدگی های مخصوص این ژانر به خوبی برآمده است. «تد» شخصیت اصلی این داستان است که نوعی بیماری شناختی خاص دارد که نمی داند چیست و در داستان هم نامی از آن برده نمی شود، علائمی شبیه به اوتیسم دارد که سبب می شود تد در درک مسائل اجتماعی و روابط بین افراد ضعیف باشد اما مغزش به گونه ای کار می کند که می تواند استدلال های قوی تری داشته باشد. داستان از جایی آغاز می شود که «سلیم» پسر خاله تد برای مدت کوتاهی به شهر آن ها، لندن، سفر می کند و در روز اول اقامتش سوار چرخ و فلک بزرگ لندن می شود و دیگر از آن بیرون نمی آید. بله، به همین سادگی، سلیم ناپدید می شود و تد و خواهرش تصمیم می گیرند او را پیدا کنند.

وقتی خلاصه این داستان را برای بچه های کلاس تعریف می کنم، اغلب اوقات انتظار یک ماجرای تخیلی را دارند. (با توجه به اینکه حجم مطالعه کتاب های تخیلی بچه ها بالاتر



نویسنده تصویری حقیقی از زندگی خواهر و برادری به کودکان ارائه کرده. این بازنمایی حقیقت به کودکان کمک می کند تا از شرایطی که قرار است با آن مواجه شوند، درک درستی داشته باشند



زندگی

موانع عرفی برای ازدواج مجدد یا ازدواج در سنین بالاتر

تبعیض سنی برای ازدواج

سارا مؤمنی

دانشجوی دکتری مدیریت رسانه



همیشه وقتی درباره «ازدواج» حرف می‌زنیم، تصویر یک دختر و پسر «مجرد» و «جوان» به ذهنمان می‌آید. در واقع ازدواج را متعلق به افراد مجردی می‌دانیم که جوان هستند. این یعنی فردی که یکبار ازدواج کرده، طلاق گرفته و حالا دوباره می‌خواهد ازدواج کند، در ذهن ما آن تصویر ایده‌آل از ازدواج را نمی‌دهد. یا فردی که هنوز مجرد است، اما در سنین میانسالی است و تصمیم به ازدواج دارد، در ذهن کلیشه‌ساز ما یک فرد شکست خورده در امر ازدواج است و اصطلاحاً دیگر برای او دیر شده است. یا سالخورده‌ای که پس از سال‌ها کار و تلاش و تربیت فرزند، حالا در موقعیتی است که همسرش درگذشته و می‌خواهد ازدواج کند، ذهن قضاوت‌گر ما دست به تمسخر زده و باعث می‌شود ناخواسته به او بخندیم.

ما فراموش کرده‌ایم که جامعه فقط از جوانان مجرد تشکیل نشده و فراموش کرده‌ایم که بخش قابل توجهی از جامعه را افرادی تشکیل می‌دهند که با ازدواج کرده‌اند و از همسرشان جدا شده‌اند یا همسرشان فوت شده یا مجرد میانسال هستند یا سالخورده‌ای تنها هستند. آیا این بخش قابل توجه از جامعه نباید برای ادامه زندگی خود، ازدواج را انتخاب کنند؟ آیا نهاد خانواده را فقط کسانی باید تشکیل دهند که مجرد و جوان هستند؟ قطعاً جامعه‌ای که بخش قابل توجهی از افرادش را کسانی تشکیل می‌دهد که بالاتر گفتم، به خانواده به عنوان نهاد هسته‌ای اش در ابعاد مختلف فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی نیاز دارد نه افرادی که به خاطر کلیشه‌های ذهنی غلط و عرف اشتباه مجبورند تا پایان عمرشان، تنهایی را انتخاب کنند.

ازدواج با مطلقه؟ با اجازه بزرگترها، بله

چند سال پیش یکی از دوستانم پس از حدود ۱۰ سال زندگی مشترک با همسرش، از او جدا شد. پس از گذراندن روزهای سخت و پرتلاطم بعد از طلاق، شروع به خودسازی کرد، سرکار رفت و مستقل شد.

اما همیشه تشکیل خانواده برایش مسأله و اولویت بود. تصمیم به ازدواج با آقای گرفت که او هم طلاق گرفته بود و فرزند داشت. نگرانی و اضطراب او از این تصمیم بابت تصور و نگاه والدینش و بعدتر حرف و حدیث دوست و آشنا، باعث

می‌شد مدام این تصمیم را عقب بیندازد. مادری کردن دوست من برای بچه‌اش آن‌قدر مسأله نگران‌کننده دیگری بود که ممکن بود اثرات روحی جبران‌ناپذیری هم روی دوست من و هم روی آن کودک بگذارد.

بله، ساختن یک زندگی مشترک برای بار دوم، به اندازه ساختن زندگی مشترک اول و یا حتی انتخاب مجردی، دردسر، مشکل و مسأله دارد؛ اما آیا بار این مسائل باید به قدری باشد که افراد ناخواسته و در جبر، مدام تصمیم‌شان را عقب بیندازند و لحظات و روزها و سال‌های زندگی را در تنهایی بگذرانند؟ و آیا جامعه با چنین افرادی به رشد، تربیت و آرامش خواهد رسید؟ قطعاً خیر.

در کنار این مورد یکی از آشنایان را مثال می‌زنم که دختری مطلقه بود و هرخواستگاری از این ماجرا باخبر می‌شد، به دلیل همان کلیشه‌های ذهنی برآمده از یک عرف اشتباه، از تصمیم ادامه خواستگاری خود منصرف می‌شد. در نهایت فردی آمد و علاقه‌ای میان آنها پیش آمد که برای آن‌ها، ازدواج و تشکیل خانواده را در اولویت قرار داد. سال گذشته هم فرزندشان به دنیا آمد.

خواستیم بگویم اگرچه هر مرحله‌ای از زندگی، از مجردی و ازدواج گرفته تا طلاق و ازدواج مجدد، سختی‌ها و مسائل خودش را دارد و هیچ مرحله‌ای در دیگری راحت‌تر نیست؛ اما در میان آن‌ها، جنس مسائل و مشکلات ازدواج و تشکیل خانواده، در مسیر رشد انسان و جامعه است و آنجایی که عرف جلوی پیش را می‌گیرد، باید مقابلش ایستاد.

ازدواج در میانسالی؟ حتماً

همه برای دختر و پسر جوانی که زمان ازدواج‌شان رسیده در تلاش و تکاپو هستند که آنها به مرحله ازدواج، تأهل و تشکیل خانواده برسند؛ اما نسبت به فردی که یکبار ازدواج کرده و به هردلیلی ازدواج او تمام شده، نه تنها چنین تلاشی ندارند، بلکه به اشتباه مانع ازدواج او می‌شوند. برخی افراد به دلایل مختلف و در زمانی که فرزندانشان در سنین کودکی یا نوجوانی و جوانی هستند، همسر خود را از دست می‌دهند و پس از آن به دلیل بار فکری که عرف روی

ساختن یک زندگی مشترک برای بار دوم، به اندازه ساختن زندگی مشترک اول و یا حتی انتخاب مجردی دردسر، مشکل و مسأله دارد





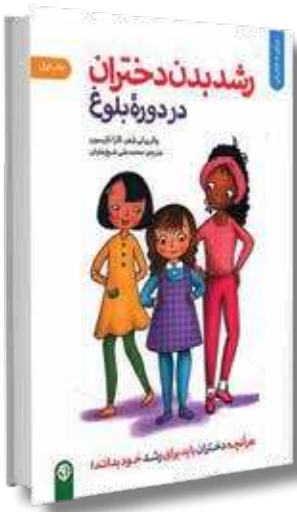
کمک کنیم دختران مان آگاهانه وارد دوره بلوغ شوند برای سلامت دختران

الهام اسماعیلی

نویسنده



با آگاهی که شبکه های اجتماعی به خانواده ها دادند و با پایین آمدن سن بلوغ در دختران، والدین تقریباً به این باور رسیده اند که پیش از آن، دختران را با مراحل بلوغ آگاه کنند



پزشکی که دختر خود را نزد اومی برید بهتر است فردی باشد که برای گفت و گو وقت کافی می گذارد تا دختران احساس راحتی کنند. خوب است پزشک با حوصله پذیرای نوجوانان باشد و به سؤال های آنها پاسخ دهد. برای اینکه بدانید دخترتان چه پزشکی را ترجیح می دهد نظر او را در این باره بپرسید، پزشک جوان باشد یا مسن؟ گاهی ممکن است متخصص زنان و زایمان مادر را ترجیح دهد. بعد از اینکه دختر خود را به مطب متخصص زنان برید از او بپرسید که آیا با این پزشک احساس راحتی می کند یا خیر، برخی دختران ممکن است با پزشکی که با مادرشان در ارتباط است احساس امنیت نداشته و به او اعتماد نکنند. از او بپرسید آیا دوست دارد زمان معاینه دکتر زنان شما هم کنار او باشید یا خیر، اجازه دهید گاهی با متخصص زنان تنها باشند چرا که ممکن است در حضور شما خجالت کشیده و نتواند با پزشک صادق باشد، به علاوه زمان تنهایی به او این امکان را می دهد که پزشک را به عنوان فردی بی طرف و آگاه شناخته و هر نگرانی یا سؤالی که دارد با او در میان بگذارد و سؤال از دکتر زنان برای او راحت تر شود. از طرفی، مادر که سابقه مراجعه به پزشک زنان را داشته، می تواند نوجوان را برای پاسخ دادن به سؤالاتی که معمولاً متخصص زنان در مورد تاریخچه پزشکی می پرسد، آماده کند. با استفاده از اطلاعات به دست آمده از این گفت و گو است که دکتر زنان در مورد نوع آزمایش های مورد نیاز نوجوان تصمیم می گیرد. به همین دلیل دختران نوجوان بهتر است که صادقانه به سؤال ها پاسخ دهند و نگران قضاوت پزشک نباشند. دختر نوجوان را تشویق کنید که در زمان مشاوره با دکتر زنان هر نوع سؤالی که دارد از ایشان بپرسد، مهم نیست که در نظرش چقدر احمقانه یا خجالت آور است. خوب است در این مورد صحبت کنید که دکتر بارها سؤال های عجیب را از زبان سایر بیماران هم شنیده است و هیچ وقت آنها را با کسی در میان نخواهد گذاشت.

بخشی از معاینه جسمانی معمولاً از سوی دستیار پزشک یا پرستار انجام می شود که علائم حیاتی شامل وزن و فشار خون را اندازه گیری می کند، سپس پزشک گردن، سینه، قلب، ریه ها و شکم را بررسی می کند، اگرچه سرطان سینه در نوجوانان بسیار نادر است اما این معاینه برای اطمینان از اینکه نوجوان شمارش طبیعی دارد انجام می شود و با آن هرگونه کیست، توده یا مشکلی تشخیص داده می شود. گاهی ممکن است آزمایش ادرار نیز لازم باشد، این معاینه اطلاعاتی در زمینه سلامت کلی نوجوان را در اختیار دکتر قرار می دهد. پیشنهاد مطالعه دو کتاب «رشد بدن دختران در دوره بلوغ» و «مراقبت از بدن دختران در دوره بلوغ» از انتشارات صابرین را نیز به همه دختران در مرحله بلوغ دارم.

بلوغ مرحله گذر از کودکی به بزرگسالی است. در این دوره سیستم طبیعی بدن که کودک با آن آشنایی داشته، تغییر کرده، وارد فاز به روزرسانی هورمونی می شود تا بدن را برای فرزندآوری آماده کند. بدن دختران در حال آماده شدن برای باروری است و دخترها با توجه به عرف جامعه در این باره کمترین صحبتی نمی کنند. کتاب های مناسب در این زمینه نیز کم و محدود است و گاه ترجیح خانواده و مدرسه این است تا بلوغ رخ ندهد، در این مورد صحبتی نکنند. البته در این زمان با آگاهی که شبکه های اجتماعی به خانواده ها دادند و با پایین آمدن سن بلوغ در دختران، والدین تقریباً به این باور رسیده اند که پیش از آن، دختران را با مراحل بلوغ آگاه کنند. با این همه هنوز به ندرت مادری، دختر خود را برای بررسی رشد بدن نزد پزشک متخصص زنان و زایمان می برد. در صحبت با پزشک متخصص زنان توصیه می شود دختران در سنین ۱۳ تا ۱۵ سالگی اولین ملاقات خود را با متخصص زنان داشته باشند. برای دختر نوجوان و مادرش، ملاقات با دکتر زنان و معاینه ممکن است احساس ترس، نگرانی یا اضطراب را به همراه داشته باشد. لازم است مادر از قبل برای فرزند خود اهمیت این معاینه را توضیح دهد و به او درباره اهمیت سلامت خود آگاهی دهد.

ممکن است دختر نوجوان مافکر کند زمانی که مشکلی ندارد چرا باید به متخصص زنان مراجعه کند، به او توضیح دهید برای تأیید سلامتی و پیشگیری از هر نوع بیماری لازم است تا با پزشک ملاقات کند و شرح حالش در بلوغ را به او ارائه دهد. به فرزند خود بگویید که اومی تواند اطلاعات درست برای هر سؤال در مورد جنسیت، تغییرات بدن و بلوغ را از متخصص دریافت کند. البته برای آگاهی درباره بلوغ می توانید همراه با فرزند خود به یک متخصص بهداشت باروری مراجعه کرده و در یک اتاق مشاوره او سؤال هایش را بپرسد. برای این مورد لازم است والدین شرایط امنی را در خانواده فراهم کرده باشند تا نوجوان به آنها بگوید که در این باره چه سؤال هایی دارد و خانواده با آگاهی و همراهی، او را نزدیک مشاور متخصص ببرد. اگر نوجوان در نظم طبیعی بدنش، دچار اختلال است، یا درد زیادی را در این دوران تحمل می کند، خواهشاً والدین آن را جدی بگیرند و این مسائل را با پزشک در میان گذاشته تا درمان آغاز شود و آن را سرخود به ژنتیک ربط ندهند، دردش را کوچک نشمرند یا احساساتش را انکار نکنند. تشخیص بموقع در درمان بسیار اهمیت دارد؛ به طور مثال نشانه اختلال هورمونی یا آنا تومیک باید جدی گرفته شود. بنابراین تشخیص زودهنگام در دریافت بهترین و مؤثرترین درمان ها ضرورت دارد. انتخاب دکتر زنان مناسب یکی دیگر از ضروری ترین مواردی است که باید والدین به آن توجه کنند،

دوستان گذشته، خود را پدر و مادر فرزند دانسته و تلاش می کنند تمام زندگی خود را بیش از پیش فدای فرزندانشان کرده و این طوری برای آنها یک والد کافی و حتی قهرمان شوند. غافل از اینکه فراموشی خود در این موقعیت، از آنها برای فرزندشان قهرمان نمی سازد؛ بلکه فردی تنها، رنجور و پر زحمت دیده می شود که فقط به دلیل حرف مردم، تصمیم به ازدواج مجدد ندارد. این در حالی است که ازدواج در میانسالی، یک انتخاب درست در میان گزینه هایی چون تنهایی و یارفاقت های کوتاه مدت، بی اثر و بی هدف اما پرهزینه است.

ازدواج در سالخوردگی؟ قطعاً

پیش از این، نگاه عرفی موافق این امر نبود و اغلب بازنمایی رسانه ها از ازدواج سالخوردگان، یک رویکرد طنز و کمدی داشت و جدی گرفته نمی شد و حتی نیاز و ضرورت آن خیلی برای عموم روشن نبود. اما حالا با پیشرفت فکری و عقلی جوامع و البته مسائل مختلف دوران سالخوردگی افراد، فرزندان بهتر از قبل همراه، موافق و حتی مشوق والد سالخورده خود برای ازدواج هستند و کمتر مانع این امر می شوند. این اتفاق خوبی است و کاش برای دو گروه دیگر هم همین اتفاق بیفتد و اطرافیان و عرف نه تنها مانع ازدواج آنها نباشند، بلکه مشوق این امر بوده و تمام افکار و تصاویر قالبی و کلیشه ای که مانع از این می شود که تشکیل خانواده را اولویت بدانند، دور بریزند و اصلاً خود برای این افراد آستین بالا بزنند.

اولویت اصلی؟ «عشق و انتخاب ازدواج»

مسئله اصلی در این یادداشت، فراموش نکردن اولویت هایمان در سبک زندگی مان بود. گاهی وقت ها مشورت و کمک گرفتن از دانش و رویکرد اطرافیان برای بخشی از سبک زندگی مان کمک کننده و راهگشاست. اما آنجایی که می بینیم این دانش به بینش تبدیل نشده و به لطف نگاه کلیشه عرف، رگه های مغالطه و خطا دارد، نباید بترسیم و اگر از درست بودن تصمیم مان مطمئن هستیم، آن را اجرا کنیم. برای اینکه چنین نگاهی در جامعه قوت گرفته و درونی شود، عملکرد رسانه ها بویژه برنامه های ترکیبی خانواده محور و فیلم های سینمایی و مجموعه های تلویزیونی نقش محوری، ضروری و دائمی دارد.



بخش قابل توجهی از جامعه را افرادی تشکیل می دهند که یا ازدواج کرده اند و از همسرشان جدا شده اند یا همسرشان فوت شده یا مجرد میانسال هستند یا سالخورده ای تنها هستند



ساده و مقوی مناسب سحر و افطار

شیرینی خرما یا کوکی خرما



کوکی خرما در واقع نوعی کلوچه خرما کوچک است که از یک خمیر بسیار ساده تشکیل شده و با خرما پوره شده پوره شده پُر می شود

مواد لازم (هم دمای محیط)

| | |
|--------|----------------------|
| خرما | ۳۰۰ گرم |
| کره | ۱۰۰ گرم |
| آرد | یک و یک چهارم پیمانه |
| گلاب | یک دوم قاشق غذاخوری |
| شیر | دو قاشق غذاخوری |
| دارچین | یک قاشق چای خوری |

چند نکته در خصوص مواد اولیه

برای اندازه گیری آرد، ظرف یا پاکت آرد را با قاشق هم بزنید، پیمانه ها را با قاشق پر کنید و سر پیمانه را صاف کنید. آرد اندازه گیری شده را حتماً دو بار الک کنید.

برای این دستور می توانید از کره حیوانی (کره صبحانه) یا کره گیاهی سوپرمارکتی (مارگارین) یا مخلوط هر دو استفاده کنید. دقت کنید که برای این دستور کره سنتی، کره لاکتیکی، کره کم چرب، روغن جامد و روغن صاف قابل استفاده نیستند.



بیکنینگ پودر، جوش شیرین، خمیرمایه و شکر استفاده نمی شود و برای گرفتن خمیر نیازی به همزن یا غذا ساز نیست.

مواد داخلی خمیر هم متنوع است و می تواند خرما پوره شده، گردو یا پسته باشد، حتی ادویه معمول هم در هر منطقه متفاوت است و از دارچین، هل، میخک یا مخلوطی از همه اینها استفاده می شود.

برای دستورات قنادی بهتر است از شیر پرچرب کارخانه ای استفاده کنید.

طرز تهیه کوکی خرما

برای آماده کردن این شیرینی ابتدا مواد میانی را آماده می کنیم. برای آماده کردن مواد میانی، انواع خرماهای موجود در بازار قابل استفاده است و محدودیتی در انتخاب نوع خرما وجود ندارد. البته روش پوره کردن انواع مختلف خرما متفاوت است، برای خرماهای نرم، بدون هیچ ابزاری بعد از پوست کندن و هسته گرفتن، خرما را با چنگال له کنید. ولی اگر خرما از جنس سفت تر است، خرما را خرد کنید و با یک چهارم پیمانه آب روی حرارت ملایم بگذارید تا جایی که خرما نرم و آب موجود بخار شود و بعد با چنگال خرماها را له کنید.

در بعضی دستورات هم استفاده از چرخ گوشت یا غذا ساز برای خرماهای سفت توصیه می شود. برای اینکه پوست خرما راحت تر جدا شود و تمیز هم شده باشد، روی خرما آب جوش بریزید. دقت کنید که فقط در حد خیس شدن روی خرماها آب می ریزیم، وگرنه بافت خرما شل و بدطعم می شود.

خرماها را پوست بکنید و هسته را از وسطش خارج کنید، سپس دارچین را به خرماها اضافه کنید. می توانید میزان دارچین موجود در دستور را نصف کنید و به جای آن یک دوم قاشق چای خوری هل اضافه کنید. خرما و ادویه ها را خوب با چنگال له کنید تا یکدست شوند. وجود رگه های خرما مشکلی ایجاد نمی کند و همین که به طور کلی ماه یکدست شود، کافی است. حالا کاسه مواد میانی را کنار بگذارید و خمیر را آماده کنید. قبل از آماده کردن خمیر، فر را روی ۱۸۰ درجه سانتی گراد در فرهای گازی یا حدوداً ۱۶۰ درجه در فرهای برقی روشن کنید تا گرم شود.

سینی شیرینی پزی را آماده کنید. برای سینی دو نکته وجود دارد، اول اینکه به هیچ وجه سینی را چرب نکنید، چربی موجود در سینی باعث پیشروی کوکی ها و پهن و دفرمه شدن آنها می شود، پس به جای چرب کردن از کاغذ روغنی، ورق نسوز یا مت سیلیکونی استفاده کنید.

نکته دوم اینکه سینی شیرینی پزی که در لوازم قنادی ها با

جنس آلومینیومی، گالوانیزه یا تفلون به فروش می رسد را تهیه کرده و از سینی خود استفاده نکنید. این را بدانید که فقط در چند مارک خاص فر، امکان استفاده از سینی خود فر برای شیرینی پزی وجود دارد.

آرد الک شده را در کاسه تمیزی بریزید. کره نرم شده در دمای محیط را به آرد اضافه کنید و با نوک انگشتان دست، چنگال یا پیستری بلندر (همزن دستی خمیرگیر) مواد را با هم مخلوط کنید. وقتی آرد به شکل خرده بیسکوئیت درآمد و کره مخلوط شد، شیر و گلاب را اضافه کنید. دقت کنید که نیازی نیست کره و آرد کاملاً یکدست شوند، همین که به شکل تکه ای در بیایند، کافی است و می توان مواد را اضافه کرد.

بعد از اضافه کردن مایعات، خمیر را به آرامی با نوک انگشتان دست، فقط و فقط تا حدی ورز دهید که یکدست شود. ورز بیش از حد باعث به روغن افتادن خمیر و خرابی آن می شود. حالا خمیر و مواد میانی را کنار هم بگذارید.

از خمیر به اندازه یک گردو جدا کرده و بین دو دست گلوله کنید. می توانید تکه های خمیر را با قاشق به صورت چشمی یا با استفاده از ترازوی آشپزخانه به صورت دقیق و هم اندازه جدا کنید.

خمیر گلوله شده را کف دست تان بگذارید و با استفاده از انگشت شست دست دیگر، خمیر را پهن و گود کنید. می توانید قبل از فرم دادن خمیر، دست تان را چرب کنید و مواد میانی را به شکل گلوله های کوچک فرم دهید تا کار راحت تر شود. با این روش میزان مواد میانی یکسان می شود و سرعت تهیه شیرینی ها هم بالا می رود. پس از آماده کردن گلوله های خرما از مواد میانی، آنها را وسط هر خمیر باز شده شیرینی می گذارید و بعد لبه های خمیر را با فشار دادن به هم می بندید. سپس بین دو کف دست خمیر را غلتانده تا به شکل توپی در بیاید.

شیرینی ها را روی سینی بچینید و روی شیرینی را به دلخواه تزئین کنید، مثلاً می توانید وسط شیرینی ها را کمی گود کنید و آن را پس از اتمام پخت و سرد شدن، با شکلات آب شده، مغزیجات، پودر نارگیل یا... پر کنید. همین طور می توانید از مهرهای مختلف شیرینی مانند مهر نان برنجی برای طرح دار کردن سطح شیرینی استفاده کنید.

پس از این مرحله سینی شیرینی را به مدت بیست دقیقه در فر از قبل گرم شده قرار دهید. بعد از این مدت روی شیرینی ها طلایی و پایین آن کمی تیره می شود. دقت کنید که خمیر این شیرینی بعد از پخت بسیار لطیف و شکننده است، پس به هیچ وجه تا سرد شدن کامل شیرینی به آن دست نزنید. سینی را به مدت نیم ساعت روی توری خنک کننده قرار دهید و بعد شیرینی ها را از روی سینی جدا کرده و در ظرف سرو بچینید. در صورت تمایل می توانید روی شیرینی ها پودر قند الک کنید.

شرایط نگهداری

کوکی خرما، شیرینی با ماندگاری بالا است. این شیرینی در ظرف در بسته در دمای محیط حداً ۱۰ روز تا زگی خودش را حفظ می کند.

از این که این آموزش را تا انتها با من همراه بودید از شما سپاسگزارم. امیدوارم لحظات شیرین زندگی تان هر روز بیشتر از روز قبل باشد.

چند پیشنهاد برای نزدیک شدن به ماه رمضان

سرزده وارد نشو

اهداف کوتاه مدت و بلند مدت خود را در ماه رمضان بنویسید

بسیاری از ما مصمم هستیم که از ماه رمضان بهترین استفاده را ببریم. ما برای بهتر و با دقت خواندن نماز خود برنامه ریزی می‌کنیم، قرآن بیشتر می‌خوانیم، اسلام را بیشتر می‌آموزیم، صدقه بیشتری می‌دهیم و در انجام کارهای خیر بیشتری مشارکت می‌کنیم. با این حال، اگر اهداف خاصی در ذهن نداشته باشیم، ممکن است سخت باشد که با انگیزه بمانیم یا بدانیم که آیا در حال بهبود عادات خوب خود هستیم یا خیر.

با نوشتن فهرستی از تمام اهدافی که می‌خواهید در ماه رمضان روی آنها کار کنید، تمرکز خود را حفظ کنید. همچنین هم اهداف کوتاه مدتی را که می‌خواهید در طول ماه به پایان برسانید و هم اهداف بلندمدتی که می‌خواهید بعد از ماه رمضان روی آنها کار کنید را در نظر بگیرید.

مثلاً شاید یکی از اهداف بلندمدت شما حفظ کل قرآن باشد. پس، یکی از اهداف کوتاه مدتی که ممکن است برای رسیدن به این هدف فهرست کنید، داشتن یک زمان مشخص از روز برای خواندن و حفظ قرآن باشد (مثلاً نیم ساعت بعد از اذان صبح، ۲۰ دقیقه قبل از مغرب و غیره). هدف کوتاه مدت دیگر شما هم می‌تواند انتخاب چند سوره از قرآن برای حفظ در طول ماه باشد.

اهداف شما هر چه باشد، مطمئن شوید که برای شما قابل انجام است. از اینکه کارها را آهسته انجام دهید، احساس بدی نداشته باشید. بهبود تدریجی اما مداوم بهتر از سرعت بخشیدن به اهداف فقط برای انجام آنهاست.

به مثال قرآن برگردیم، شاید در حال حاضر فقط یک یا دو سوره کوتاه را در طول ماه حفظ کنید، اما شاید هم در یک روز بتوانید یک صفحه یا حتی بیشتر را حفظ کنید. رمضان بهترین زمان برای ایجاد عادات خوب است و باید بتوانید از این سفری که آغاز می‌کنید برای توسعه فردی خودتان استفاده کنید و از آن لذت ببرید.

در ماه رمضان از سلامتی خود لذت ببرید

مراقبت از سلامتی بخش مهمی از ایمان ماست، زیرا در اسلام، بدن ما بر ما حق دارد. روزه در ماه رمضان شامل ساعات طولانی بدون غذا و نوشیدنی است. از این رو، ما باید مطمئن شویم که از نظر جسمی و روحی برای آن آماده هستیم تا بتوانیم ماه را با تمرکز بر عبادت خدا سپری کنیم.

قبل از فرارسیدن ماه رمضان، احساس ذهن و بدن خود را بررسی کنید. آیا علائمی دارید که بخواهید یک متخصص سلامت آن را بررسی کند؟ آیا شما دچار یک بیماری مزمن هستید؟ آیا دارویی دارید که باید در ساعات خاصی از روز مصرف کنید؟ اگر می‌توانید با پزشک خود ملاقات کنید و از او بخواهید که به شما کمک کند تا برنامه‌ای مناسب با شرایط ماه مبارک برایتان تنظیم کند.

یکی دیگر از مواردی که درباره سلامتی باید به آن دقت کرد، خوردن وعده‌های غذایی سالم برای سحری و افطار است که شامل غذاهایی با مواد مغذی باشد که به شما کمک کند برای مدت طولانی انرژی داشته باشید، مانند غلات، میوه‌ها یا سبزیجات سرشار از فیبر.

با آماده کردن ذهن و بدن خود برای ماه روزه در پیش رو، زمان بیشتری برای تمرکز بر معنویات و در نتیجه تلاش برای استفاده حداکثری از برکات ماه رمضان دارید.

برنامه‌های طول ماه مبارک

از حالا هر روز زمانی را برای پیگیری پیشرفت خود و برنامه‌تان اختصاص دهید، اهدافی را که باید روی آنها کار کنید مرور کرده و ببینید در هر روز چه کارها و برنامه‌هایی دارید. در ماه مبارک ممکن است برای افطار جایی دعوت شوید و این نیازمند تغییر در قسمتی از برنامه‌های شخصی آن روزتان باشد. به خاطر داشته باشید مهربانی با دیگران و مراقبت از اطرافیان و معاشرت با عزیزان، کم از خواندن قرآن و عبادت‌های دیگر نیست، پس به خاطر برنامه‌های عبادتی که در این ماه دارید به خودتان و اطرافیان‌تان سخت نگیرید و در برنامه‌هایتان منعطف باشید و پیش از شروع ماه مبارک انعطاف‌پذیری در برنامه‌های زندگی‌تان را تمرین کنید. این سیستم ما را تشویق می‌کند تا این عادات منظم و رفتارهای خوب را حتی پس از پایان این ماه نیز حفظ کنیم!

پس از زمانی که تا ماه مبارک رمضان باقی مانده است، نهایت استفاده را ببرید تا یک برنامه عملیاتی تهیه کنید. همچنین تمام عادات‌هایی را که می‌خواهید ترک کنید یا عادات جدیدی که می‌خواهید بسازید و اهداف کلیدی خود (کوتاه مدت و بلند مدت) را یادداشت کنید. به همین ترتیب، در مورد نیازهای سلامتی خود و هر برنامه‌ای که ممکن است شما، خانواده یا دوستان‌تان داشته باشید، برنامه‌ریزی کنید.

ریحانه آقا محمدی

نویسنده

ماه رمضان، ماه رحمت و مغفرت، یکی از بهترین زمان‌ها برای ترک عادات‌های بد است

با نزدیک شدن به ماه مبارک رمضان، مسلمانان در سراسر جهان عجله دارند تا خود را برای این زمان مقدس آماده کنند - ماه مهم همین‌طور البته ماه رمضان یک ماراتنی است برای انجام بهترین کارها. خداوند با هرامتحان، با هر نیت خالصانه، با هر عبادتی که به خاطر او انجام می‌شود، به مؤمنان خود پاداش و برکات مضاعف را وعده می‌دهد.

خداوند متعال ماه رمضان را آفرید تا برای مؤمنان یک تجربه کامل باشد؛ ماهی که برای آسایش دل و روان و پاکسازی جسم و روح ساخته شده است. اما اگر مطمئن نیستید از کجا شروع کنید و برای این ماه پرماجرا آماده شوید، نگران نباشید! در اینجا چند نکته آسان برای آماده‌سازی قبل از ماه رمضان وجود دارد که به شما کمک می‌کند تا برنامه خود را برای این ماه بسازید!

به عادات‌های بدی که می‌خواهید در ماه رمضان کنار بگذارید، توجه کنید

ماه رمضان، ماه رحمت و مغفرت، یکی از بهترین زمان‌ها برای ترک عادات‌های بد است. اولاً، خداوند در این مدت تمام شیاطین را زندانی کرده است و همین موضوع دوری از اعمال زیان‌بار را برای ما آسان می‌کند.

ابتدا با یادداشت کردن عادات بدی که احساس می‌کنید در ماه رمضان می‌توانید از شر آنها خلاص شوید، کار خود را شروع کنید و خود را نسبت به آن مسئول نگه دارید، سپس مراحلی را که قصد دارید برای ترک این عادات بردارید، یادداشت کنید. اینجا لیستی از اقداماتی را آورده‌ایم که ممکن است بخواهید برای این ماه انجام دهید:

۱۰-۱۵ دقیقه قبل از وقت نماز زنگ ساعت را تنظیم کنید تا زمانی برای وضو داشته باشید و خود را در شرایط ذهنی نماز قرار دهید.

از یکی از دوستان یا اعضای خانواده خود بخواهید که قبل از اتمام وقت نماز بپرسند که آیا نماز خوانده‌اید یا خیر.

یک جامه‌سبک همیشه همراه خود داشته باشید تا بتوانید هر کجا که هستید نمازتان را بخوانید.

البته شکستن یا ساختن بعضی از عادات‌ها سخت‌تر از بقیه است. مخصوصاً اگر سال‌هاست آن را داشته‌ایم. حتی اگر از تغییر کمی و کوچک شروع کنید هم خوب است. هر تلاشی که برای بهبود خود در راه خدا انجام می‌دهید به نفع دنیا و آخرت‌تان است.

از مواردی که درباره سلامتی باید به آن دقت کرد، خوردن وعده‌های غذایی سالم برای سحری و افطار است

راهنمای دستیابی به اهداف

از تعهد تا عمل



پس از تعیین هدف، یک برنامه دقیق بنویسید. این برنامه باید شامل مراحل مورد نیاز برای دستیابی به هدف، منابع مورد نیاز، موانع احتمالی و راهبردهای غلبه بر آنها باشد.

نوشین تقیانی نویسنده

وینس لومباردی می گوید: «داشتن تعهد فردی به یک تلاش گروهی، این همان چیزی است که باعث می شود یک تیم، یک شرکت، یک جامعه و یک تمدن کارآمد شود.»
«تعهد» کلمه قدرتمندی است. این به معنای یک وعده شخصی و پایبند بودن به یک هدف است. اما صرف گفتن اینکه ما به چیزی متعهد هستیم، واقعاً تعهد را نشان نمی دهد. برای نشان دادن تعهد، باید نحوه دستیابی به اهداف خود را کاملاً مشخص کنیم. در این یادداشت راه هایی را با هم بررسی می کنیم که از طریق آن می توانیم تعهد خود را نشان دهیم و نقشه ای دقیق برای دستیابی به اهدافمان ارائه کنیم.



درک تعهد

قبل از اینکه به مراحل نشان دادن تعهد بپردازیم، بسیار مهم است که بدانیم معنی آن چیست. تعهد یک حالت روانی است که نشان دهنده دلبستگی و پایبندی فرد به یک دوره عملی است. این دوره شامل عزم برای دستیابی به یک هدف، آمادگی برای کار سخت و تمایل به ادامه مسیر حتی در هنگام بروز چالش است. آماده کردن نقشه راه

اولین قدم برای نشان دادن تعهد این است که اهداف خود را به وضوح تعریف کنید. یک هدف به خوبی تعریف شده، جهت حرکت را مشخص و به اندازه گیری پیشرفت شما کمک می کند. هدف باید مشخص، قابل اندازه گیری، قابل دستیابی، مرتبط و محدود به زمان باشد (SMART). به عنوان مثال، به جای گفتن «من می خواهم وزن کم کنم»، بگویید: «با ترکیبی از ورزش منظم و یک رژیم غذایی سالم، در عرض سه ماه ۱۰ کیلو وزن کم می کنم.»



برنامه ریزی

پس از تعیین هدف، یک برنامه دقیق بنویسید. این برنامه باید شامل مراحل مورد نیاز برای دستیابی به هدف، منابع مورد نیاز، موانع احتمالی و راهبردهای غلبه بر آنها باشد. داشتن یک برنامه خوب نشان می دهد که شما در مورد تعهد خود جدی هستید و آماده هستید تا تلاش کنید.



اقدام کردن

تعهد در مورد برنامه ریزی نیست بلکه در مورد انجام دادن است. اجرای برنامه خود را شروع کنید و به طور مداوم در جهت هدف خود قدم بردارید. این تعهد می تواند به معنای یک ساعت زودتر



داشتن تعهد فردی به یک تلاش گروهی. این همان چیزی است که باعث می شود یک تیم، یک شرکت، یک جامعه و یک تمدن کارآمد شود.

بیدار شدن برای ورزش کردن، اختصاص دادن زمانی برای یادگیری یک مهارت جدید یا کاهش هزینه های غیرضروری برای صرفه جویی در هزینه باشد. عملگر بودن مداوم نشان دهنده تعهد شما به هدفان است.

یادگیری دانش و مهارت گاهی اوقات، دستیابی به اهداف ما نیازمند یادگیری دانش یا مهارت های جدید است. نشان دادن تعهد ممکن است شامل شرکت در یک دوره آموزشی یا حتی برگشت به دانشگاه، شرکت در کارگاه ها، خواندن کتاب یا پیدا کردن یک مربی باشد. این تمایل به یادگیری نشان دهنده تعهد به رشد شخصی و دستیابی به هدف شماست.



پیگیری پیشرفت

بررسی و پیگیری منظم میزان پیشرفت برای نشان دادن تعهد شما بسیار مهم است. این نه تنها کمک می کند تا مطمئن شوید که در مسیر درست هستید، بلکه فرصتی برای جشن گرفتن پیروزی های کوچک در طول مسیر فراهم می کند که می تواند انگیزه را افزایش دهد. از یک بولت ژورنال یا ابزار دیجیتال برای ثبت پیشرفت خود استفاده کنید و در مورد اینکه کدام بخش را درست انجام دادید و کدام قسمت را نه، فکر کنید.



پایداری

نشان دادن تعهد همچنین مستلزم انعطاف پذیری است. در هر مسیری، موانع و شکست ها اجتناب ناپذیر هستند، اما این پاسخ شما به این چالش ها است که میزان تعهد شما را نشان می دهد. به جای تسلیم شدن در اولین چالش، راه هایی برای غلبه بر مانع پیدا کنید و از تجربه شکست های خود درس بگیرید و به حرکت رو به جلو ادامه دهید.



فداکاری کردن

تعهد اغلب مستلزم فداکاری هایی مانند کنار گذاشتن اوقات فراغت، سرمایه گذاری مالی یا خارج شدن از منطقه راحتی است. این فداکاری ها نمایش فیزیکی تعهد شما به هدف هستند. به عنوان مثال شما نمی توانید هم در همه میهمانی ها شرکت کنید و هم به همه تفریحات خود برسید و در عین حال یک رتبه عالی نیز در کنکور کسب کنید.



به دنبال پشتیبان باشید

تعهد به این معنا نیست که حتماً مسیر را به تنهایی ادامه دهید.

درخواست حمایت از دوستان، خانواده یا مربیان حرفه ای می تواند به شما کمک کند با انگیزه بمانید. به اشتراک گذاشتن اهداف و پیشرفت خود با دیگران نیز می تواند به عنوان تأییدی قدرتمند از تعهد شما باشد.



انعطاف پذیر بودن

سامی دیویس جونیور می گوید: «شما همیشه دو انتخاب دارید: تعهدتان در مقابل ترس هایتان.» نشان دادن تعهد به معنای پایبند ماندن به یک برنامه ثابت نیست بلکه در مورد انعطاف پذیری و سازگاری در مواجهه با تغییرات است. اگر یک روش جواب نمی دهد، رویکرد و مسیر خود را مجدداً ارزیابی کنید و در صورت لزوم، تغییرات مورد نیاز را ایجاد کنید. انعطاف پذیری نشان می دهد که شما به هدفان متعهد هستید و نه فقط به برنامه.



تعهد در برابر مخالفت ها و خرابکاری ها

در سفر زندگی، ما اغلب اهدافی را تعیین می کنیم که نیاز به تعهد بالایی دارد. با این حال، گاهی اوقات، افراد اطراف ما ممکن است آرزوهای ما را درک نکنند، یا حتی ممکن است فعالانه تلاش کنند تا ما را منصرف کنند. دوستان، همکاران یا اعضای خانواده غیرحمایت کننده می توانند موانعی ایجاد کنند و در برخی موارد حتی ممکن است به خرابکاری متوسل شوند. در ادامه به بررسی این موضوع می پردازیم که چگونه می توانید تعهد خود را نشان دهید و در دستیابی به اهداف خود پافشاری کنید، حتی زمانی که با مخالفت یا خرابکاری مواجه می شوید.



دلیل مخالفت آنها را درک کنید

افراد ممکن است به دلایل مختلف با اهداف شما مخالفت کنند. شاید به دلیل نگرانی برای سلامتی شما، ترس از تغییر شما یا حتی حسادت. درک علت اصلی می تواند به شما در رفع نگرانی های آنها کمک کند و بینشی در مورد نحوه مدیریت موقعیت به شما ارائه دهد.



در مورد اهداف خود به وضوح توضیح دهید

سوء تفاهم ها اغلب منجر به مخالفت می شود. اطمینان حاصل کنید که به وضوح در مورد اهداف



بر موفقیت شما تأثیر بگذارد؟ گاهی عاقلانه تر است که تعهد را تا زمانی که شرایط مساعدتر شود به تعویق بیندازید.

۴. محیط مناسب: محیطی که در آن اهداف خود را دنبال می کنید نیز می تواند به میزان قابل توجهی بر سطح تعهد و موفقیت شما تأثیر بگذارد. ادامه چند راه مناسب برای ایجاد محیط مناسب را با هم بررسی می کنیم.

• اطراف خود را با افراد حمایتگر احاطه کنید: شبکه ای از افراد حامی ایجاد کنید که اهداف شما را درک کرده و تشویق می کنند. این می تواند شامل مربیان، دوستان یا اعضای خانواده باشد. قدر این افراد حمایتگر را بدانید، آنها الماس های زندگی شما هستند!

• یک محیط فیزیکی مساعد ایجاد کنید: محیط فیزیکی شما باید تعهد شما را تسهیل کند. برای مثال، اگر متعهد به نوشتن کتاب هستید، فضایی آرام و راحت برای نوشتن ایجاد کنید. اگر متعهد به انجام روزانه ورزش هستید، دنبال یک باشگاه مناسب باشید.

• فرهنگ محیط کار: اگر تعهد شما به یک هدف شغلی مرتبط است، فرهنگ محل کار شما اهمیت زیادی دارد. به دنبال مکان های کاری باشید که برای پیشرفت و تعهد شما نسبت به اهدافتان ارزش قائل هستند.

• عوامل حواس پرتی را محدود کنید: عوامل حواس پرتی می توانند تعهد شما را به مرور زمان از بین ببرند. از این شاخه به آن شاخه نپرید. عوامل بالقوه را شناسایی کنید و راه هایی برای به حداقل رساندن آنها بیابید.

• مراقبت از خود را تمرین کنید: حفظ تعهد می تواند استرس زا باشد. خودمراقبتی را فراموش نکنید. اگر سلامت روانی و جسمی خود را حفظ نکنید، حفظ تعهد برایتان سخت تر خواهد شد.

در مورد اعمال آنها باشد. به یاد داشته باشید، تعهد شما به اهدافتان، نباید با رفتار دیگران به خطر بیفتد.

آنها را از طریق نتایج قانع کنید

بهترین راه برای مقابله با مخالفت ها این است که با اعمال خود ثابت کنید که اشتباه می کنید. بگذارید پیشرفت و نتایج شما خودشان آن ها را مجاب به قبول شما کنند. البته ممکن است اگر از آنها پیشی بگیرید به شما حسادت کنند و حتی از شما متنفر شوند، اما این داستان دیگری است و نباید انرژی خود را برای مقابله کردن با آنها هدر دهید.

گاندی می گوید: «اول شما را نادیده می گیرند، سپس به شما می خندند، سپس با شما می جنگند، در نهایت شما پیروز می شوید.» با گذشت زمان، افراد اطراف شما ارزش تعهد شما به اهدافتان را متوجه می شوند.

زمان بندی همه چیز است

تعهد ابزار قدرتمندی برای دستیابی به اهداف ما است، اما بدون زمان بندی بی معنی است. جمله «زمان بندی همه چیز است» در مورد تعهد کاملاً صادق است. زمان مناسب برای اجرا و تعهد به یک هدف به عوامل مختلفی بستگی دارد.

۱. آمادگی: آیا از نظر ذهنی، عاطفی و در صورت لزوم از نظر جسمی برای مقابله با چالش آماده هستید؟ تعهد مؤثر مستلزم سطح مشخصی از آمادگی است.

۲. منابع: آیا در حال حاضر منابع لازم (زمان، پول، انرژی، مهارت) برای متعهد شدن به هدف خود را دارید؟ اگر نه، بهتر است صبر کنید تا مجهزتر شوید.

۳. عوامل خارجی: آیا عوامل خارجی مشخصی (شرایط بازار، شرایط شخصی) وجود دارد که می تواند

خود، چرایی اهمیت آنها برای شما و نحوه برنامه ریزی برای دستیابی به آنها صحبت می کنید. این می تواند به دیگران کمک کند تا دیدگاه شما را درک و احتمالاً حمایت آنها را جلب کند.

به دنبال تأثیرات مثبت باشید

دریافت انرژی مثبت نقش مهمی در متعهد ماندن دارد. به دنبال مربیان یا افراد همفکری باشید که سفر توسعه فردی شما را درک کرده و می توانند تشویق و راهنمایی لازم را ارائه دهند.

تاب آوری خود را بیشتر کنید

مخالفت و ایجاد مشکل می تواند ناامیدکننده باشد، اما فرصتی برای بهبود انعطاف پذیری نیز فراهم می کند. روی هدف خود متمرکز بمانید، به توانایی های خود ایمان داشته باشید و اجازه ندهید که شکست ها پیشرفت شما را از مسیر خارج کنند. انعطاف پذیری یک عامل مهم در نشان دادن تعهد شما است.

مشخص کردن واضح مرزها

اگر مخالفت به خرابکاری تبدیل شود، تعیین مرزهای روشن بسیار مهم است. این ممکن است به معنای فاصله گرفتن از آن افراد یا گفت و گوی جدی

سخن آخر

تعهد یک سفر است، نه یک مقصد. این یک فرایند پویا است که نیازمند شفافیت اهداف، برنامه های مدون، اقدام مداوم و انعطاف پذیری برای غلبه بر چالش ها است. این سفر شامل فداکاری، درخواست حمایت و انعطاف پذیری و سازگاری است. به یاد داشته باشید، تعهد با کلمات ثابت نمی شود، بلکه با عمل ثابت می شود. بنابراین، اجازه دهید اعمال شما در مورد تعهد شما صحبت کند. این راه ممکن است طولانی و پراز چالش باشد، اما با متعهد بودن، حرکت به سمت دستیابی اهداف می تواند موفقیت آمیز باشد.



به جای تسلیم شدن در اولین چالش، راه هایی برای غلبه بر مانع پیدا کنید، از تجربه شکست های خود درس بگیرید و به حرکت رو به جلو ادامه دهید
- نشان دادن تعهد به معنای پایبند ماندن به یک برنامه ثابت نیست بلکه در مورد انعطاف پذیری و سازگاری در مواجهه با تغییرات است



با توجه به حساس بودن یوکا به شرایط آبیاری بهتر است پس از هر بار آبیاری زیرگلدانی تخلیه شود تا آب اضافی و رطوبت بیش از حد باعث پوسیدگی ریشه و از بین رفتن آن نشود

گیاه یوکا با برگ های کشیده و ایستاده سبزرنگش، تولید اکسیژن کرده و برای تصفیه هوا مناسب است



درباره درختچه یوکا، ویژگی ها و شرایط نگهداری

نماد آرامش و همدردی

نسرین تقی خانی
مهندس کشاورزی و مشاور نگهداری گیاهان آپارتمانی

حدی که ساقه یوکا کاملاً لخت می شود. در مناطق گرمسیری هر چند سال یک بار ساقه گل دهنده ظاهر شده و گل های زیاد به رنگ سفید تا کرم به شکل واژگون و زنگوله ای را به صاحبانش هدیه می دهد. به همین دلیل یوکا را، گل زنگوله ای هم صدا می کنند.

برگ های کشیده و ایستاده سبزرنگش، تولید اکسیژن کرده و برای تصفیه هوا مناسب است. برگ های یوکا شفاف و مومی هستند و در کنار ساقه چوبی اش زیبایی این درختچه را چند برابر می کنند. هر چه سن یوکا بیشتر، برگ ها خشن تر و ریزش برگ ها هم بیشتر است تا

یوکا از دسته بندی گیاهان دیررشد بوده که وطن اصلی آن جنوب غربی آمریکا است. امروزه یوکا را یک گیاه پرکاربرد در جهت زیباسازی و طراحی های داخلی مورد استفاده قرار می دهند. در برخی موارد از این گیاه به عنوان نماد آرامش و همدردی هم یاد می کنند. این گیاه با

با توجه به حساس بودن یوکا به شرایط آبیاری بهتر است پس از هر بار آبیاری زیرگلدانی تخلیه شود تا آب اضافی و رطوبت بیش از حد باعث پوسیدگی ریشه و از بین رفتن آن نشود. آبیاری بیش از حد باعث پژمرده شدن برگ ها و فاسد شدن تنه اصلی گیاه می شود، بنابراین توجه به این نکته در نگهداری یوکا اهمیت دارد.

خاک مناسب برای یوکا، خاک سبک و سنی و پرلیت است به طوری که زهکش به طور کامل صورت گیرد. می توان برای یوکا از خاک کمپوست هم استفاده کرد. خاک باید کمی سنگین باشد تا بتواند گیاه را نگه دارد و از کج شدن ساقه آن جلوگیری کند. کوددهی برای یوکا های مسن الزامی نیست اما برای یوکا های جوان در فصل رشد آن ها، بهار و تابستان، می توان از کود در فاصله زمانی دو هفته یک بار استفاده کرد.

باید این نکته را در نظر داشت، کوددهی برای کمک به رشد بهتر یوکا است، پس کوددهی بیش از حد برای گیاه مضر بوده و تجمع نمک در خاک و سوختگی گیاه را به همراه دارد. برای جلوگیری از سوختگی یوکا، کوددهی باید بعد از آبیاری انجام گیرد. گلدان مناسب برای یوکا از اندازه متوسط تا بزرگ باید انتخاب شود؛ توجه به زهکش گلدان یوکا هم از نکات مهم در نگهداری این گیاه است. یوکا نیاز به هرس چندانی ندارد و تنها زمانی که برگ های زیرین زرد می شود باید از ساقه جدا شده تا انرژی گیاه صرف رشد برگ های جوان شود. تکثیر یوکا به چند روش امکان پذیر است. تکثیر از طریق ریزوم، از طریق پاجوش یا پاکتیله، از طریق تنه جوش و از طریق قلمه زدن.

برای تکثیر یوکا از طریق ریزوم، می توان ریزوم های گیاه را از خاک بیرون آورده و در گلدان جدید قرار داد. پس از انتقال ریزوم به گلدان جدید، لازم است تا گلدان در برابر نور خورشید قرار گیرد و بعد از ریشه زنی ریزوم ها، یک یوکا جوان تولید خواهد شد. در زمان رشد یوکا، در گلدان، گیاه کوچک تر از گیاه اصلی که در کنار گیاه مادری رشد می کند را اصطلاحاً، پاکتیله می گویند. برای تکثیر یوکا می توان پاکتیله را از گیاه مادر جدا کرده و به گلدان جدید منتقل کرد. پاکتیله با گیاه مادری از ریشه مشترک است و به هنگام جداسازی باید دقت کافی لحاظ شود تا ریشه اصلی آسیب نبیند. تنه جوش، بخش هایی است که روی ساقه و تنه اصلی یوکا وجود دارد. می توان برای تکثیر یوکا از این تنه جوش ها هم استفاده کرد و در گلدان کاشت. برای تکثیر از طریق قلمه، می توان از گیاه بالغ یک قلمه تهیه کرد و آن را در آب قرار داده تا ریشه دهی صورت گیرد و سپس به گلدان جدید انتقال داد.

از مشکلات نگهداری یوکا می توان به آبیاری بیش از حد آن اشاره کرد. یوکا کم آبی را تحمل می کند اما آبیاری بیش از حد را تاب نمی آورد و به صورت پوسیدگی ریشه یا زرد شدن برگ ها خودش را نشان می دهد. در صورت وجود علائم آبیاری زیاد گیاه، بهتر است اجازه داد تا خاک کاملاً خشک شده و برنامه آبیاری اصلاحی جدید برای آن در نظر گرفت.

اگر یوکا در خارج از محدوده دمایی مناسب زندگی اش قرار گیرد، دچار شوک دمایی شده و روی برگ ها لکه هایی ظاهر می شود. از آنجایی که یوکا نسبت به شوک جابه جایی واکنش نشان می دهد، بهتر است در هنگام جابه جایی یا تعویض گلدان دقت فراوانی چاشنی کار شده چرا که این شوک جابه جایی می تواند به مرگ گیاه منجر شود. از آفاتی که به یوکا حمله می کند، می توان انواع شپشک ها را نام برد که به گیاه چسبیده و شیره گیاه را می مکند و به تدریج باعث مرگ گیاه می شوند. انواع ریشک بالک ها هم هستند که با چشم دیده نشده و قابل تشخیص نیستند اما بقایای آنها می تواند باعث خمیدگی و پژمردگی یوکا شود. در هر زمان که علائم وجود آفات مشاهده شد باید فوراً اقدام به حذف آنها کرد تا جمعیت آنها افزایش نیابد و بتوان این مورد را کنترل کرد.



در آپارتمان ها به دلیل برآورده نشدن نیازهای زیستگاهی این گیاه، تولید گل کمتر است. یوکا برای رشد نیاز به محل پر نور دارد، اما نور مستقیم خورشید برگ های این گیاه را سوزانده و گیاه را یا در می آورد. نور غیرمستقیم و فیلتر شده برای کمک به زیست یوکا مناسب است. نور کم هم باعث زرد و قهوه ای شدن برگ ها می شود و اگر این کمبود نور مداوم باشد، می تواند باعث نازک شدن برگ ها و ساقه یوکا شود. رطوبت زیاد خواسته یوکا نیست اما هوای خیلی خشک را هم نمی پسندد؛ چرا که خشکی زیاد هوای محل نگهداری یوکا می تواند باعث سوختگی



در مناطق گرمسیری هر چند سال یک بار ساقه گل دهنده ظاهر شده و گل های زیاد به رنگ سفید تا کرم به شکل واژگون و زنگوله ای را به صاحبانش هدیه می دهد





ضرورتی برای خروج از دایره امن

پایین رانگاه نکن، بپرس!

علیرضا طباطبایی
نویسنده



هر چه بیشتر به آن فکر کنید، خروج از دایره امن سخت تر می شود

تصور کنید روی یک صخره ایستاده اید و می خواهید به درون دریاچه پایین صخره بپرید. اگر سریع این کار را انجام دهید موفق می شوید اما اگر به شکل غریزی خم شوید، پایین را نگاه کنید و ارتفاع صخره را ببینید و عمق دریاچه را، شاید هرگز نتوانید شیرجه بزنید. شک و تردید تمام هیجان و انتظاری را که برای لحظه اوج خود ایجاد کرده بودید، می گیرد. ناگهان صخره بالاتر می رود و آب سردتر به نظر می رسد. پای شما روی زمین ناپایدار می شود و ضربان قلب شما بالاتر می رود.

از سر خوردن و افتادن می ترسید. خدایا، این الان یک کابوس است. شما فقط آنجا ایستاده اید، در زمان یخ زده و هر ثانیه شک و تردید در درون ذهن شما تشدید می کند. فکر می کنید شاید این ایده بدی بود، زیرا هیجان این تجربه به آرامی به ترس از نامیدی تبدیل می شود. می بینید! حرکت، نیروی قدرتمندی است و از اقدام قاطعانه زاده می شود. هر چه بیشتر در حالت بلاتکلیفی بمانیم، انگیزه خود را برای اقدام بیشتر از دست می دهیم. طرز کار ذهن ما خنده دار است. ما به خود می گوئیم به زمان بیشتری برای فکر کردن نیاز داریم، اما پس از آن، چیزی که زمانی یک انتخاب واضح به نظر می رسید به این مخزن تاریک عدم اطمینان تبدیل می شود. هر چه بیشتر در آن تاریکی بمانیم، کل ماجرا دلهره آورتر می شود. نیت خوب ما به طناب های بی انگیزه تبدیل می شود که ما را به پایین می کشد. هر فکری که به حال خود رها شود، در نهایت دچار پیچیدگی و زوال خواهد شد.

ما به ایده های خاصی وابسته می شویم مانند خواستن یک پاسخ کامل یا ترس از انتخاب اشتباه. این دل بستگی ها چیزی است که ما را دچار تردید می کند. ما آنقدر به

یک کاتالیزور قوی برای رشد است. مقابله با ترس هایتان با تغییر محیط می تواند به شجاعت و اعتماد به نفس تازه ای منجر شود. ۶. در آغوش گرفتن فرصت ها: محیط های مختلف فرصت های منحصر به فردی را ارائه می دهند. خواه پیشنهاد شغلی در یک شهر جدید باشد یا فرصتی برای دنبال کردن یک اشتیاقی، تغییر اغلب دست در دست هم با چشم اندازهای هیجان انگیز همراه است. ۷. تعریف مجدد موفقیت: گاهی اوقات تعریف موفقیت با تکامل ما تغییر می کند. یک محیط جدید می تواند به شما کمک کند آنچه را که واقعاً برای شما مهم است کشف کنید و اهداف خود را مطابق با آن تنظیم کنید. منظور من این است که وقتی راه های متعددی را امتحان کرده اید، اما موفقیت از شما دور می شود، از تغییر محیط خود نترسید. این یک گام جسورانه است که می تواند منجر به رشد شخصی، فرصت های جدید و موفقیتی شود که برای آن تلاش کرده اید. در اصل رشد در خارج از منطقه آسایش شما اتفاق می افتد، بنابراین ماجراجویی را در آغوش بگیرید و اجازه دهید تغییر ستاره راهنما شما در مسیر موفقیت باشد.

این ممکن است برای همه صدق نکند، اما آیا تا به حال احساس کرده اید هر چقدر هم تلاش می کنید تلاش شما به هیچ نتیجه ای منجر نمی شود؟ مثل اینکه شما کارهای زیادی انجام می دهید اما چیزی برای نشان دادن آن وجود ندارد. به نظر می رسد موفقیت فقط از شما فرار می کند. این واقعاً ناامید کننده است. بپایید در مورد افسردگی ناشی از آن صحبت نکنیم. این موضوع می تواند باعث شود در مورد توانایی های خود شک کنید. در چنین لحظاتی من یک رویکرد متحول کننده را در نظر می گیرم، یعنی تغییر محیط امن. از آنجایی که شما به محیط اطرافتان عادت دارید. این محیط طرز فکر شما، فرصت ها و دیدگاه کلی شما را نسبت به زندگی شکل می دهد. من فهرست کوتاهی در مورد اینکه چرا بیرون آمدن از منطقه آسایش و پذیرش تغییر بسیار مهم است تهیه کرده ام که قصد دارم آن را با شما به اشتراک بگذارم.

۱. دیدگاه های تازه: محیط های جدید، شما را در معرض دیدگاه ها، فرهنگ ها و ایده های مختلف قرار می دهند. این تنوع می تواند خلاقیت شما را برانگیزد، افق دید شما را گسترش دهد و به شما کمک کند اهداف خود را از زوایای تازه ببینید.

۲. رشد شخصی: ترک منطقه آسایش، شما را وادار می کند سازگارتر باشید. شما یاد خواهید گرفت در قلمرو ناآشنا حرکت کرده، بر چالش ها غلبه کنید و انعطاف پذیرتر شوید. این تجربیات شما را به فردی قوی تر و توانمندتر تبدیل می کند.

۳. شبکه های گسترده: تغییر در محیط، اغلب به معنای ملاقات با افراد جدید و ایجاد ارتباطات ارزشمند است. شبکه شما می تواند درهایی را روی فرصت هایی باز کند که هرگز نمی دانستید وجود دارند.

۴. از بین بردن رکود: در یک مکان ماندن و انجام کارهای مشابه، می تواند منجر به رکود شود. تغییر، نشاط را به زندگی تزریق می کند و به شما انگیزه می دهد دست به کار شوید و اهداف خود را با قدرتی تازه دنبال کنید.

۵. غلبه بر ترس: ترس از ناشناخته ها می تواند فلج کننده باشد، اما همچنین



گاهی اوقات

تعریف موفقیت

باتکامل ماتغییر

می کند. یک

محیط جدید

می تواند به شما

کمک کند آنچه را

که واقعاً برای شما

مهم است

کشف کنید

انتظارات چنگ زده ایم که فراموش می کنیم چگونه از یک حلقه نامحدود خارج شویم. گاهی اوقات وقتی در مورد پیامدهای یک انتخاب فکر می کنیم، متوجه می شویم کدام انتخاب برای ما منطقی تر است، اما وقتی نتوانیم شفافیت را به دست آوریم، این یک بن بست است. ما خطر فرصت های از دست رفته یا یک زندگی زندگی نشده را ایجاد می کنیم.

واقعیت این است که پشیمانی بیشتر از شکست صدمه می زند.

وقتی تصمیم می گیریم از چیزی که زمانی می خواستیم دور شویم، در نهایت کیفی پراز گناه به دوش می کشیم.

بنابراین دفعه بعد که در لبه صخره ایستاده اید، نفس عمیقی بکشید و به خودتان بگویید خوب می شود. به خود یادآوری کنید که هر چه زمان بیشتری برای تصمیم گیری خود صرف کنید، کمتر تمایل به انجام آن دارید و به درون دریاچه بپرید!

این بدان معنا نیست که ما باید بی پروا در امور عجله کنیم، اما باید بدانیم نقطه شیرینی بین تفکر و عمل وجود دارد. آنجایی که برای مدت طولانی به تصمیمی فکر می کنیم، دیگر فکر نمی کنیم، این ترس است که دارد در سرما جولان می دهد.

دنیا پراز عدم قطعیت و اولین هاست. هر تصمیم بزرگ مانند پریدن از یک صخره است. ابتدا هیجان می آید، سپس وحشت فرامی رسد و بعد از آن اگر تصمیم مان را عملی نکنیم دیگر فقط وحشت خالص است که با ما می ماند.

بباید کنترل خود را بر نتیجه کم کنیم و نیاز به عالی بودن همه چیز را کنار بگذاریم. ما با هر چیزی که پیش بیاید برخورد خواهیم کرد. نگرانی و اندیشیدن در مورد چیزی که اتفاق نیفتاده است، دنیایی از امکانات را از ما می گیرد.

این ترس و نگرانی جنایتکار است.

پس برای تجربه دنیای نامحدود و ماجراهای بی انتهای که چشم انتظار ماست باید از منطقه آرامش خود خارج شویم و تغییر محیط را هر چه زودتر شروع کنیم.



حرکت، نیروی

قدرتمندی است

واز اقدام قاطعانه

زاده می شود.

هر چه بیشتر در

حالت بلاتکلیفی

بمانیم، انگیزه

خود را برای اقدام

بیشتر از دست

می دهیم

گزارشی از دلایل مردم برای شرکت کردن یا نکردن در انتخابات

چرا آمدند، چرا نیامدند؟

سمیه ملاتبار
نویسنده

ادراک داریم و از همه مهم تر قدرت انتخاب داریم. بخشی از ما با تنها ابزار مسالمت آمیز در دسترس فقط می خواهیم اعتراضمان را فریاد کنیم. یعنی حداقلی ترین کاری که با صندوق روزنه ای نمی بینند یا فکر می کنند روزنه ها همیشه شکاف صندوق رأی نیست. به نظر من برای معنادار کردن انتخابات دست کم دو شرط لازم است: یکی اینکه بشود گروهی را تصور کرد که در مجلس چنان قدرت داشته باشند که مانع تصویب بعضی طرح ها مثل طرح صیانت شوند و دوم اینکه خرد کف جامعه به این نتیجه رسیده باشد که باید این مجلس را تغییر داد و در تغییرش گره ای باز می شود و واقعیت اینکه «تورا این هر دو نیست» دست بالا بگیرم این است که نماینده ای در شهرستانی با حمایت قبیله ای برنده شود و گهگاهی سخنانی بگوید که در شبکه های اجتماعی دست به دست شود و بگویند چه شجاعتی، بدون اینکه قانونی تغییر کند یا مسیری عوض شود. دلیل رأی ندادن من بسیار است، «فکر بهبودی خود ای دل ز دری دیگر کن.» امیدی نیست. اطفیانم هم رأی ندادند.

برای اینکه محصول خوبی ارائه داده است که امتیازش را دیگر لازم نبود به شرکت های بزرگ بفروشد و اپلای کند.

بیماران دیابتی تا مدت ها قبل باید هزینه مالی و زمان بسیاری صرف می کردند تا کلینیک مرکز استان می رفتند اما الان مادر شهر خودمان مرکز مخصوص برای دیابت داریم که بسیاری از خدماتش هم رایگان است. من دارم تغییر رویه ها را با تغییر آدم ها حس می کنم، معلوم است که رأی دادم.

شما بعد از این تغییرات بیایید امید به آینده، احساس نسبت به ادامه زندگی در داخل کشور، نگاهشان به دین و قانون و انقلاب و احساس محترم بودن آدم ها را در همین منطقه ما مقایسه کنید. کشیدن بار اتهام ناروا خصوصاً وقتی موجب خطر باشد حتماً دشوار است اما نافی مسئولیت پذیری ما نیست. هواخواهی ستم دیدگان به کنار، در شرایط فعلی باید هوشیارتر و مسئولیت شناس تر قدم برداشت. به نظر من دیگر مسأله جناح ها مطرح نیست، وقت آن است که جامعه به داد خودش برسد. راستش خط قرمز من فروپاشی جامعه است. گسیخته شدن همین ریسمان هایی که برخی پوسیده، برخی آسیب دیده و برخی همچنان محکم مانده، ما را، اهالی این جامعه را به هم پیوند داده اند.

این نشانه زنده بودن جامعه است که ما موجود زنده هستیم، حس داریم، شعور و

گذاشتند که نود درصد هزینه را دولت پوشش دهد، همین باعث شد الان برادرزاده ام یک «حلم» یک ساله دارد.

در محل زندگی ما خانواده ای صاحب چهارقلو شده بودند، شرایط اقتصادی خیلی سختی هم داشتند، همه اهالی غصه شان را می خوردند ولی با کمک دولت وام خوبی و یک زمین رایگان هم به آنها دادند، پدر چهارقلوها نیز در طرح جوانی جمعیت صاحب ماشین شد.

نانوای محل ما مدتی بود نمی توانست یک مجوز بگیرد و باید از کسانی که قبلاً مجوز داشتند به مبلغ ۲۵۰ میلیون می خرید اما او هم امسال سه روزه مجوزش را به خاطر قانون جدید گرفته و سرمایه اش را هم خرج نانوائی و زندگی اش کرده است.

زن های سرپرست خانوار هم در اطرافمان داریم، یکی شان تلاش هایی برای گرفتن وام حمایت از کسب و کار داشت اما آخرش موفق نمی شد. بعد از اینکه تسهیل مجوزهای کسب و کار به فوریت رسید، یک هفته ای موفق شد مجوز کارگاه تولید پوشاکش را بگیرد، بایک وام ۳۰۰ میلیون تومانی. الان هم برای خودش در شهر دو، سه فروشنده دارد و خیلی پیشرفت کرده است.

شرکت های دانش بنیانی سراغ داریم که زندگی خیلی از جوانان منطقه را تغییر داده اند. ایده هایی که به نام خود بچه ها ثبت شده کم نیستند؛ ایده هایی که برای تولید انبوهش وام خوبی هم به بچه ها دادند و حتی دانشجویی در همسایگی ما مکان شرکتش را هم به رایگان هدیه گرفته،

این روزها و خیلی روزهای پیش از این، پر از سؤال هستم. شاید شما هم این گونه باشید. من که به یک هم سؤال نیازمندم که با هم درباره پرسش های مان حرف بزنیم و از متهم شدن یا طرد شدن هم نترسیم. یکی که هیچ کدام نخواهیم به اصرار، دیگری را به قبول و پذیرش رأی و نظر خودمان وا بداریم. مقابل هم بنشینیم و سؤال هایمان را طرح کنیم، بعد با هم دنبال پاسخ بگردیم. تکه های شکسته حقیقت را از گوشه و کنار پیدا کنیم و به هم بچسبانیم. آخرش هم یک جای بخوریم و بگوییم تا سؤال بعدی، خدا نگهدار. حالا شما چرا رأی دادید؟ یا چرا رأی ندادید؟

من قبول نمی کنم که بعضی های می گویند: همه آنها مثل هم هستند و هر کسی هم بیاید، وضع همین است. خود من یک پسر سرباز دارم، هر جا که به خواستگاری می رفتم می گفتند «چون سرباز است، نه و اصلاً سرباز چه کسب و کار و حقوقی دارد؟» دقیقاً کمی بعد با تصویب مجلس، حقوق سرباز بیشتر شد و پسرم در همان دوران سربازی هم عقد کرد. برادرزاده ام بچه دار نمی شد، هر بار هزینه آی وی افش نزدیک به سی میلیون می شد و در سال جدید هم به صد تومان می رسید، دیگر برای تکرار عمل پشیمان شده بودند که از عهده هزینه اش بر نمی آیند اما قانون جدیدی را



به نظر من روزی پیروز
انتخابات هستیم که
باور داشته باشیم
این مملکت هشتاد
میلیون نفر جمعیت
دارد و یاد بگیریم با
تمام اختلافات نظری
که داریم کنار هم
زندگی کنیم





خواهی
ستمیدگان به کنار،
در شرایط فعلی
باید هوشیارتر و
مسئولیت‌شناس‌تر
قدم برداشت

فرزندانشان پای صندوق رأی رفتند تا انتخابات بهتری داشته باشند و امیدوارند که این انتخاباتشان همان انتخاب بهتر باشد.

همین که ما کنار هم زندگی می‌کنیم، در شلوغی مترو به هم تنه می‌زنیم، از گرانی و بیکاری، زبان مشترکی با هم در تاکسی پیدا می‌کنیم، با هم می‌خندیم و با هم گریه می‌کنیم. ما شاید راه درست را شناسیم، اصلاً چگونه می‌شود و چگونه باید مردمی که هر روز می‌بینیمشان را مجاب کنیم به نظر خودمان که متزلزل است؟ من تا به حال همیشه در انتخابات شرکت کرده‌ام اما خب بابت رأی

دادنم، سوتی هم نزنم. چون رأی سوت زدن نداشت، چون با روح آرمانخواه من دنیا دنیا فاصله داشت. همیشه تمام اندوه من از دوره تبلیغات انتخاباتی به ایجاد انتظارات خارق‌العاده بازمی‌گشت. به نظر من روزی پیروز انتخابات هستیم که باور داشته باشیم این مملکت هشتاد میلیون نفر جمعیت دارد و پروردگار متعال، یکتایی را به انسان هدیه داده است. ما باید یاد بگیریم با تمام اختلافات نظری که داریم کنار هم زندگی کنیم. بازی سیاست مثل دربی پرسپولیس و استقلال است، جای جنگ همان وسط میدان است، بیرون از آن همه با هم رفیق هستیم. به هر فردی که رأی دادیم و خواهیم داد به بالا سرمان نگاه نکنیم، به کنارمان نگاه کنیم، به تمامی آدم‌هایی که از کنارمان می‌گذرند.

پدرشان را دوست دارند ولی قرار نیست هیچ کسی بت باشد برای کسی، حتی پدری برای فرزندش. صندوق رأی در زندان‌ها هم می‌رود، همه می‌توانند رأی دهند، اینکه حق مشارکت در انتخابات دارند، به معنای توجیه اقدام مجرمانه یا مجوزی برای بی‌قانونی نیست. حقوق قانونی هر فردی محفوظ است. واقعاً چرا عده‌ای از مشارکت مردم در انتخابات واهمه دارند و همه تلاش‌شان را برای کاهش مشارکت می‌کنند؟ شرکت یا عدم شرکت هر کسی در انتخابات، حق هر شهروند است.

من حتی چند شب پیش خواستم تست کنم که پیش بینی هوش مصنوعی در مورد رأی من در انتخابات به چه کسی است. به نظر من هر شهروند در یک جامعه دموکراتیک باید با خود بگوید چون من در جامعه زندگی می‌کنم و زندگی در یک جامعه دموکراتیک، یعنی باید رأی بدهم، پس رأی من در سرنوشت کشورم دخالت دارد، فقط باید این رأی با قدرت تفکر و علم بیشتری انتخاب شود. نکته جالبی که هست و خیلی‌ها به آن توجه نمی‌کنند این است که خیلی‌ها در انتخابات بر اساس ملاک‌های اسلام رأی نمی‌دهند اما بعداً خرابکاری اگر پیش بیاید، به گردن اسلام و جمهوری اسلامی می‌اندازند. من به خنده‌های پسران و تمام کودکان این سرزمین فکر می‌کنم. این انتخابات هم می‌گذرد، خیلی‌ها شاید مثل من به خاطر

خشک و خالی قانون کشور و انتخابات نباشد که اساس اجتماع فرو می‌پاشد و خب من این را نمی‌خواهم.

چون باز هم یاد گرفتیم که قانون بد، بهتر از بی‌قانونی است و من این درس را به عنوان اصلی غیرقابل تردید قبول دارم. برای اغلب آدم‌ها تغییر ترسناک است. ما معمولاً طرفدار حفظ وضع موجود هستیم و حاضریم تاوانی به سنگینی عمر را بپذیریم اما به سمت شرایط تازه قدم نمی‌زنیم. ما خیلی حس‌ها را در همین سی سالگی هم تجربه کرده‌ایم، از اوج امیدمان وقتی صندوق رأی را فتح کردیم تا اوج یأس وقتی در وسط جوانی به پشت سر و روبه‌رو نگاه کردیم که هر دو سمتش صحنه‌های گریه‌دار داشت، ولی تغییر رخ داده است. هنوز پرخاپیم اما باکی نیست، یاد می‌گیریم کنار هم. همچنان که یاد گرفتیم بیرون از مرزهایی که اسم‌مان را ایرانی کرده، رفیقی نداریم. پدر و مادر هر خانواده‌ای ممکن است اشتباهی مرتکب شوند، بچه‌ها باید به جای حرف زدن در مورد اعتراضشان، کار ناپسندی کنند؟ گفت و گو برای انسان‌ها ساخته شده است. من پای صندوق خواسته و انتخاب می‌ایستم.

قدرت نظام را دست‌کم نگیرید. من مخالف و معترض هر چیزی که باشم، مدافع صد درصد نظام و رهبری هستم. من هم عین فرزندی هستم که به پدرش انتقاد دارد. بچه‌ها

دلیلش واضح است، تغییری حس نمی‌کنند و دم انتخابات مختلف با چهار، پنج شعار و ایجاد شرایط هیجانی، مردم را پای صندوق می‌کشاند. می‌دانم یک سری هم تمایلشان به رأی ندادن، مخالفت با نظام نیست ولی چه می‌شود کرد وقتی تنها امکان موجود است که نشان دهند بشدت از این نوع کار کردن و رفتارهای ارباب‌رعیتی مسئولان نسبت به مردم شاکا و معترض هستند. بعضی هم می‌گویند رأی سفید داده‌اند یا نهایت دو یا سه نفر را که قطعاً می‌شناختند که درست کار می‌کنند را انتخاب کردند، اما تعداد سی تا پانزده نفرند. من به احدی نگفتم رأی نده، زیست هر کس به خودش مرتبط است.



قانونگذار حکیم است و مادر دانشکده‌های حقوق آموختیم که اگر مطلبی را در قانون متوجه نشدیم اصل را بر حکمت قانونگذار بگذاریم. یعنی آنهایی که قانون را می‌نویسند به حدی از خردمندی بهره‌مند هستند که نباید تردیدی ایجاد شود یا نسبت ناروای بی‌خردی دهیم و گرنه سنگ روی سنگ بند نمی‌شود و اگر سنگ روی سنگ بند نشود که نمی‌شود خشکه چید و اگر همین دیوار

رأی دادن نشانه زنده
بودن جامعه است
که ما موجود زنده
هستیم، حس داریم،
شعور و ادراک داریم و
از همه مهم‌تر قدرت
انتخاب داریم



تاریخ



نزد محقق داماد فراگرفت. او که کلاس «حاج آقا روح الله» مطابق ذائقه اش بود از جهات اخلاقی و عرفانی نیز به تلمذ از استاد پرداخت و فلسفه و حکمت را نیز نزد علامه طباطبایی فراگرفت.

او در این موقف نماند؛ به سراغ علوم جدید رفت و درس شیمی و فیزیولوژی جانوری را نزد استاد روزبه و درس فیزیک را نزد استاد شهرتاش و قسمتی از ریاضی را نزد استاد خوشنویسان فراگرفت و به تدریس در حوزه‌های علمیه تهران روی آورد.

پادر راه مبارزه

منابر سیاسی او که رنگی از نهضت استادش، امام خمینی داشت از سال ۱۳۴۰ شهره شد و جلسات هفتگی و مساجد تهران میزبانش شدند. ۱۵ خرداد ۱۳۴۲، دستگیر و زندانی شد. به اتفاق برخی علمای حاضر در تهران همچون حضرات آیات مهدوی کنی، شهید بهشتی، شهید مطهری، شهید مفتاح و... جلسات مبارزاتی را آغاز کردند که گاه موجب واکنش ساواک می شد. ۲۷ آذر ۱۳۴۸، تشکیلات را توسعه دادند و راجع به اعزام طلاب علوم دینی به شهرستان‌ها و روستاها برای سازمان دادن به فعالیت‌های سیاسی مردم تصمیماتی اتخاذ کردند. این تشکل، به مباحث روز نیز ورود داشت؛ چنانکه طبق کسب اطلاعاتی که ساواک در اسناد خود منعکس ساخته، ۲۷ بهمن ۱۳۴۸ آیت الله محمد امامی کاشانی و جمعی دیگر در منزل آیت الله محمد علی

نخستین چالش‌های حوزوی

«محمد آقا امامی» دهم مهر ۱۳۱۰ در کاشان به دنیا آمد. ۱۷ سال داشت که آیت الله خالصی زاده، از فعالان قیام ضد انگلیسی عراق (ثوره العشرین) که به یزد تبعید شد، در کاشان نیز حضور یافت و او هم به حلقه جلسات این مبارز پیوست. عالم مبارزی که در مبانی اندیشه‌ای راهی پرحاشیه برگزیده بود و چالش او با علما سختی تبعید را برایش افزوده بود. شاید همین مواجهه بود که او را به توجه بیشتر به عمق افکار فراخواند.

یک سال بعد به سفارش آیت الله میرسید محمد یثربی به مدرسه عالی سپهسالار تهران رفت، ولی بیشتر از دو ماه در آنجا نماند و به علت ناراحتی از اوضاع تهران و به اصرار پدرش به کاشان بازگشت. شاید خودش هم گمان نمی کرد آن حضور دو ماهه، او را نمک گیر کند و سال‌ها تولید مدرسه عالی و همراهی با حجره‌های پرشور از جوانان انقلابی را برایش به ارمغان آورد.

این بار با نامه‌ای که پدرش میرزا ابوتراب، عالم خوشنام کاشان برای آیت الله العظمی بروجردی نوشته بود به قم رفت و با خواندن اشعار الفیه این مالک از حفظ، جواز ماندن گرفت و با آیت الله محمد رضا مهدوی کنی هم حجره شد.

از محضر استادان گوناگونی همچون شیخ عباس قمی، آیت الله مرعشی نجفی و... بهره برد و در ۲۳ سالگی، آموختن درس خارج فقه را نزد امام خمینی آغاز کرد و بخشی از اصول را

در سوگ ارتحال آیت الله محمد امامی کاشانی

همیشه حاضر در مصاف اندیشه

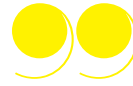
محمد مهدی اسلامی
نویسنده و پژوهشگر

«حادثه کربلا، مرکز فکر و اندیشه برای ما است.» این اولین جمله نماز جمعه آیت الله امامی کاشانی در هشتم آبان ۱۳۶۰ بود، روزی که برای اولین بار به عنوان امام جمعه موقت به دانشگاه تهران آمده بود. از آخرین بار که امام جمعه دائم تهران به پشت این تریبون آمده بود، چهار ماه گذشته بود و با توجه به ضرورت ایراد ایستاده خطبه، هنوز شرایط جسمی ایشان بعد از ترور نافرجام اجازه بازگشت به این جایگاه را نمی داد. در تمام این مدت، حجت الاسلام هاشمی رفسنجانی نماز را اقامه کرده بود، اما او نیز به عنوان رئیس مجلس مشغله‌های فراوان داشت. آن روز، به دستور امام خمینی آیت الله امامی کاشانی اسلحه در دست گرفت تا همزمان با طرح فهد، ولیعهد وقت عربستان برای صلح با اسرائیل و تغییر در میانه این طوفان شور و احساسات برخاسته در فضای عمومی که از داخل مرزها با اعلام جنگ مسلحانه سازمان منافقین گرفته تا سرزمین اشغالی دنیا را فرا گرفته بود، آیت الله در اولین جمعه محرم به جای تمرکز بر عواطف، به سراغ تحلیل اندیشه‌ای عاشورا رفته بود و چهار دسته را در آن واقعه بررسی کرد. این مشی او، سابقه در سال‌های دورتر داشت.



عالم مبارزی که در مبانی اندیشه‌ای راهی پرحاشیه برگزیده بود و چالش او با علما سختی تبعید را برایش افزوده بود. شاید همین مواجهه بود که او را به توجه بیشتر به عمق افکار فراخواند

رژیم شاه سعی به جذب او کرد و تلویزیون ملی ایران به او و پنج نفر از وعاظ فعال و همسو با او از جمله شهید مطهری و شهید هاشمی نژاد پیشنهاد کرد که هر کدام به مدت پنج شب سخنرانی کنند. اما طبق سند ساواک آیت الله امامی کاشانی به محمود مرتضایی فر (همو که بعدها وزیر شعار نام گرفت) می گوید «قصد آنان ایجاد تفرقه بین جامعه روحانیت است



در کنار رهبر معظم انقلاب و آیات عظام عباس واعظ طبسی، محمدرضا مهدوی کنی، علی فلسفی، ابوالحسن شیرازی در حال صحبت با محمدنبی حبیبی



ایستاده از راست: محمد صالحی، حسین مهرپور، علی آراد، خسرو بیژنی، سیدجلال الدین مدنی، حسن فاخری، نشتسته از راست: آیات عظام: محمدی گیلانی، مومن، صافی گلپایگانی، خزعلی، جنتی و امامی کاشانی



موحدی کرمانی به نقد برخی فیلم‌ها پرداختند.

سخنرانی‌های تحقیقی او که با اشراف به ادبیات اندیشه‌ورزان غرب و شرق ایراد می‌شد، جوانان را به سوی او جذب می‌کرد. از این رو در سال ۱۳۵۱، هنگامی که آیت الله فلسفی ممنوع المنبر شده بود، رژیم شاه سعی به جذب او کرد و تلویزیون ملی ایران به او و پنج نفر از وعاظ فعال و همسو با او از جمله شهید مطهری و شهید هاشمی نژاد پیشنهاد کرد که هر کدام به مدت پنج شب سخنرانی کنند. اما طبق سند ساواک آیت الله امامی کاشانی به محمود مرتضایی فر (همو که بعدها وزیر شعار نام گرفت) می گوید «قصد آنان ایجاد تفرقه بین جامعه روحانیت است به خصوص که فلسفی واعظ در شرایط دیگری است.» حتی امامت مسجد سید عزیزالله را هم به همین دلیل نپذیرفت.

منابر او در مسجد چهارراه کواکولای تهران، از همان ایام شهرت یافت. گاهی ظهرها هم در مسجد جلیلی تهران که پیش نماز آن آیت الله مهدوی کنی و یکی از کانون‌های حضور جوانان مبارز بود، سخنرانی می‌کرد. همین امر سبب شد که در هنگامه پس از کشتار ۱۷ شهریور، مسجد او پناهگاهی برای در امان ماندن پیکر شهید باشد.

جامعه روحانیت مبارز

از سال ۱۳۴۹ که آیت الله محمد بهشتی از هامبورگ به ایران آمد، آیت الله امامی کاشانی، همراه ایشان و آیت الله مهدوی کنی و آیت الله عبدالکریم موسوی اردبیلی، یک هسته مبارزه در تهران تشکیل دادند. فعالیت آنها تحت عنوان «جامعه روحانیت تهران» از سال ۱۳۵۳ رنگ بیشتری گرفت و در اوایل سال ۱۳۵۶، تشکیلات جدید و با هدف رهبری نهضت در تهران و شهرستان‌ها تحت عنوان «جامعه روحانیت مبارز تهران» با توسعه جمع قبلی سامان یافت. در اولین جلسه شماری از مشاهیر روحانیت مبارز مانند حضرات آیات شهید دکتر بهشتی، شهید استاد مطهری، موسوی اردبیلی، انواری (که به تازگی از زندان ۱۲ ساله خلاص شده

تثبیت جناح انقلاب و ناگزیری بنی صدر از پذیرش رجایی شد. بار دیگر او هنگامی که شاهد مواضع نامناسب امثال بازرگان، صباغیان و یزدی در مجلس بود، آنها را به همراه برخی نمایندگان انقلابی به منزل خویش دعوت کرد تا با گفت‌وگو، راه تفاهم باز شود. هرچند پس از یک بحث طولانی، اختلاف مبانی آنها با امام بیش از پیش برای آنها روشن شد و گزارشی به همفکران خود تحویل دادند.

با این حال که اصلاح روابط در دستور کارش بود، او هرگز از مواضع اصولی عقب نمی‌نشست. به عنوان نمونه در هنگام بیان چرایی مخالفتش با شورای شدن رهبری، خاطره جالبی را بیان می‌کند. «یکی از نقاط ضعف شورای عالی قضایی مربوط به عزل بنی صدر می‌شد. در قانون اساسی داشتیم که رئیس جمهور را شورای عالی قضایی و مجلس شورای اسلامی می‌تواند برکنار کند. من در این باره با آقای موسوی اردبیلی صحبت کردم. ایشان به من گفت که به شورای عالی قضایی امیدی نداشته باشید. شما بروید از طریق مجلس اقدام کنید. اختلاف نظر در شورای عالی قضایی زیاد است. من هم بعد رفته در مجلس صحبت کردم.»

یا در هنگام برگزاری انتخابات مجلس دوم در فروردین ۱۳۶۳، وقتی هفت نفر از وزرا در بیانیه رسمی و منتشر شده در دوروزنامه اصلی آن وقت، از یک فهرست انتخاباتی حمایت کردند، صدای اعتراض او به رسانه‌ها رسید که آن را نوعی دخالت قوه مجریه در فرایند انتخابات و جانبداری آنان از گروهی خاص قلمداد کرد.

این روحیه، منحصر به آن ایام نبود. او در عین تلاش برای کاهش تنش‌ها، در هنگام ضرورت مواضع تند می‌گرفت. از جمله ۲۷ آذر ۱۳۸۸، جمعه‌ای که اول محرم نیز بود درباره شعارهای انحرافی جریان فتنه در

اسلامی ورود پیدامی کرد، از آن جمله مباحث وی درباره انتصابی یا انکشافی بودن ولی فقیه بود. وی در مجلس اول شورای اسلامی به عنوان نماینده مردم کاشان انتخاب شد و سپس به ریاست دیوان عدالت اداری منصوب شد. مدتی بعد، به عضویت شورای نگهبان درآمد و تا سال ۱۳۷۸ در آن سمت بود.

او از نوزدهم آذر سال ۱۳۶۱، اولین مجلس خبرگان رهبری تا مجلس پنجم که این روزها، واپسین ایام خدمتش را سپری می‌کند، نمایندگی مردم استان تهران را بر عهده داشت. آیت الله امامی کاشانی برای انتخابات اخیر نیز قصد مشارکت داشت که به دلیل تشدید کسالت، منصرف شد. امری که برخی اصلاح طلبان سعی به سوءاستفاده از آن داشتند تا چنان القا کنند که بیماری واقعی نیست و او در اعتراض ثبت نام نکرده است! یکی از ویژگی‌های شخصیت وی، وجاهت او بود که موجب رفع تنش‌ها می‌شد. توجه او به پرهیز از تندی در کلام و بدگویی حتی از مخالفانش موجب افزایش اثر کلام او شده بود.

مثلاً در هنگامه اختلاف مجلس اول با بنی صدر در انتخاب نخست وزیر، از جمله نمایندگانی بود که بنی صدر پذیرفت به نمایندگی از مجلس عضو هیأت تفاهم باشد. حضور او موجب

بود، موحدی کرمانی، شهید شاه آبادی، شهید محلاتی، ناطق نوری... حاضر شدند و صدور بیانیه‌ها افزایش یافت. هنگامی که روزنامه اطلاعات در ۱۷ دی ۱۳۵۶ به روحانیت و امام خمینی توهین کرد؛ آیت الله امامی کاشانی در کنار این جمع جرعه اقداماتی را زدند که با پیروزی انقلاب اسلامی، به خوبی نتیجه گرفت.

اما در میانه این مبارزات، او از مصاف اندیشه غافل نماند. مرحوم دوانی از جلسه‌ای یاد می‌کند که در سال ۱۳۵۷ در منزل آیت الله امامی کاشانی با حضور برخی از علما همچون حجج اسلام فلسفی، مطهری، بهشتی، مهدوی کنی، انواری و مفتاح، برای ارزیابی نظرات حبیب الله آشوری - که کتاب توحیدش بخشی از اندیشه گروه فرقان را شکل داد- برگزار شد. آیت الله امامی کاشانی در این جلسه، انحرافات تفسیری آشوری درباره آیات مرتبط با معاد و قیامت را شرح داد.

وجه اما انقلابی

درست یک هفته پس از پیروزی انقلاب اسلامی، ۲۹ بهمن ۱۳۵۷ از سوی امام خمینی به تولیت مدرسه عالی شهید مطهری منصوب شد. او در مجلس خبرگان قانون اساسی حاضر بود و به بررسی اصول پیشنهادی برای قانون اساسی با مبانی اندیشه



خطبه‌هایش هشدار داد، هشدار می‌شد که اگر شنیده می‌شد کار به توهین روزعاشورا بخشی از جریان سبز نمی‌کشید.

مهمترین دغدغه

آیت الله امامی کاشانی بعد از انقلاب اسلامی مسئولیت‌های متعددی را نیز بر دوش کشید. از نماینده ولی فقیه در شهر بانی تا عضویت مجمع تشخیص مصلحت نظام؛ با این حال، شاید بتوان گفت اصلی‌ترین دستاورد او برای انقلاب اسلامی به کادرسازی بوده است. اقداماتی همچون نقش او در تأسیس انجمن اسلامی دانش آموزان، مسئولیت در سازمان تبلیغات اسلامی و یا حضور بیش از ۳۰۰ نوبت در تربیون نماز جمعه و بیان نکات اندیشه‌ای و رفع شبهات در خطبه‌هایش، او را نسبت به وظیفه تربیت اقتضاع نکرد. ۴۵ سال، از حکم امام در میانه غبار فرونشسته انقلاب تا آخرین توانش در ایام اخیر، خود بر فراز مجموعه آموزشی شهید مطهری حاضر ماند و فارغ التحصیلانی را تحویل جامعه داد، که بسیاری از آنها در سنگرهای مختلف با تداوم طنین تذکرات او در گوششان، به ایفای مسئولیت می‌پردازند.



آیت الله امامی کاشانی برای انتخابات اخیر نیز قصد مشارکت داشت که به دلیل تشدید کسالت، منصرف شد. امری که برخی اصلاح طلبان سعی به سوءاستفاده از آن داشتند تا چنان القا کنند که بیماری واقعی نیست و او در اعتراض ثبت نام نکرده است!





همت: اگر آن روز با چند تیر مغزم را متلاشی می کردند برایم گواراتراز این بود که با چشمان خود ببینم که چگونه این از خدا بی خبران فرمان می دهند تا حرمت مقدس ترین فریضه دینی مان را بشکنیم و تکلیف الهی را زیر پا بگذاریم



به بهانه سالروز شهادت ابراهیم همت سیدالشهدای خیر

نقیسه زارعی
نویسنده و پژوهشگر

محال است جایی مثل مشهد و کر بلا بروی و ناگهان لهجه اصفهانی ها را زیر گوش ات نشنوی، اصفهان چهارسوی فرهنگ و هنر است. با این حال آنقدر دلاور در این شهر رشد کرده که اصفهان تبدیل به شهر شهادت شده و کمتر کسی است که اصفهان را به ابراهیم همت نشناسد، مردی که در فروردین ۱۳۳۴ در شهرضا به دنیا آمد و در همانجا رشد کرد.

اواز ماست

محمد ابراهیم مثل همه نبود او خودش بود، مادرش در «کتاب ماه» همراه بچه هاست و خاطره ای از او نقل می کند: ابراهیم را سه ماهه آبستن بودم. حالم خوب بود. به کر بلا که رسیدم حالم بد شد. شب شد، گفتند: ببریمش دکتر. گفتم: الان می روم پیش دکتر واقعی. رفتم حرم، نمی توانستم روی پاها بایستم. همان جا پای ضریح نشستیم.

سر گذاشتم روی شبکه های ضریح گفتم: یا امام حسین (ع) من از خودم نمی ترسم که بروم. به حرف هیچ کس هم گوش نمی دهم. فقط می ترسم من قاتل این بچه شوم. نگذار چنین بلایی سرم بیاید. گریه می کردم، زیارت می کردم، حرف می زدم. برگشتم خانه و شام را خوردم و خوابیدم. خواب دیدم نشستام پای ضریح دارم به این خانم های قد بلندی نگاه می کنم که روبنده عربی دارند. به خودم می گفتم چه با حیا هستند این ها که یکی از آنها آمد پیش من گفت خانم! گفتم: بله دست کرداز زیر چادرش یک بچه قشنگ درآورد داد به من. چادرم را هی می کشید روی صورتش می گفت: بچه ات که از دست رفت ولی برای اینکه دست خالی برنگردی این را بگیر با خودت ببر. به کسی هم نشانش نده. فقط یادت باشه اسمش را بگذار محمد ابراهیم. او از ماست و پیش ما هم برمی گردد یک هم چنین چیزی گفت، صبح که بیدار شدم رفتم خوابم را برای مادرشوهرم تعریف کردم. گفتم: باز یک پسر گیت می آید. ذوق کردم. گفتم: امانی خواهد به هر کسی بگویی. نگفتم. وقتی به دنیا آمد اسمش را گذاشتیم محمد ابراهیم.

مرید یار

ابراهیم همت در دوران نوجوانی و جوانی عجیب پرشور بود. او در این دوران که همزمان با مبارزه بود فعالیت انقلابی خود را آغاز کرد. محمد ابراهیم تلخ ترین دوران زندگی خود را، خدمت سربازی

می داند: ماه مبارک رمضان فرا رسید، از طرف سربازان همفکر خود به دیگر سربازان پیام فرستاد که آنها هم اگر سعی کنند تمام روزهای رمضان را روزه بگیرند، می توانند به هنگام سحری به آشپزخانه بیایند. فرمانده لشکر، وقتی که از این توصیه ابراهیم و روزه گرفتن عده ای از سربازان مطلع شد، دستور داد همه سربازان به خط شوند و همگی بدون استثنا آب بنوشند و روزه خود را باطل کنند. پس از این جریان ابراهیم گفته بود: اگر آن روز با چند تیر مغزم را متلاشی می کردند برایم گواراتراز این بود که با چشمان خود ببینم که چگونه این از خدا بی خبران فرمان می دهند تا حرمت مقدس ترین فریضه دینی مان را بشکنیم و تکلیف الهی را زیر پا بگذاریم، با وجود این شرایط همت در دوره خدمت خود به مبارزه با شاه پرداخت و پس از آن به زادگاهش برگشت و مشغول معلمی شد. همانجا بود که از اندیشه های امام مطلع و مرید او ماند.

سال های خدمت

پس از پیروزی انقلاب او در حفظ نظم و امنیت شهرضا فعالانه ظاهر شد، او اواخر سال ۵۸ برای فعالیت های فرهنگی به خرمشهر



شهید محمد ابراهیم همت در کنار حجت الاسلام شیخ حسین انصاریان در مقر فرماندهی لشکر ۲۷ محمد رسول الله (ص)

شهید
محمد ابراهیم
همت در کنار
آیت الله
محمدعلی
موحدی کرمانی
در یکی از
بازدیدهای
ایشان از
محورهای
عملیاتی دوران
دفاع مقدس

همتم بدرقه راه کن ای طائر قدس به خاطر بسیجی ها دل به آب های مجنون زد

شهید محمد ابراهیم همت در زمره بزرگترین، شاخص ترین و در عین حال مظلوم ترین فرماندهان دفاع مقدس است، مردی بلند قامت، مخلص و بدون ادعا که از زمان تأسیس لشکر ۲۷ در آنجا حضور داشت و وجودش عامل مهمی در دلگرمی رزمندگان این لشکر بود. فرماندهی که در عین اقتدار با بسیجی های یکی بود. انگار دلش برای بسیج و بسیجی می تپید به گفته حاج اکبر یوسفی که روزی بی سیم چی همت بود و این روزها به خاطر عارضه جنگ حال خوشی ندارد. همت به خاطر بسیجی ها دل به آب های مجنون زد. او خودش همیشه پیش قدم بود چون دلش نمی آمد کسی به بسیج و بسیجی بد بگوید.



شهید محمد ابراهیم همت در حال بررسی منطقه عملیاتی



شهید همت در دوران سربازی



شهید همت در دوران جوانی

و سیستان و بلوچستان رفت و در نهایت سال ۵۹ کردستان آشفته از فعالیت گروهک های ضد انقلاب میزبان او شد، سال ۶۱ به لبنان رفت و پس از دو ماه برای حضور در جبهه ها اعزام ایران شد.

همین جا شهید می شویم

همت وقتی به جبهه رفت با بچه های بسیج دمخور شد، او در عملیات های گوناگونی به عنوان فرمانده حضور داشت، همت آنقدر محبوب بسیجی ها بود که به لباس آنها درآمده و شناختش حتی از نزدیک به عنوان فرمانده دشوار بود، او در عملیات خیبر در سوم اسفند ۶۱ به برادران بسیجی گفت: باید مقاومت کرد و مانع از بازپس گیری مناطق تصرف شده، توسط دشمن شد. یا همه اینجا شهید می شویم و یا جزیره مجنون را نگه می داریم، البته همان هم شد ابراهیم در جزیره همچون اربابش سیدالشهدا بی سر به شهادت رسید، یکی از فرماندهان عراقی درباره مقاومت بچه ها اینطور می گوید: ما آنقدر آتش بر جزایر مجنون فرو ریختیم و آنچنان آنجا را بمباران شدید کردیم که از جزایر مجنون جز تلی از خاکستر چیز دیگری باقی نیست، گویا همت عزمش را جزم کرد تا یادش در مجنون باقی بماند.

جزیره. از قاسم سلیمانی جدا شدم، رفتم جایی و برگشتم. دیدم قاسم توی خودش است. گفتم: چی شده قاسم؟ گفت: ابراهیم اینجا بود. گفتم: کوی پس؟ رفت؟ نگاهم کرد. همین طور زل زده بود توی چشم هایم و نگاهم می کرد. بعد نشست. دیگر نگاهم نمی کرد. گفت: همین الان آمد با من حرف زد. باورت می شود؟

همراه نیروهایی که در اختیار داشت به خط مقدم رفت و به شهادت رسید. تا یکی، دو ساعت کسی نمی دانست او شهید شده است. شهید حاج احمد کاظمی که در مجنون فرماندهی بخشی از عملیات را بر عهده داشت روایت کوتاهی از شهادت حاج همت بیان می کند: همت بدجوری توی خودش بود. آن روز آمده بود پیش من، توی همان قرارگاه فرماندهی ام،

سنگری از چند تکه السوار و گونی نزدیک خط مقدم. داشتیم باهم حرف می زدیم که یک خمپاره آمد به سنگر خورد. ابراهیم فقط گفت: بر محمد و آل محمد صلوات و ساکت شد. انگار نه انگار که خمپاره خورده آنجا. همین طور نگاهش می کردم که چرا اینقدر خونسرد شده؟ این ابراهیم، ابراهیم همیشگی نیست. ردش راهمیشه می زدم که کجاست؟ تا عصر روز سوم تثبیت

سیدالشهدای جزیره مجنون و خیبر

عملیات خیبر صحنه بزرگ پایداری و مقاومت رزمندگان بود، در این عملیات اسامی بزرگی مثل حسین خرازی، احمد کاظمی، مهدی و حمید باکری، مهدی زین الدین و ده ها نفر از رزمندگان دلاور به چشم می خورد اما در میان این نام ها، شهید همت راز مقاومت تا شهادت رادر خیبر رمزگشایی می کند، شهید سبهد حاج قاسم سلیمانی درباره شهادت همت در خیبر خون این طور نقل می کند: حمید باکری آن طرف پل شحیطاط شهید شده بود. مهدی خم به ابرو نمی آورد. حمید با اینکه برادر کوچک مهدی بود بسیار احترام برادر بزرگش را داشت و همواره او را آقا مهدی می نامید. در این زمان ابراهیم همت فرمانده لشکر ۲۷ محمد رسول الله (ص) و من در جزیره جنوبی (جزیره مینو) در یک سنگر لشکر مستقر بودیم. عباس کریمی هم در خط بود. او با سنگر تماس گرفت و تقاضای نیرو کرد. همت در این حین از من پرسید می توانی ۴۵ نفر نیرو به من قرض بدهی؟ من هم به فرمانده گردانی گفتم که یک گردان نیرو در اختیار همت قرار بدهد. همت به



تنی چند از یاران در کنار پیکر بی سر سردار شهید محمد ابراهیم همت

همت را نشناختیم!

وقتی اسم شهید به گوشمان می خورد گمان می کنیم باید دو تا بال روی شانه های او باشد، همت آنقدر با بچه های جوان همراه بود که او را مثل برادر دوست داشتند. نکته قابل تأمل در زندگی همت فرار و فرودهای عجیب در انتخاب های اوست و بدون شک انتخاب مسیر تازه ای به نام انقلاب اسلامی او را محبوب قلب ها کرد، سردار حاج ولی الله همت درباره برادر می گوید: محمد ابراهیم از جنس همین جوانان کوچک و خیابان بود و او مثل جوانان امروزی شیک پوش و همچنین دین دار بود. او موهایش را بلند می گذاشت و آن زمان که کت بلند کمر باریک و شلوار پاچه گشاد مد بود ابراهیم همیشه شیک می پوشید. زوایای زندگی همت برای جوان ها کاملاً نادیده انگاشته شده است و شاید تولید آثار تصویری بتواند شبهات پیرامون این شخصیت بزرگ رافع کند.



شهید محمد ابراهیم همت همراه با تنی چند از فرماندهان دوران دفاع مقدس در دیدار با آیت الله سید علی خامنه ای ریاست جمهوری وقت



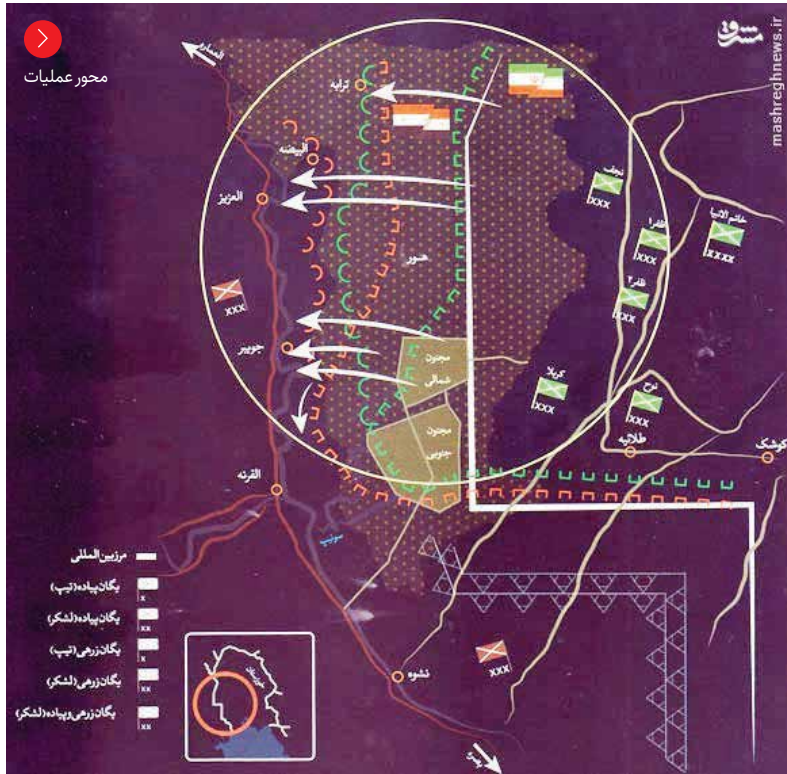
شهید محمد ابراهیم همت در کنار سردار سعید قاسمی و تنی چند از رزمندگان لشکر ۲۷ محمد رسول الله (ص) در یکی از سنگرها

شهید محمد ابراهیم همت در کنار سردار سعید قاسمی و تنی چند از رزمندگان لشکر ۲۷ محمد رسول الله (ص) در یکی از سنگرها



نگاهی به عملیات بدر ستاره‌های بدر درخشیدند

جنگ یک معادله ناچونمردانه است، شلیک گلوله از دهان سردیک سلاح خشن می تواند معادلات یک سرزمین را دچار تغییر و دگرگونی کند، از همین رو وقتی درست در سال‌های ابتدایی انقلاب اسلامی، اولین گلوله از سوی عراق به سمت تمامیت مرزهای ایران شلیک شد، جنگی سخت، طولانی و نابرابر انتظار اهالی این سرزمین را می کشید. جنگی که با عملیات‌های پی در پی همراه بود، عملیات‌های نیروهای مختلف ارتش، بسیج و سپاه علیه مواضع دشمن یعنی رهاوردهای گوناگونی را به دنبال داشت، کنار همه شکست‌ها و پیروزی‌های ایران جوانانی سربلند ایستادند تا این سرزمین بماند. عملیات بدر از همان عملیات‌هایی است که اسفند ۶۳ را لاله گون کرد.



را از دست داد و پهلوان‌هایی مثل شهید سعید طوقانی و مرشد عباس دائم‌الحضور در آنجا به فیض شهادت نائل آمدند، این نقطه مرکز ثقل بچه‌های مخلص بسیج با آرزوی همیشگی شان شهادت بود.

سه راه شهادت

بخشی از آبراهی که بچه‌های بسیجی در آن گرفتار شدند و تیرتراش‌های عراقی بی‌امان آنجا را می‌زدند به سه راه شهادت معروف بود البته تمام منطقه بدر شهادت‌خیز بود تا جایی که شهادت شهید مهدی باکری در آنجا چهره‌ای سخت از جنگ به زرمندها نشان داد. شهید صیاد شیرازی در توصیف این عملیات می‌گوید: شرایط بسیار سختی بود. خطر این می‌رفت که ۲۰ هزار اسیر بدهیم. یگان‌ها یکی پشت دیگری منهدم می‌شد فرماندهی دیدم که با انهدام نیروهایش، لحظه به لحظه لاغرتر و موهایش سفید می‌شد.

رفتند تا ایران بماند

عراق در بدر بارها از بمب شیمیایی استفاده کرد و صدام رسماً اعلام کرد می‌خواهد شهرهای ایران را بزند در نتیجه مباران شهری حتی به تهران هم رسید. شهدای بدر درست مثل ستاره‌هایی بودند که در آسمان ایران درخشیدند تا امروز با بهره‌گیری از توان و تجربه آن روزها ایران پایدار بماند.



تیپ سیدالشهدا (ع) حساب شد اما آنها در شب عملیات پای کار نیامدند. اختلاف در عملیات بدر به همین جا ختم نشد، ارتش که در طول جنگ با سپاه هماهنگ بود به اختلاف و چالش با آنها برخورد، شهید سپهبد علی صیادشیرازی که نماینده ارتش برای هماهنگی با سپاه بود از پشتیبانی نشدن کامل این عملیات از سمت هاشمی رفسنجانی گلایه کرد و با هدف حل اختلاف این موضوع را با رضایی در میان گذاشت، عملیات البته با توجه به این شرایط با وقفه روبرو شد.

بدر، عملیاتی جان‌سوز

قرار بود طبق نقشه زرمندها به جاده العماره- بصره برسند، اگر این کار آنطور که حساب شده بود با ضربت و شدت پیش می‌رفت قطعاً معادلات طور دیگری می‌شد، عملیات در ۲۳ اسفند ۶۳ با رمزی فاطمه الزهرا (س) شروع شد، از همان ابتدا مشکلات بسیاری به وجود آمد. به رغم اینکه در بعضی از محورها خط ساده شکسته شد اما کمبود قایق و محاسبه نادرست عمق آب دجله باعث شد عملیات آنطور که باید پیش نرود و بسیاری از نیروها به شهادت برسند، شاید کمتر کسی بداند گردان میثم، که به تعبیر سیدابوالفضل کاظمی گردان یل‌ها و داش مشت‌ها بود در همان عملیات نیروهای بسیاری



شهید سپهبد علی صیادشیرازی که نماینده ارتش برای هماهنگی با سپاه بود از پشتیبانی نشدن کامل این عملیات از سمت هاشمی رفسنجانی گلایه کرد و با هدف حل اختلاف این موضوع را با رضایی در میان گذاشت

موجود و به تعبیر نظامی‌ها عده و غده ندارد سپاه در موضع ضعف قرار گرفت. این موضوع منجر به تضعیف داخلی نیرو نیز شد و مطابق نظرورای فرماندهان و بزرگان، روی لشکر ۲۷ محمد رسول‌الله (ص) و



اسناد تاریخ شفاهی و همچنین در برخی از اسناد مکتوب آمده‌اند از فرماندهان خواسته بود تا یک عملیات پیروزمندانه انجام دهند و جنگ را همان‌جا پایان بدهند، او در آن شرایط اعتقاد داشت جهان آماده است تا کناره‌گیری صدام را بپذیرد، او البته این اعتقاد را هم داشت که باید عملیاتی موفق‌تر از خیبرانجام شود. در این شرایط فرماندهانی مانند محسن رضایی هم اعتقاد داشت که توقف در جنگ به معنای فرورفتن در منجلاب است، به دلیل پاره‌ای از اختلافات نظیر اعتقاد برخی از فرماندهان به اینکه سپاه امکان جنگ ندارد و محسن رضایی به عنوان فرمانده سپاه برآورد مدیریتی صحیحی از وضعیت

رمزگشایی سی و چندساله دهه‌های مختلفی از جنگ تحمیلی می‌گذرد، سال‌های جنگ هرچند در تحریم و دشواری سپری شد و برخی از عملیات‌ها بارها مورد بازخوانی قرار گرفت؛ اما برخی دیگر با وجود ابعاد مهم کمتر بازخوانی شد، در ماه‌های پایانی سال ۶۳، جنگ به لحاظ سیاسی و نظامی به بن بست‌های بزرگی رسیده بود، فشارهای سیاسی از یکسور بر کشور وارد می‌شد و از سوی دیگر زرمندها در جبهه نظامی، حرکت قابل توجهی نکرده بودند، این توقف و سکون آسیب جدی برای جنگ نظامی به حساب می‌آمد. فرمانده عالی جنگ؛ حجت‌الاسلام هاشمی رفسنجانی آنطور که در



به مناسبت روز بزرگداشت شهدا حاصل رزق شهادت

رضوانه باهری

نویسنده



با پیروزی انقلاب اسلامی که منبعث از انقلاب حسینی

و پیروزی خون بر شمشیر بود، شهادت در راه وطن با دین آمیختگی بیشتر پیدا کرد کافی است سری به سیره شهدای دفاع مقدس و دفاع از حرم بزنیم

شهید یک باور دیرینه دینی و مذهبی است آنجا که دین با تاریخ تمدن بشرگره می خورد شهادت مفهومی فراتر از زمین می شود، شهید در ادیان آسمانی مانند اسلام، مسیحیت و یهودیت معنای خاص خود را دارد. از آنجا که جریان تقابل حق و باطل، سیاهی و سپیدی جریانی ازلی و ابدی است و تاریخ محور تقابل این دو جبهه است انسان هایی که در راه هدف مقدس به نبرد با کفار و دشمنان دین و وطن می پردازند شهید به حساب می آیند. در اسلام فرهنگ شهادت و ایثار دواصل گره خورده به یکدیگر است انگار همان تعبیر حضرت امام خمینی (ره) برای زنده نگه داشتن دین خدا با اسباب شهادت کافی است که فرمودند: بکشید ما را ملت ما بیدارتر می شود.

شدند، شهادت را روزی مان فرما و از فتنه بازمان دار. این شیوه در نظام مقدس جمهوری اسلامی و میان مردم همواره زنده و پویا بوده است گویا رمز پایداری جمهوری اسلامی زنده بودن مقوله شهید است که سید شهیدان اهل قلم از آن اینگونه تعبیر می کند: پندار ما این است که ما مانده ایم و شهدا رفته اند؛ اما حقیقت آن است که زمان ما را با خود برده است و شهدا مانده اند.

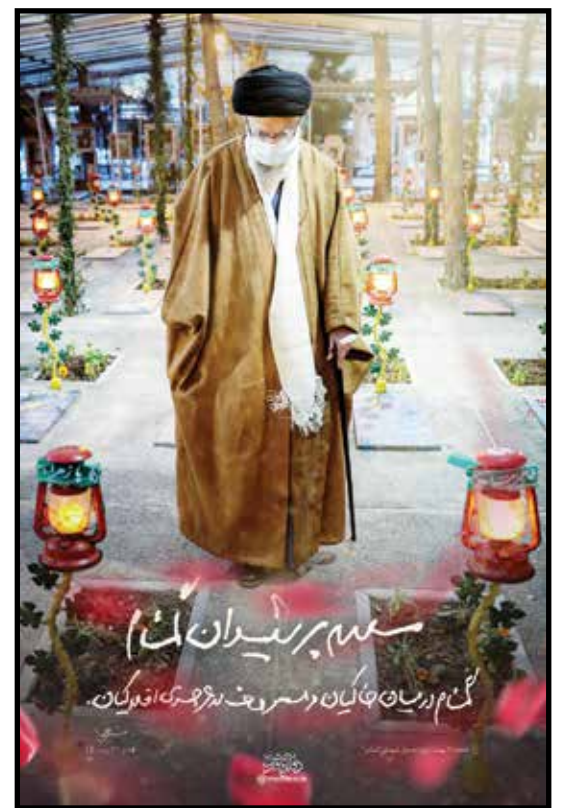
تاریخ مرهون شجاعت
تاریخ مدیون شهید است، زبیرارمز ماندگاری یک سرزمین، یک آیین و حق در حقیقت انسان هایی است که در میدان نبرد با باطل جان برکف ایستاده اند، همه تاریخ معاصر و جز آن سراسر روایت مردان و زنانی است که در راه آرمان و عقیده شان کف پوش شدند و برای زنده ماندن نام اسلام مبتنی بر مرزها مادی و معنوی حتی روزی تا دمشق و شام و عراق رفتند تا اسلام زنده بماند.

است که مسأله شهادت با ریشه های ایرانی پیوند دارد و اینطور است که سیدالشهدای مقاومت، شهید حاج قاسم سلیمانی قرن ها پس از حادثه عاشورا ملت ایران را ملت امام حسین (ع) و ملت شهادت می نامد.

انقلاب اسلامی و شربت شهادت
با پیروزی انقلاب اسلامی که منبعث از انقلاب حسینی و پیروزی خون بر شمشیر بود، شهادت در راه وطن با دین آمیختگی بیشتر پیدا کرد کافی است سری به سیره شهدای دفاع مقدس و دفاع از حرم بزنیم، کم نیستند عبدالحسین برونسی ها که به دنبال شهادت می روند این موضوع مصداقی از خطبه ۱۷۰ نهج البلاغه است آنجا که حضرت امیر(ع) طلب روزی شهادت کرده و می فرمایند: خدایا، ای پروردگار آسمان برافراشته... اگر ما را بر دشمنان پیروز گرداندی، از ستم و تجاوز دورمان دار و بر حق استوارمان گردان و اگر دشمنان بر ما پیروز

پرنده شیعه

هرچند فرانسیس فوکویاما از اساتید برجسته دانشگاه استنفورد ایالات متحده بخشی از سخنانش را که در کنفرانس اورشلیم مطرح شده بود نقض کرد اما هنوز می توان به قاطعیت گفت بهترین تعبیر که نمایانگر زنده بودن شیعه در بستر تاریخ است همان دو بال سرخ و سبز است، بال عاشورا و بال مهدویت. پرنده شیعه درست در حادثه کربلا به بلوغ رسید و مسأله شهادت در جبهه حق و باطل ورژیت رضایت خداوند با شهادت حضرت سیدالشهدا(ع) عینیت یافت، ایران و ایرانی به عنوان مهد شیعه در این واقعه و جست و جوی شهادت در رکاب امام پیشگام بوده است، کورت فیشلدر کتاب امام حسین (ع) و ایران به نقش ایرانی ها در قیام کربلا می پردازد و شهادت طلبی آنها را که با عنوان موالی در کوفه و نقاط دیگر حضور دارند مصداقی از شجاعت تلقی می کند. این به معنای آن



زنان



ماده ۷ قانون حمایت از خانواده و جوانی جمعیت در اجرای بند «پ» ماده (۱۰۳) قانون برنامه ۵ ساله ششم توسعه، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران کلیه دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی دولتی مکلفند متناسب با برآورد نیاز دانشجویان متأهل اعم از بومی و غیربومی، زن و مرد، نسبت به هزینه کرد حداقل ۱۰ درصد از درآمد اختصاصی و ۱۰ درصد از اعتبارات تملک دارایی‌های سرمایه‌ای سالانه مقرر در بودجه سنواتی خود به استثنای مواردی که از لحاظ شرعی مصارف مشخصی دارند، جهت احداث، تکمیل، تأمین و تجهیز خوابگاه‌های متاهلان اقدام کنند

خوابگاه متاهلی اولین تکه جورچین مطاب‌گیری

گفت‌وگودر خصوص مسیر و موانع موجود در مطالبه‌گری مردمی مسائل خانواده با استناد به مطالبه موفق خوابگاه‌های دانشجویی

نرگس حسینی
فعال حوزه زنان

حال یک گام عقب‌تر برویم، وقتی نگاه خانواده‌محور نباشد اساساً ازدواج هم محلی از اعراب ندارد. وقتی به نگاه‌های ظرفی که می‌تواند به خانواده، زن، شوهر و نقش‌های اجتماعی کمک کند دقت نمی‌کنند، پس طبیعی است که آنها هم به سمت فرزندآوری نمی‌روند. سپس شاهد هستیم بعد از چند دهه از موضوع کاهش جمعیت دوباره با یک نگاه ایزاری و عددی، یک ریل‌گذاری اتفاق می‌افتد که برای مثال به مادران ماشین هدیه بدهید؛ چرا؟ چون مشکل جمعیت داریم و نگاه پیشینی به این موضوع ندارد که این مادر قبل از آنکه نیاز به ماشین داشته باشد، به یک سلسله مباحث روحی و عاطفی نیاز دارد. پدر باید درونش یک سری از نگرش‌ها زنده شود یا آن جوان دانشجویی باید بتواند به اصل تشکیل خانواده باور داشته باشد. وقتی این مسائل حل نشود شمانمی‌توانید روی مسأله جمعیت دست بگذارید. به همین خاطر است که مردم عمدتاً همدلی خاصی نسبت به این موضوع ندارند. مادر شاکله کلی مسأله خانواده دو پیشران را تعریف کردیم: ازدواج و فرزندآوری. این دو می‌توانند بال‌های خانواده باشند. ازدواج که تشکیل خانواده را در برمی‌گیرد و فرزند که می‌تواند بنیان این خانواده را تحکیم بخشد. می‌بینیم که یک دوگانه‌ای وجود دارد که این دوگانه می‌تواند موضوعات و مسائلی را در این پدیده

مسائل خانواده از آن دست موضوعاتی است که بشدت با فرهنگ‌سازی گره خورده است و به دلیل ظرافت نهاد خانواده و مسائل آن، صرف قانونگذاری کلان و سیستمی نمی‌تواند راه‌گشای آن باشد. در این میان حلقه‌های میانی به دلیل اشراف بر جزئیات و واقعیات این حوزه می‌توانند نقش مؤثری ایفا کنند که مطالبات مردمی و دانشجویی یک نوع از اجرای آن است. برای شرح و بسط این موضوع گفت‌وگویی با حمید آذری، مطالبه‌گر و فعال اجتماعی داشتیم که با تشکیل تیم‌های دانشجویی، پروژه مطالبه‌گری حول مسأله خوابگاه‌های متاهلی را آغاز و آن را به مسأله‌ای در سطح دانشگاه‌های کشور تبدیل کرده است. برای آشنایی بیشتر با این پروژه، مسیری طی شده و موانع ایجاد شده در فرایند این مطالبه‌گری با ما همراه شوید.

است. در یک بازه زمانی می‌گوییم جمعیت زیاد شود و در یک بازه زمانی دیگر می‌گوییم جمعیت کم شود. نگاه حکمرانی به مسأله خانواده را عددی و کمی می‌بینیم و مباحث اجتماعی مانند پیوندهای اجتماعی همچون ترکیب مختلف فرزندان و داشتن برادران و خواهران در یک خانواده که می‌تواند پیوندهای اجتماعی را تحکیم بخشد بی‌توجه هستیم و صرفاً نگاه حکمرانی، تعداد فرزند به دنیا آمده را فهم می‌کند و فرداروز اگر مسأله جمعیت هم حل شود، دوباره می‌گویند کم‌ش کنید، یک بچه هم کافی است، چون نگاه، عددی و آماری است و به خانواده و انسجام آن نیست. بنابراین مسأله اصلی خانواده است و به همین خاطر اولویت را بر خانواده گذاشتیم که اگر آن سیاستگذار و مجری سیاسی ما بتواند مسائل حوزه خانواده را حل کند، در پی آن می‌توانیم شاهد افزایش جمعیت هم باشیم.

چرا از بین تمام مسائل متعددی که در حوزه خانواده وجود دارد شما مسأله خوابگاه دانشجویی را انتخاب کردید؟

این سؤال بسیار مهمی است که ما آن را اول کار از خودمان پرسیدیم که الان یک مسأله و یک موضوع در کشور ما مطرح شده به اسم «بحث پیری و کاهش جمعیت» و می‌بینیم که همه یک هول و ولای خاصی دارند که مسأله جمعیت تبدیل به بحران شده است. به همین خاطر در ابتدای امر گفتیم آیا جمعیت، موضوع کشور ماست یا خانواده اولویت ما؟ اگر فرزندآوری یا ازدواج را به عنوان یکی از زمینه‌های افزایش جمعیت در نظر بگیریم، پس خانواده در اولویت است، اما متأسفانه سیاستگذاری و سیاست‌های تنظیم‌گری در حوزه خانواده اساساً در طول چهار دهه بعد از انقلاب نادیده گرفته شده تا ما به این وضع در حوزه پیری جمعیت برسیم، چون نگاه، خانواده‌محور نبوده

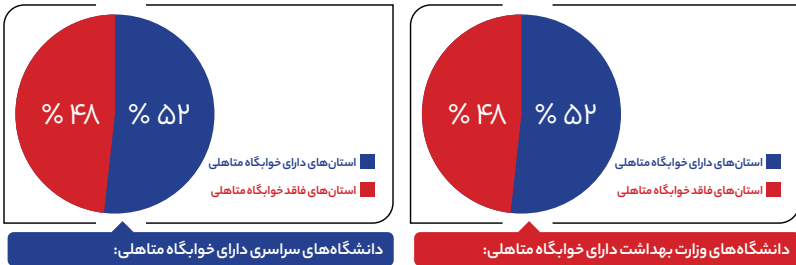
بررسی کردیم که اساساً چه اتفاقاتی در حوزه خانواده افتاده و چه مطالباتی در این یک دهه جنبش دانشجویی پیگیری شده است که غالباً دو موضوع را شامل می‌شود: مورد اول مسأله وام ازدواج است که می‌تواند از حیث مادی کمکی به تحکیم بنیان خانواده باشد و مسأله دیگر بحث نابرابری است که در امر فرزندآوری می‌تواند کمک کند، اما متأسفانه فقط به همان دو مورد بسنده شده و جریان دانشجویی در سایر موضوعات ورود جدی نکرده بود. از طرفی دیدیم که جریان مخالف مادر بیرون از مرزها بنیان خانواده را متلاشی می‌کند و مورد هدف قرار می‌دهد و این سمت، ما نسبت به آن جبهه‌گیری خاصی نداریم. کسی نبود تا بیاید و پرچمداری مطالبات را داشته باشد و بتواند آنها را نمایندگی کند. به همین خاطر این نیاز احساس شد که باید در این مسأله ورود کنیم و یک نقش‌آفرینی از طرف جنبش دانشجویی اتفاق بیفتد.

لطفاً توضیحی در مورد فعالیتی که مشغول آن هستید بفرمایید.

موضوعی که الان ما درگیر هستیم، ریشه و منشأ آن به چند سال قبل برمی‌گردد، به حوزه فعالیتی که چندین سال قبل در حوزه مطالبه‌گری کار می‌کردیم و موضوعات مختلفی از جمله فساد، زمین‌خواری، بحث‌های ساختار اداری و زیست محیطی را مطالبه‌گری می‌کردیم. نکته‌ای که به نظر ما آمد این بود که غالب مطالبه‌گری‌ها در این حوزه‌هاست و اساساً در حوزه‌های اثرگذاری مثل خانواده عملاً مطالبه‌گری خیلی قوی اتفاق نیفتاده و نمی‌افتد و به صورت مصداقی و سوزده‌محور مسائلی را که می‌تواند به تحکیم خانواده و انسجام آن کمک کند وجود ندارد؛ حتی در این حوزه فضای جریان و جنبش دانشجویی بی‌تفاوت است و در خوشبینانه‌ترین حالت ممکن می‌بینیم که یک فضاهای شعاری را دنبال می‌کند. در حالی که در جامعه و در نگاه ایدئولوژیک ما، خانواده به عنوان یکی از پیستون‌های اصلی اجتماع و جامعه پذیری است که می‌تواند کشور را به سمت پیشرفت سوق بدهد. به همین خاطر ابتدای امر



در بحث مردمی سازی اساساً باید به فرهنگ سازی توجه کرد. حالا این فرهنگ سازی یا می تواند حول محور رسانه باشد و یا حول محور دستگاه ها، مانند نهادهایی که در کشور وجود دارند یا حتی گروه های مردمی که می توانند سینه به سینه فرهنگ سازی کنند



دانشگاه های وزارت بهداشت دارای خوابگاه متاهلی: ۵۲٪
دانشگاه های سراسری دارای خوابگاه متاهلی: ۴۸٪

ولی این اتفاق به مرور کم و کمتر شد. با توجه به تجربه ای که در این مسیر داشتید، به نظراتان خلأهایی که مادر مردمی کردن حل مسائل، بخصوص مسائل فرهنگی واجتماعی داریم، چیست؟

وقتی دانشجوی جوانی بنشینند، لیستی را آماده کند که بتواند این زندگی را الان فراهم کند، با آمار و ارقامی روبه روست که اگر بخواهد در خوشبینانه ترین حالت، یک زندگی ساده را هم شروع کند باید مبلغ خیلی زیادی را متقبل شود که بیشترین فراوانی در سبد هزینه یک خانوار که ۴۰ درصد را شامل می شود، مسکن است. بنابراین انتخاب ماد دست گذاشتن روی مسأله خوابگاه های متاهلی بود

در این مسیری که در این یک سال ونیم پیش رفتید، چه موانعی سر راهتان قرار گرفت و چطور این چالش ها را برای خودتان حل کردید؟

موانع همیشه هست و چیزی که در ذهن ما همیشه وجود داشت این بود که هر موضوعی که پیش بیاید، باید مشکل خوابگاه ها حل بشود. هیچ بهانه ای وجود ندارد. هر اتفاقی هم که بیفتد باید کنشگرانی بیابند و نسبت به این موضوع حساس بشوند. یکی از چالش هایی که پیش روی ما بود، این بود که متأسفانه خیلی از بچه های جنبش های دانشجویی درگیر روزمرگی ها و مناسبت های تقویمی شدند. مثلاً در صفحات تقویمی خودشان نگاه می کنند که ما الان ۱۶ آذر را داریم، ما سیزده آبان را داریم، این ۱۰ تا برنامه را برگزار می کنیم. بعد پایان سال جمع بندی می کنند که ما این چهار برنامه را برگزار کردیم اما نسبت مان با مسائل جامعه، نسبت مان با مسائل دانشگاه مان به چه شکل بوده؟ اساساً محل رجوع با مرجعیت هستیم یا خیر؟ یا گاهی به این دلیل که احساس می کردند حوزه خانواده دیر نتیجه می دهد اذیت می شدند، تشکل های دانشجویی به دنبال زود بازه بودن هستند. به طور کلی مورد اول این مسأله بود که در لایه کنشگران است. چالش بعد در لایه مسئولان است. ما با سه دسته از مسئولان روبه رو بودیم. یا اراده داشتند ولی امکانات نداشتند، یا اراده و ایده و امکانات داشتند اما اراده ای برای انجام کار نداشتند. عمده مدیرانی که با آنها مواجه بودیم از دسته سوم بودند. با وجود اینکه حتی دولت تغییر کرده ولی نگرش خیلی از مدیران حداقل در حوزه دانشگاهی، نداشتن ذهن خانواده محوری است و زمان می برد تا این اتفاق بیفتد. این دو مانع به نظر بنده چالش های اصلی بود برای ما

رئیس دانشگاه می گفت ما پول نداریم، ما خوابگاه متاهلی ایجاد نمی کنیم، اصلاً اولویت من نیست و یا ساختمان نداریم، آنها طبق همین آمار می گفتند شما هفت میلیارد پول دارید و این بودجه این ماده است؛ اگر با این هفت میلیارد در همدان در جای متوسط بخواهید سی واحد رهن کنید، می شود شش میلیارد یعنی شما می توانید سی تا جوان را نجات دهید.

نحوه فعالیت تیمی شما به چه صورت بوده؟ آیا ساختار خاصی برای آن طراحی کردید؟

ساختار ما سازمانی نیست که فردی دستور دهد که این کار را بکنند. اولین کار این بود که ما تجربه مان را در اختیار دانشجویان قرار دادیم که از حیث مسأله شناسی اینطور ورود پیدا کردیم، از حیث مطالبه گری و تکنیکی اینطور باید ورود پیدا کنیم... اما چطور این بچه ها را پیدا کردیم؟ یک گروه از تعدادی از دانشجویان دلسوز که هم مطالبه گر بودند و هم حوزه خانواده برای شان اهمیت داشت در تهران تشکل شد و دانشگاه به دانشگاه با بچه ها ارتباط گرفتند. ما بچه ها را از طریق شناسایی چهره به چهره، تلفنی و حتی مجازی می دیدیم؛ مثلاً یک فردی در دانشگاه تربیت مدرس دارد در فضای مجازی پستی در ارتباط با حوزه خانواده می گذارد، دغدغه هایش را می گذارد، روزمرگی اش را می گذارد، ما با این فرد ارتباط می گرفتیم. دغدغه مند بود. انگیزه به او می دادیم و می گفتیم حالا شما بی عملیاتی پیگیری کن.

این می بینم که جریانی در دانشگاه های کشور راه افتاده که الان آن خانم دهه هشتادی که در دانشگاه علوم پزشکی مازندران که تیمی را تشکیل داده بودند و در بحث خوابگاه متاهلی کار می کردند، آن تیم ذهنش خانواده محور شده و خوابگاه متاهلی را پیگیری کردند و تا حدود زیادی هم موفق شدند. الان هم مطالبه او این است که چرا دانشگاه علوم پزشکی ما برای دانشجویان متاهل مهد کودک ندارد؟ چرا کلاس های تئوریک برای دانشجویان مادر مجازی برگزار نمی شود؟ یعنی یک نگاه خانواده محور نسبت به دانشگاه پیدا کردند و وقتی این اتفاق می افتد چند صباح دیگر این طیف از دانشجویان مسائل دانشگاه شان را به سمت جامعه می برند و مسائل مردم را هم در حوزه خانواده پیگیری می کنند.

نکته دوم این است که از حیث پژوهشی و سیاست گذاری یک اتفاق مبارکی افتاد. ابتدای کار وضع موجود خوابگاه های متاهلی در تک به تک دانشگاه های کشور بررسی شد که دانشگاه ها چه میزان خوابگاه متاهلی در سالیان بعد انقلاب داشتند؟ این دانشگاه ها اگر داشته و الان ندارند چرا تغییر کاربری دادند؟ چه اتفاقی افتاده که الان خوابگاه متاهلی آن تعطیل شده؟ چه میزان دانشجوی متاهل در آن دانشگاه وجود دارد؟ چه تعداد دانشجوی متاهل پیگیر خوابگاه متاهلی در آن دانشگاه است که چون ذی نفع موضوع هستند، شناسایی و پیگیر مطالبه این موضوع شوند؟ مثلاً در دانشگاه تربیت مدرس یک تیم کاملاً مجرد آمدند و دیدند بیشترین تعداد خوابگاه متاهلی در دانشگاه شان بوده؛ اما الان به یازده مورد کاهش یافته است. هم از حیث آماری بررسی می کردند و هم از حیث ارتباط با دانشجویان متاهل که دستشان پر بود و با یک آمار واقعی و دقیق با مسئولان دانشگاه ارتباط می گرفتند که چرا این اتفاق افتاده. نکته مهم تر اشراف دانشجویان به ماده ۷ قانون خانواده و جوانی جمعیت است که یک دانشگاه ده درصد درآمد اختصاصی و ده درصد تملک و دارایی هایش را باید در سبد خوابگاه متاهلی و در تأمین خوابگاه متاهلی دانشگاه مربوطه مصرف کند. برای مثال دانشجویان همدان بررسی کردند که ده درصد بودجه حدوداً هفت الی هشت میلیارد می شود، وقتی

در خود جای دهد. به عنوان مثال در کشور ما عده ای هستند که تمایل به ازدواج دارند، تمایل به فرزند دارند اما امکانش را ندارند. عده ای هم هستند که امکانش را دارند اما تمایلش را ندارند. یعنی یک فردی هست که به لحاظ مالی و مادی امکان ازدواج را دارد اما قائل به ادامه تحصیل است. نگرشش به این شکل است که شاید ازدواج مانع از ادامه تحصیل شود. یا یک خانم متاهل، فرزند دار شدن را مانع پیشرفت خودش می داند یا حس خام بودن می کند. به همین خاطر ما از این گام دوم که عده ای هستند که امکان دارند و تمایل ندارند و نگرش های فرهنگی، سرباز زدیم و روی مورد اول دست گذاشتیم؛ چرا؟ چون اپیدمی و مطالبات حول این محورها زیاد است و غالباً جامعه مسائلش حول محور اول قرار می گیرد. البته این نافی مورد دوم نیست. از طرفی ما قصد داشتیم نگاه جریان و جنبش دانشجویی روی موضوع خانواده حساس شود که بخشی از مطالبات جامعه عمومی و بخشی از مطالبات جامعه اختصاصی مثل دانشگاه در حوزه خانواده شامل چه مواردی می تواند باشد. به همین خاطر یکی از مسائلی که در حوزه دانشگاه وجود داشت و معمولاً روی آن گفت و گوی زیادی اتفاق می افتد به واسطه ترکیب مختلف دانشگاه و سن دانشجویان در آن مقطع سنی ۱۹ تا ۱۸ سال که یک فضای احساسی و عاطفی خاصی و یک شور جوانی خاصی حاکم است، موضوع ازدواج را انتخاب کردیم که یکی از مسائل مناقشه برانگیز در دانشگاه است.

حال این ازدواج خود از دو حیث محل بحث است؛ عده ای هستند که تمایل به ازدواج دارند و امکانش را ندارند و عده ای هم هستند که امکانش را دارند و تمایلش را ندارند. مخاطب ما دسته اول است. دانشجوی سال سوم کارشناسی در خوشبینانه ترین حالت، یک کار پاره وقت با درآمد ۱۲ میلیون، ولی امکان ازدواج ندارد. تریبون نیست برای صدا زدن در دین افراد در دانشگاه های مختلف و حالا این فرد چرا نمی تواند ازدواج کند؟ به سه دلیل اصلی که در همه پیمایش ها و فراوانی ها، شغل، مسکن و سربازی به عنوان سه اولویت اصلی است که مطرح می شود. نگاه و باور ما این بود که وقتی یک رابطه عاطفی شکل می گیرد مرد برای تحقق آن از هیچ تلاشی دریغ نمی کند تا بتواند به خواسته و مرادش برسد. در تمام مقاطع در کنار درس خواندن، چه کارشناسی، چه ارشد و چه دکتری اگر کار رسمی نداشته باشد حاضر است شغل موقت پیدا کند و همزمان به سمت ازدواج برود، اما وقتی این فرد بنشیند لیستی را آماده کند که بتواند این زندگی را الان فراهم کند، با آمار و ارقامی روبه روست که اگر بخواهد در خوشبینانه ترین حالت، یک زندگی ساده را هم شروع کند باید مبلغ خیلی زیادی متقبل شود که بیشترین فراوانی

| نوع دانشگاه | تعداد دانشجویان | تعداد دانشجویان متاهل | تعداد واحدهای خوابگاه متاهلی |
|---------------------|-----------------|-----------------------|------------------------------|
| وزارت علوم (سراسری) | ۷۵۰,۰۰۰ | ۸۷,۰۰۰ | ۱۷۰۰ |
| وزارت بهداشت | ۳۳۰,۰۰۰ | ۳۴,۰۰۰ | ۸۰۰ |
| دانشگاه فرهنگیان | ۸۲,۰۰۰ | دانشگاه، آماری ندارد! | ندارد! |

به لحاظ آماری هم می توانید بگویید که چه تعداد دانشگاه درگیر مسأله بودند؟

در دانشگاه های علوم پزشکی قریب به ۱۹ الی ۲۰ دانشگاه و ۱۷ دانشگاه دولتی غیر از تهران در سطح ملی این موضوع را پیگیری می کنند. در تهران هم پنج دانشگاه اصلی پیگیر این موضوع بودند. دانشگاه علامه، تربیت مدرس، علوم پزشکی ایران، خوارزمی و خواجه نصیر با یک فراز و فرودی.

فناوری و رسانه

به بهانه دستاورد بزرگترین تولیدکننده لکوموتیو در کشور

شکستن شاخ تحریم آن هم در سکوت خبری

داشت؟ شرکت مهندسی و ساخت لکوموتیو مینا به منظور توسعه این صنعت و به عنوان تنها واحد تولیدی در بخش حمل و نقل ریلی مینا در ۱۳۸۶ تأسیس شد و شروع به طراحی و ساخت تجهیزات حمل و نقل ریلی از جمله لکوموتیوهای باری کرد. این شرکت از خرداد ۱۳۸۹ با ظرفیت تولید سالانه ۱۲۰ لکوموتیو به بهره برداری رسید و نخستین قرارداد کاری آن برای تولید ۱۵۰ دستگاه لکوموتیو ERT۴ با شرکت زیمنس به امضا رسید.

کارخانه این شرکت مجهز به کارگاه‌های بوزی، بدنه، رنگ، مونتاژ و تست به منظور تولید انواع لکوموتیو واگن است و مهم‌ترین فعالیت آن شامل طراحی و ساخت انواع لکوموتیو دیزل الکتریک، برقی و مانوری و انواع لکوموتیوهای مسافری و مولد برق می‌شود.

شرکت مهندسی و ساخت لکوموتیو مینا در طول یک دهه اخیر با وجود تحریم‌ها در حوزه محصولات ریلی، توانسته است به تولیداتی دست یابد که نه تنها ضامن تأمین نیاز داخلی بلکه فرصت رقابت با غول‌های تولیدکننده دنیا است. طول خطوط راه‌آهن اصلی و فرعی ایران به حدود ۱۳ هزار کیلومتر می‌رسد. این خطوط ریلی علاوه بر جابه‌جایی مسافر، حمل و انتقال بار و کالا با استفاده از لکوموتیوها و واگن‌های باری را ممکن می‌کنند؛ شیوه‌ای به صرفه که امنیت کافی دارد و از آلودگی محیط و آتلاف انرژی می‌کاهد. اهمیت خطوط ریلی به دلیل بهبود کیفی انتقال کالا و مسافر به حدی است که توسعه خطوط به رقابتی در بین استان‌ها تبدیل شده است. اما ماشین‌آلات خطوط ریلی چگونه می‌بایست تأمین شود و آیا باید همچنان چشم به آن سوی مرزها برای واردات لکوموتیو

و نیروی کشتش پیوسته بالا و توانایی حمل بار با ظرفیت بالا از دیگر ویژگی‌های مهم این لکوموتیو محسوب می‌شود.

همچنین لکوموتیو MAP۳۰ توانایی سازگاری با شرایط اقلیمی متفاوت را دارد و در مقابل تغییرات جوی شدید مقاوم است که بی‌شک این مهم قادر به پاسخگویی نیاز اقلیم‌های آب و هوایی متنوع کشور است.

ساخت این لکوموتیو، قدرت رقابت‌پذیری شرکت ساخت و مهندسی لکوموتیو مینا را افزایش داده و به تقویت ناوگان ریلی کشور کمک می‌رساند.

وزیر صنعت، معدن و تجارت اخیراً با حضور در کارخانه شرکت مهندسی و ساخت لکوموتیو مینا، از مراحل طراحی و ساخت لکوموتیو MAP۳۰ بازدید کرد.

مطابق اعلام مدیران این شرکت، برنامه‌ریزی شده است که ۱۵۰ دستگاه انواع لکوموتیو توسعه یافته MAP۳۰ و MAP۳۰ و آلستوم را تا سال ۱۴۰۳ روانه بازار کنند که با تحقق این امر، مینا لکوموتیو سهم خود را در کاهش متوسط عمر ناوگان و نوسازی آن ایفا خواهد کرد.

۱۳۹۹-۱۴۰۰، پروژه طراحی MAP۳۰ را به طور کامل روی بستر PLM تعریف و اجرا کرد.

لکوموتیو MAP۳۰، اولین محصول بومی مبتنی بر فناوری PLM در حمل و نقل ریلی ایران محسوب شده و شرکت توسعه فناوری و پراگستر، وظیفه استقرار، بومی‌سازی و توسعه فناوری PLM را به منظور انجام این پروژه در مجموعه مینا لکوموتیو، برعهده داشته است.

فناوری PLM با کاهش زمان مورد نیاز برای جاری‌سازی تغییرات و تصمیمات پروژه و ایجاد بستری یکپارچه برای همکاری تنگاتنگ تمامی اعضا، موجب بهبود تمرکز بر انجام فعالیت‌های تحقیق و توسعه می‌گردد. نقش بسیار مهمی که این فناوری در کنترل و تضمین کیفیت و کاهش دوباره کاری‌ها دارد، باعث کمتر شدن زمان کلی مورد نیاز برای انجام پروژه و همچنین کاهش قیمت تمام‌شده محصول خواهد شد.

لکوموتیو MAP۳۰ یک محصول باری سنگین با توان ۴ هزار اسب بخار و سیستم کنترل کشتش AC و توانایی حمل بار با ظرفیت بالا است. بهره‌گیری از سیستم کنترل کشتش AC، قدرت



لکوموتیو GT۲۶ با روش جوشکاری و طراحی سیستم کنترل AC لکوموتیو دیزل الکتریک و همچنین مهندسی و ساخت لکوموتیوهای باری MAP۲۴ از مهم‌ترین دستاوردهای شرکت مهندسی و ساخت لکوموتیو مینا است. این لکوموتیوها در راستای نوسازی و کاهش عمر ناوگان کشته ریلی ایران و به منظور پاسخگویی به نیاز شرکت‌های حمل و نقل خصوصی طراحی و تولید شده‌اند. انتقال دانش طراحی لکوموتیوهای مانوری از نوع دیزل هیدرولیک مدل IR-G۱۲۰۶ مینا-فوسلو در عملیات جابه‌جایی قطارها و حمل و نقل واگن‌ها در ابعاد محدودتر از لکوموتیوهای خط اصلی از دیگر دستاوردهای این شرکت است.

اولین محصول مبتنی بر فناوری مدیریت چرخه عمر

در اقدام جدید مطابق وعده‌ای که چند سال پیش از سوی مدیران شرکت مینا مطرح شده بود، شرکت مهندسی و ساخت لکوموتیو مینا با هدف توسعه سبد محصولات خود و همچنین پاسخگویی مناسب به تقاضای محصولات بومی در صنایع حمل و نقل ریلی کشور ایران، پروژه بزرگ طراحی لکوموتیو MAP۳۰ به عنوان اولین محصول مبتنی بر فناوری PLM در ناوگان ریلی ایران را به ثمر رساند. این شرکت، با تکیه بر تجربه موفق که طی ساخت و تولید لکوموتیوهای MAP۲۴ کسب کرده و همچنین اجرای موفقیت‌آمیز پیاده‌سازی و تجهیز واحدهای مهندسی و تحقیق و توسعه خود به فناوری مدیریت چرخه عمر محصول (Product Lifecycle Management - PLM) در سال‌های

به دست گرفتن ۷۰ درصد از بازار تولید

شرکت مهندسی و ساخت لکوموتیو مینا در طول یک دهه فعالیت خود، جایگاه ویژه‌ای در تولید وسایل نقلیه ریلی در کشور به خود اختصاص داده و موفق به دستیابی به حداکثر سهم بازار داخلی و حضور مؤثر و مستمر در بازارهای منطقه شده است، آن هم در وضعیتی که این شرکت اغلب از جنجال‌های خبری به دور بوده و در سکوت خبری به رقابت با غول‌های بزرگ تولیدکننده همت کرده است. توجه به تولید محصولات دانش بنیان و توجه به سرمایه‌انسانی، استفاده از تکنولوژی روز و به روز کردن فنی تولیدات، تلاش برای راهیابی به تولید محصولات اولیه و وارداتی تولید لکوموتیو و تلاش برای پاسخگویی به نیاز بازار از جمله استراتژی‌هایی است که مینا در دستور کار قرار داده است.

همچنین گفته می‌شود ۷۰ درصد از تولیدات لکوموتیو کشور توسط این شرکت انجام می‌شود. در دهه ۸۰ هجری شمسی با اینکه صنعت ریلی کشور سابقه طولانی داشت، ولی اغلب تجهیزات و ادوات ریلی استفاده شده از خارج وارد می‌شد یا به شکل محدودی در ایران تولید می‌گردید، به طوری که شرکت مهندسی و ساخت لکوموتیو مینا در چنین شرایطی تأسیس شد تا با انتقال تکنولوژی در صنعت ریلی، به نیازهای بازار داخلی پاسخ گوید.

در وضعیت فعلی، این شرکت ۲۵ محصول جدید و در حال توسعه در زمینه ریلی و جاده‌ای دارد و کارکرد لکوموتیوهای تولید شده آن بالغ بر یک میلیون و ۵۲۰ هزار کیلومتر بوده است.

تدوین دانش فنی طراحی و ساخت بوزی GC



لکوموتیو MAP۳۰، اولین محصول بومی مبتنی بر فناوری PLM در حمل و نقل ریلی ایران محسوب شده و شرکت توسعه فناوری و پراگستر، وظیفه استقرار، بومی‌سازی و توسعه فناوری PLM را به منظور انجام این پروژه در مجموعه مینا لکوموتیو، برعهده داشته است.

گوگل یکی از محبوبترین موتورهای جست و جو و به مانند یک دایرةالمعارف جهانی وبی مرز است، اخیراً در مباحث هوش مصنوعی نیز محصولات جدیدی را معرفی کرده و البته نتیجه کار با علامت سؤال مواجه شده است

مداخله هوش مصنوعی یا فرمان انسان

تعليق هويت سازي كذب در گوگل چه پيامي دارد؟

پس از اینکه مشخص شد ابزار هوش مصنوعی Gemini گوگل تصاویر تاریخی نادرستی تولید می کند، گول فناوری اعلام کرد که امکان تولید تصاویر افراد توسط آن را متوقف می کند.

گوگل یکی از محبوبترین موتورهای جست و جو و به مانند یک دایرةالمعارف جهانی وبی مرز است، اخیراً در مباحث هوش مصنوعی نیز محصولات جدیدی را معرفی کرده و البته نتیجه کار با علامت سؤال مواجه شده است. این مجموعه به منظور رقابت با مایکروسافت و چت جی پی تی، سال گذشته ربات چت هوش مصنوعی Bard را منتشر کرد. از قضا این شرکت در یک ویدیوی تبلیغاتی، اطلاعات نادرستی در مورد تصاویر سیاره ای که خارج از منظومه شمسی بود ارائه کرد و باعث کاهش ۹ درصدی سهام آن شد.

اما در ادامه کاربران جمینی با همان Bard سابق در هفته های گذشته اسکرین شات هایی از صحنه های تاریخی تحت تسلط سفیدپوستان با شخصیت های نژادی متفاوت در شبکه های اجتماعی منتشر کردند. به گفته آنها این هوش مصنوعی این کاراکترها را ایجاد کرده است. همین امر سبب شد منتقدان سؤالاتی را درباره اینکه شرکت بیش از حد تبعیض نژادی را در مدل هوش مصنوعی خود اصلاح می کند یا خیر، مطرح کنند.

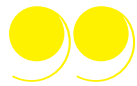
گوگل در بیانیه خود که در ایکس منتشر شده است، می گوید: «ما در حال تلاش برای رفع مشکلات اخیر مربوط به ویژگی تولید تصویر Gemini هستیم. در طول این امر، ما امکان تولید تصویر افراد را متوقف می کنیم و نسخه بهبود یافته را بزودی منتشر خواهیم کرد.»

هر چند گوگل بدلیل نادرستی برخی تصاویر تاریخی تولید شده توسط مدل هوش مصنوعی Gemini از کاربران عذرخواهی کرده است اما دلیل تعلیق در تولید تصاویر، به درخواست برخی کاربران مربوط می شود که در آن خواسته بودند تصویری از یک گروه تاریخی یا شخصیت هایی مانند «پدران بنیان گذار ایالات متحده آمریکا» طراحی کند. تصویر تولید شده توسط هوش مصنوعی گوگل فاقد فرد غیرسفید پوست بوده است و همین موجب پیدایش نظرات تئوری توطئه در شبکه اجتماعی شده است که گوگل بطور عمدی از نمایش افراد غیرسفید پوست اجتناب می کند. با وجود این ادعا، نشریه ورج روز گذشته در گزارش خود چندین دستور از جمله «سناتور امریکایی دهه ۱۸۰۰» را برای Gemini مطرح کرده است و در نتایج آن زنان سیاهپوست و بومی امریکایی نیز دیده می شود. در حال حاضر که روند ساخت تصویر اشخاص توسط Gemini متوقف شده است، هوش مصنوعی گوگل هنگام انجام این کار پیام زیر را به کاربران نشان می دهد: «اما در تلاش هستیم تا توانایی Gemini برای تولید تصاویر افراد را بهبود بخشیم. ما انتظار داریم این ویژگی بزودی بازگردد و این موضوع را در یادداشت های بروزرسانی به شما اطلاع خواهیم داد.»

جک کراچیک، مدیر ارشد محصولات جمینی نیز اعلام کرده است که زمینه های تاریخی، جزئیات ظریف تری دارند و ما برای تطبیق بیشتر با آن تلاش خواهیم کرد.



گوگل در بیانیه خود که در ایکس منتشر شده است، می گوید: «ما در حال تلاش برای رفع مشکلات اخیر مربوط به ویژگی تولید تصویر Gemini هستیم. در طول این امر، ما امکان تولید تصویر افراد را متوقف می کنیم و نسخه بهبود یافته را بزودی منتشر خواهیم کرد»



از آدامس خروس نشان تا سس گوجه مترو

ونوس بهنود
دبیر تحریریه

فعلان تبلیغات کسی را موفق می دانند که بتواند با اقناع مشتری کولر را در زمستان و بخاری را در تابستان بفروشد. اما داستان تبلیغات در جامعه کنونی ماقدری متفاوت است.

مثال دستمال کاغذی می خربم دو یا سه برند شناخته شده است که از بین آنها انتخاب می کنیم و حتی بین این برندها نیز تفاوت چندانی وجود ندارد. اما حوزه مورد غفلت در این محدودیت فناوری، استفاده از ظرفیت رسانه است. شاید شما نمونه آگهی های تبلیغاتی جذاب دهه ۵۰ و ۶۰ را در جرابید دیده باشید. یا حتی در تلویزیون آگهی هایی منتشر می شد که نه تنها دور از واقعیت زندگی مردم نبود بلکه جنبه کمک به بهبود رفاه عموم مردم را در برداشت. امروز تبلیغات در رسانه چه تلویزیون، چه محیط شهری و چه مطبوعات باورپذیری خود را از دست داده است و هیچ بزرگواری نیامده تحقیق کند که به چه دلیل مردم وقتی ادعای یک پیام تبلیغی را می شنوند آن را به مسخره می گیرند و اگر از همان کالا به صورت رایگان هدیه بگیرند، مصرف می کنند. امکانات امروز برای تبلیغ و معرفی در گذشته وجود نداشت و این حجم از توسعه شهری، روزنامه های متعدد، کانال های متعدد تلویزیونی و رادیویی در اختیار نبود. مجموع این شرایط موجب شده تا بسیاری از خرده فروش ها تبلیغات خود را به دست مخاطب بچسبانند و او را از طریق گوشی همراه خود مجبور به دیدن و شنیدن سازند. امروز کسب و کارهای خرد بیشتر در شبکه های اجتماعی معرفی می شوند و این در حالی است که اساساً نهاد حامی تولید شبکه های اجتماعی آن ور آبی را به عنوان گزینه معتبر نمی شناسد. ما در تبلیغات هنوز در مرحله وسوسه بسته رایگان ایستاده ایم و جامعه نمی رود و به تمایز محصول را بخواند، آگاهانه و با فکر مصرف کند و با تولیدکننده تبادل نظر داشته باشد. جاده تبلیغ هنوز یک طرفه و بیشتر تب دار و هزینه محور است تا سازنده.

حتماً شما هم تبلیغ انواع سس را در قطارهای مترو دیده اید. طرف های کوچکی که در حفاظ پلاستیکی پرس شده و در طول قطار از سقف آویزان است. مردم می پرسند: «یعنی سس واقعی توی این ظرف هاست یا فقط آب و رنگه؟ اگر سس واقعی باشه شاید یکی برش داره و تازه یه چند تا از این حفاظارو شکستن و سس داخلشو برداشتن.»

این مکالمه کوتاه موضوع تبلیغات را یکسره می کند. هر چند محیط شهری بهترین فرصت تبلیغات بویژه برای کالاهای مصرفی است اما اغلب شهروندان از تبلیغاتی که بسته های هدیه رایگان دارد بیش از سایر موارد استقبال می کنند. آن هم نه با هدف بررسی کالا و مطالعه بسته بندی و مشخصات آن و احصای وجوه تمایز بلکه به دلیل اینکه رایگان است و برای دریافت آن لازم نیست پولی بپردازند. سس های گوجه مترو هم به همین ترتیب است. وسوسه ای از یک ظرف سس رایگان که کافی است حفاظ پلاستیکی آن شکسته شده و برداشته شود.

پس اگر تبلیغات بی نتیجه و بیشتر تولید هزینه است، مردم چطور کالایی را انتخاب و خریداری می کنند؟ برای پاسخ به این سؤال از خودتان بپرسید چطور یک شامپوی خاص یا پفک خاص را انتخاب کردید؟ بخشی از انتخاب ها از طریق وسوسه تخفیفات و بسته های هدیه به وجود آمده و برخی نیز عوامل دیگری مانند تمایز محصول، بسته بندی های مناسب تر، ارتقای محصول قبلی، قیمت ارزان تر، انتخاب به دلیل جدید بودن کالا و تبلیغ دهان به دهان به وجود می آید. از طرفی در بسیاری از محصولات تولیدی ما با حجم قابل توجهی از برندها مواجه نیستیم بنابراین زمانی که به عنوان



فرهنگ



پیش از این، هر چند سال یک بار، برای بازسازی بنا بودجه‌ای اختصاص می‌دادند اما از سال ۱۴۰۱ این بودجه به حدی اندک است که کفاف بازسازی را نمی‌دهد. ۵ هزار و ۴۰۰ متر بنا داریم که نمی‌توانیم با ۳ تانهایت ۵ میلیارد تومان در سال، نسبت به نگهداری آن اقدام کنیم. آن هم در وضعیتی که بخش‌های مختلف بنا، نیازمند رسیدگی است

وضعیت حریم تئاتر شهر به کجا رسید؟

ونوس بهنود
روزنامه نگار

که معماری تماشاخانه‌های ایرانی را در ذهن تداعی می‌کند. ویژگی مهم دیگر تئاتر شهر در پلان دایره‌ای شکل آن است. این پلان ترکیبی از معماری یونان باستان و روم باستان و بناهای مربوط به نمایش نظیر پانتئون و کولوسئوم است. تنها سالن اصلی آن گنجایش ۵۷۹ نفر را دارد و در طول دهه‌ها اجراهای فاخر بسیاری را به خود دیده است. در آغاز تئاتر شهر و اجرای تئاترها تحت سرپرستی سازمان جشن هنر شیراز بود ولی پس از چندی به سازمان رادیو و تلویزیون ملی ایران واگذار شد. سپس تحت نظارت اداره فرهنگ قرار گرفت و پس از انقلاب اسلامی نیز وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی سرپرستی آن را بر عهده گرفت. این روزها وضعیت و خیم این ساختمان به نمادی از نوع نگاه به مقوله فرهنگ تبدیل شده است. سید محمد جواد طاهری مدیر این مجموعه در گفت‌وگو با «ایران جمعه» آخرین وضعیت این بنای فرهنگی و تمامی اقدامات ساماندهی آن از حرف تا عمل را تشریح کرد:

تئاتر شهر که از آن با عنوان بزرگ‌ترین مجموعه نمایش تئاتر ایران یاد می‌شود این روزها به واسطه فقر اعتباری نه تنها حال وخیمی دارد بلکه از توانمندی خود نیز قادر به درمان زخم تعمیر و نگهداری نیست. تئاتر شهر در دوران محمدرضا پهلوی و به ابتکار همسرش فرح در شهر تهران ساخته شد. این ساختمان در محلی که پیش‌تر کافه شهرداری (کافه بلدیه) خوانده می‌شد و عصر پنجشنبه و جمعه‌ها بازی سازان، نمایشگران، سیرک بازان و معرکه‌گیران جمع می‌شدند تا از هنرنمایی آن‌ها، تهرانی‌ها اوقات فراغت خود را پر کنند با نظارت مهندسی علی سردارافخمی از شاگردان هوشنگ سیحون در طول پنج سال ساخته شد و در سال ۱۳۵۱ گشایش یافت. این مجموعه در روز شنبه هفتم بهمن ۱۳۵۱ با روی صحنه رفتن نمایش باغ آلبالو نوشته آنتون چخوف و به کارگردانی آربی اوانسیان به عنوان مدرن‌ترین سالن تئاتر تهران افتتاح شد. ساختمانی مدور و خیمه‌گونه

کجا رسیده است؟ به نظرمی‌رسد با وجود تأکید به ممانعت از فعالیت دستفروش‌ها، همچنان فعالیت آنها اطراف بنا ادامه دارد؟ در خصوص ساماندهی دستفروش‌ها به شهرداری نقد داریم و هر چند در ساخت دیوار موقت همکاری خوبی داشتند اما همچنان در بخشی از ضلع غربی فعالیت دستفروش‌ها ادامه دارد. قرار بود در کوچه «سرمه» زمینی برای ساماندهی دستفروشان اختصاص یابد و بازارچه‌ای جهت فعالیت آنها راه‌اندازی شود اما در وضعیت فعلی شهرداری یا به دلیل نزدیکی به ایام نوروز یا فعالیت دستفروش‌ها مماشات دارد و یا اینکه هنوز ساخت بازارچه خاتمه نیافته است. قرار است با ساماندهی، شهروندان شاهد چه تحولی در پیرامون این بنای تاریخی و فرهنگی باشند؟

این دیدگاه وجود دارد که قرار است با ساماندهی، ورود و خروج شهروندان کنترل شود. لازم به ذکر است که ساماندهی به این معنی نیست که تردد شهروندان در پیرامون بنا محدود کند؛ بلکه در مقابل انتظار می‌رود فضای امنی در کنار این محیط فرهنگی فراهم شود تا افراد بزهکار نتوانند فعالیت داشته و برای مردم، آزاری به دنبال داشته باشند. منظور شما از بزه، ساماندهی وضعیت

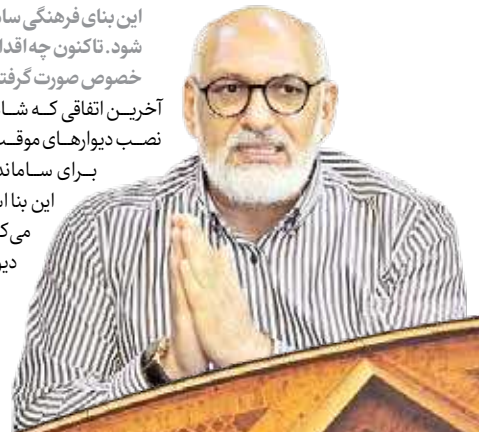
و صرفاً جهت عملیات ساختمانی است. اما واقعیت این است که اجرای طرح ساماندهی نیازمند اختصاص اعتبار جداگانه‌ای است و به نظرمی‌رسد سرعت پایین اجرای آن به دلیل بودجه کم است.

آیا در ساماندهی، شورای شهر و شهرداری عهده‌دار تأمین مالی شده است یا وزارت ارشاد؟ طبق توافق وزیر ارشاد و شهردار تهران، قرار است هزینه از سوی خود وزارت تأمین شود و شهرداری صرفاً امور اجرایی را بر عهده بگیرد. در اجرای دیوارهای کارگاهی همکاری خوبی از سوی شهرداری دیدیم و حمایت معنوی شورای شهر نیز قابل تقدیر است اما بهتر بود شهرداری و شورای شهر نیز گوشه‌ای از تأمین مالی کار را بر عهده بگیرند که البته عملاً چنین توافقی صورت نگرفته است.

ساماندهی دستفروش‌ها به

طبق صحبت‌هایی که از سوی مدیران شهرداری، شورای شهر تهران و وزارت ارشاد شنیده می‌شود، قرار بود حریم و عرصه این بنای فرهنگی ساماندهی شود. تاکنون چه اقدامی در این خصوص صورت گرفته است؟

آخرین اتفاقی که شاهد آن بودیم نصب دیوارهای موقت و کارگاهی برای ساماندهی حریم این بنا است. تأکید می‌کنم که این دیوارها موقت



پارک دانشجو است؟

خیر. قبل از انقلاب تئاتر شهر مانند هر بنای دیگری عرصه یا حیاطی داشت. در زمان آقای کرباسچی که طرح برداشتن زرده‌های بوستان‌ها اجرا شد، به اشتباه زرده‌های تئاتر شهر را برداشتند و در حریم این بنا حتی مترو ساختند. این درحالی است که تأکید ما بازگشت مالکیت حریم است تا طبق مصوبه میراث فرهنگی، محدوده حیاط تئاتر شهر به این بنا مشخص شده و بازگردد. برای ورود و خروج مردم نیز صرفاً دغدغه ما این است که امنیت افراد تأمین شود تا شهروندانی که پیرامون بنا سکونت دارند یا خانواده‌ها و افراد دیگری که تئاتر نمی‌روند اما علاقه‌مند به استفاده از فضای پیرامون بنا هستند، بدون دغدغه بتوانند تردد کنند. بحث پارک دانشجو جدا است. اینکه نیم‌قرن از عمر این بنا می‌گذرد و ما همچنان شاهد آسیب‌هایی مانند آتش روشن کردن، یادگاری نوشتن روی در و دیوار بنا و دزدیدن دستگیره‌های درهای آن هستیم، باعث تأسف است.

به نظرمی‌رسد همین قدمتی که برای بنا اشاره کردید کار نگهداری را سخت کرده و داخل ساختمان نیز نیازمند تعمیر است. موانع اجرای این مهم را بفرمایید.

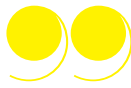
پیش از این، هر چند سال یک بار، برای بازسازی بنا بودجه‌ای اختصاص می‌دادند اما در سال‌های اخیر این بودجه به حدی اندک است که کفاف بازسازی را نمی‌دهد. ۵ هزار و ۴۰۰ متر بنا داریم که نمی‌توانیم با ۳ تانهایت ۵ میلیارد تومان در سال، نسبت به نگهداری آن اقدام کنیم. آن هم در وضعیتی که بخش‌های مختلف بنا، نیازمند رسیدگی است. به عنوان مثال، سقف‌های کاذب زیر سالن اصلی یا بک استیج که اتاق‌های فنی و گرمی را شامل می‌شود ناامن بوده و احتمال آتش‌سوزی دارد. اما این مبالغه‌ای که به دست ما می‌رسد با این وضعیت توری، دست ما را بسته است. دیگر بخاری که برای سرمایش و گرمایش

برخی اجراهای ما ۱۵ و برخی ۳۰ بار است. برای سالن اصلی تا ۴۰ بار هم اجرا داشتیم. بر همین اساس در صورتی که سالن‌های بک باکس دو نمایش در دو سانس متفاوت داشته باشند، ما سالانه بالغ بر ۳۵ نمایش در این سالن داریم.

از سال ۱۴۰۱ با هدف حمایت خیل کثیری از دانشجویان تئاتر در سالن‌های چارسو، قشقایی و سایه دوا اجرا تعریف شده است که اگر این تعداد اجرا نباشد، سالانه رقم اجراها کاهش می‌یابد. این اقدام موجب شد گردش مالی مجموعه با افزایش مواجه شود و در نزدیک به یک سال دوم‌ماه اخیر ۲۰ میلیارد تومان گردش مالی داشتیم. این رقم به حساب مرکز هنرهای نمایشی واریز می‌شود و مجموعه تئاتر شهر حساب مالی مستقلی ندارد. اما آنچه انتظار ماست این است که طبق توافق باید ۲۰ درصد از این رقم به سالن برگردد که عملاً کل این رقم بر نمی‌گردد. در واقع مرکز هنرهای نمایشی سالانه تنخواهی برای ما در نظرمی‌گیرد و عملاً این مجموعه با کمبود مالی مواجه است.

پیش از این، هر چند سال یک بار، برای بازسازی بنا بودجه‌ای اختصاص می‌دادند اما در سال‌های اخیر این بودجه به حدی اندک است که کفاف بازسازی را نمی‌دهد. ۵ هزار و ۴۰۰ متر بنا داریم که نمی‌توانیم با ۳ تانهایت ۵ میلیارد تومان در سال، نسبت به نگهداری آن اقدام کنیم. آن هم در وضعیتی که بخش‌های مختلف بنا، نیازمند رسیدگی است. به عنوان مثال، سقف‌های کاذب زیر سالن اصلی یا بک استیج که اتاق‌های فنی و گرمی را شامل می‌شود ناامن بوده و احتمال آتش‌سوزی دارد. اما این مبالغه‌ای که به دست ما می‌رسد با این وضعیت توری، دست ما را بسته است. دیگر بخاری که برای سرمایش و گرمایش

متأسفانه کتابهای دفاع مقدس در زیرشاخه های درست ساماندهی نمی شوند و مامشکل جدی در کتاب شناسی داریم. مثلاً عنوان با اطلاعات فیپا و یا عنوان با محتوای کتاب همخوان نیست



نگاهی به جایزه ۲۱ ساله کتاب دفاع مقدس بی پولی ناشران یا غربت کتاب دفاع مقدس؟

ادبیات و تاریخ دفاع مقدس درباره اقداماتی برای بالا بردن کیفیت کتاب های این حوزه گفت: نگاهی که در سازمان بوده، ابتدا بر افزایش کیفیت استوار بوده و تشکیل دبیرخانه کتاب سال دفاع مقدس و انتخاب نصرت الله صمدزاده هم در همین راستا است.

بهترین کتاب سال دفاع مقدس یکی از مهم ترین رویدادهای فرهنگی است که در ایستگاه بیست و یکم خود ایستاده و از قضا همچنان از سوی متولیان، نویسندگان و اهالی ادب و هنر کیفی سازی آن مورد تأکید است. تا جایی که مهدی امیریان، رئیس سازمان

بیست و یکمین دوره جشنواره انتخاب بهترین کتاب سال دفاع مقدس در حالی با تلاش برای جبران ضعف های دوره های قبل همراه بود که هنوز بسیاری از ناشران و نویسندگان را با ۲۱ سال سابقه فعالیت با خود همراه نکرده است. جشنواره، انتخاب



قاسمی پور: قبلاً این انتقاد وارد بود که داوری ها بر اساس آشنایی و رفاقت انتخاب می شود و با توجه به اینکه جامعه فعال ادبیات دفاع مقدس مشخص و چهره های سرشناس نیز کاملاً معلوم است، این نظر وجود داشت که مثلاً فلان افراد در چند دوره داوری دیده شده اند و فهرست ها یا گرایش ها تکرار می شود

شهرستان ها تأکید کرد که بعد از مطالعه کتاب به وی بازگردانده شود. امسال جشنواره برای دریافت آثار تا یک ماه هم تمدید شد چرا که بسیاری از کارهای شاخص نرسیده بود.

مشکل سبک شناسی در ادبیات دفاع مقدس جدی است

این نویسنده یکی از مشکلات کیفی کتب واصله را قالب شناسی و سبک شناسی عنوان کرد و افزود: متأسفانه کتاب های دفاع مقدس در زیرشاخه های درست ساماندهی نمی شوند و ما مشکل جدی در قالب شناسی داریم. مثلاً عنوان کتاب با اطلاعات فیپا و یا عنوان با محتوای کتاب همخوان نیست. وی افزود: مشکل دیگر سبک است. به عنوان مثال، کتابی که تحت عنوان خاطره به دست ما رسیده از اواسط کتاب به زندگینامه تبدیل شده یا برخی کتاب های یادنامه ای که از کنگره تکریم و بزرگداشت شهدا تدوین می شود، قالب مناسبی ندارد. این در حالی است که چنین کتبی نباید شکل مجله به خود بگیرد. محقق ادبیات دفاع مقدس معتقد است چنین روندی داوری کتب را با مشکل مواجه می کند و انتظار می رود ناشران به جای تعجیل در چاپ کتب نسبت به استاندارد سازی کتاب ها اقدام کنند و کیفیت تولیدات خود را ارتقا دهند.



ناشران داشتیم، این طور عنوان می کردند که به دلیل هزینه بالای چاپ کتاب، قادر به ارسال نسخ آن به دبیرخانه نیستند. به گفته قاسمی پور، برای حل این مشکل حتی دریافت امانی کتاب و دریافت یک نسخه به جای دویا سه نسخه مطرح شد تا بتوانیم مشکل مشارکت را حل کنیم، اما در عین حال لازم است که ناشران نیز در دوره های بعد، جشنواره را در مراحل تولید و نشر خود گنجانده و نسبت به شرکت در آن برنامه ریزی کنند. وی تصریح کرد: حتی موارد مشابه از سوی نویسندگان نیز دیده می شد و به عنوان مثال نویسندگانی از یکی از

دیدگاه و همچنین مستقل بودن در این دوره از جشنواره بر انتخاب داوران سایه انداخته و اقدام بسزایی است. به گفته فعال ادبیات دفاع مقدس حتی برای اولین بار از اساتید دانشگاهی که در تدریس ادبیات، خاطره نگاری و دفاع مقدس در دانشگاه ها فعالیت دارند، دعوت به عمل آمد که این اقدام می تواند منجر به توسعه جشنواره و رونق آن در دانشگاه ها شود و به دلیل ارتباط اساتید با دانشجویان منجر به شناساندن هرچه بیشتر آن خواهد شد. قاسمی پور به استقبال اساتید دانشگاهی از مشارکت شان در جشنواره اشاره کرد و افزود: در عین حال در ساماندهی گروه های مختلف جشنواره نیز شاهد تنوع و استفاده از دیدگاه های جدید بودیم.

برخی ناشران از ارسال کتاب خود داری می کردند

در عین حال سرداور گروه مستند نگاری جشنواره انتخاب بهترین کتاب سال دفاع مقدس یکی از مشکلات جشنواره را فقر حضور ناشران عنوان کرد و گفت: نویسندگانی که بیش از ناشران از جشنواره استقبال می کنند. وی با اشاره به کم اطلاعی برخی ناشران و ضعف تبلیغ ها از سوی دبیرخانه جشنواره گفت: در صحبتی که با برخی

کتاب را بررسی کردیم، اعمال نظر و اعمال سیاستی به معنی منفی کلمه ندیدم. وی با اشاره به اینکه سازمان برگزارکننده از نقطه نظرات اهالی فن و داوران استقبال می کرد، اضافه کرد: حتی در بحث داوری خود را کنار کشیدند و فضایی برای نقطه نظرات اصولی فراهم شد.

استاندارد سازی داوری در این دوره

قاسمی پور یکی از تمایزات این دوره جشنواره را بحث استاندارد سازی داوری عنوان کرد و افزود: قبلاً این انتقاد وارد بود که داوری ها بر اساس آشنایی و رفاقت انتخاب می شود و با توجه به اینکه جامعه فعال ادبیات دفاع مقدس مشخص و چهره های سرشناس نیز کاملاً معلوم است، این نظر وجود داشت که مثلاً فلان افراد در چند دوره داوری دیده شده اند و فهرست ها یا گرایش ها تکرار می شود.

وی با اذعان به اینکه در این دوره، تیم های داوری با لحاظ کردن تمامی ایرادات و اشکالات وارده در دوره های قبل شکل گرفت، ادامه داد: این بار روند انتخاب داوران تغییر کرد و حتی اگر داوران قبلی افراد مقبولی بودند، بر اساس یک چهارچوب مشخص تر داوران این دوره انتخاب شدند. این نویسنده با بیان اینکه تعیین داوران با نگرش های مختلف اقدام قابل توجهی بود، متذکر شد: تنوع

وی افزود: گروه هایی که از نخست در دبیرخانه انتخاب کتاب سال دفاع مقدس تشکیل شده، نگاه کیفی به آثار دفاع مقدس است. نه تنها در دبیرخانه بلکه این نگاه کلی در تولید همه آثار در بنیاد حفظ آثار ساری و جاری است. ما به عنوان سازمان تخصصی متولی این هستیم که بتوانیم این اصل، ارتقای محتوا و کیفیت کتب دفاع مقدس را در این سازمان تخصصی دنبال کنیم. تمام جشنواره هایی که در سازمان برگزار می شود اعم از جایزه کتاب سال، جایزه شعر، جایزه یوسف و... جزو سیاست های سازمان ادبیات و تاریخ دفاع مقدس است که هدف ارتقای کیفیت آثار است و البته کیفیت سنجی وجود دارد.

این جشنواره، شش گروه اصلی شامل گروه پژوهش، گروه مرجع نگاری، گروه مستند نگاری، ادبیات، هنرها و کودک و نوجوان دارد که در بیست و شش شاخه سازماندهی شد و سه گروه جنبی ترجمه، خادمان نشر و بخش ویژه نیز برای آن پیش بینی شده است. طبق اعلام دبیرخانه در مجموع برگزیدگان ۱۸ کتاب از دو هزار و دو عنوان برگزیده و ۴۶ کتاب تقدیری و همچنین ۶۰ کتاب به همراه ناشر، خبرنگار و کتابدار برتر در این دوره معرفی شدند. به منظور بررسی وضعیت فعلی جشنواره و ترسیم مسیر راه، دوره های بعد از زبان یکی از نویسندگان و محققان حوزه ادبیات دفاع مقدس و سرداور گروه مستند نگاری جشنواره، محمد قاسمی پور گفت وگویی داشتیم تا خوانندگان «ایران جمعه» با آخرین وضعیت جشنواره مطلع شوند.

دخالت و نفوذی در انتخاب آثار نداریم

وی با اشاره به اینکه یکی از مهم ترین اتهام ها به جشنواره های این چنینی این است که در انتخاب کتب دخالت دولت وجود دارد و اینکه مثلاً در اعمال نظرها نفوذی صورت می گیرد، تصریح کرد: بنده چند دوره در این جشنواره داور و سرداور بودم و امسال که گستردگی آثار بیشتر بود و فقط در بخش مستند هزار و ۷۳



نگاهی به واکنش هنرمندان نسبت به وقایع غزه غزه و غیرت به جوش آمده هنرمندان جهان

مریم اسدزاده
پژوهشگر و نویسنده

در شرایطی که بعد از بارها و توی لایحه‌های فوری برای توقف جنگ در غزه از سوی امریکا باعث شده که دیگر امیدهای سازمان‌های جهانی برای نجات ملت مسلمان فلسطین در غزه وجود نداشته باشد، هنرمندان غربی غیورتر از سیاستمداران‌شان عمل می‌کنند. در مطلب پیش رو نگاهی اجمالی داریم به فعالیت هنرمندان در جدیدترین مراسم مهم هنری و بازخوردشان نسبت به سیاست‌های جامعه جهانی در قبال موضوع فلسطین و نسل‌کشی در غزه.

فلسطینی‌ها، بلکه برای ساکت کردن اسرائیلی‌هایی مانند من است که از آتش بسی که به کشتار غزه پایان می‌دهد و اجازه آزادی گروگان‌های اسرائیلی را فراهم می‌کند، حمایت می‌کنند. آنها با استفاده نابجا از کلمه یهودی ستیزی که معنادار است، جان یهودیان را در سراسر جهان به خطر می‌اندازند. «سرزمین دیگری نیست» درباره تلاش‌های رژیم صهیونیستی برای اخراج فلسطینی‌ها در ماسافر یاتا، روستایی در کرانه باختری اشغالی است. این مستند در بخش جنبی پانورامای برلین به نمایش درآمد و جایزه بهترین فیلم مستند راز سوی تماشاگران دریافت کرد. بازل آدرادیکر کارگردان این مستند که فلسطینی است در کنار آبراهام در مراسم اختتامیه برلیناله از افراد قدرتمند آن جمع خواستند که خواستار آتش‌بس در غزه و توقف اشغال کرانه باختری توسط رژیم صهیونیستی شوند.

با اینکه دو مورد آخر بیشتر نگران جان یهودیان بودند تا ملت فلسطین اما همین که حس بشردوستی خود را بدون ریا ابراز کردند قابل احترام است، اما متأسفانه به قول آن خبرنگار فلسطینی که در توثیقی نوشته بود: «به خدای بزرگ قسم می‌خورم که مردم از گرسنگی در غزه در خیابان‌ها افتاده‌اند. تعداد کشته‌های بی‌گناه فلسطینی ۳۰ هزار رارد کرد و توحش و آوارتاید و جنایت هنوز ادامه دارد و جامعه روشنفکری در ایران هنوز در سکوت مرگبارش دست و پایی زند که نکند در یک موضع با جمهوری اسلامی هم‌نظر شود. چه عاقبت هولناکی»، هنوز اغلب هنرمندان مسلمان شرقی چنین غیرت و انسانیتی را از خود نشان نداده‌اند.



مستند «سرزمین دیگری نیست»، یعنی یووال آبراهام و بازل آدراد، هنگامی که برای اهدای جوایز در مراسم اختتامیه در کاخ برلیناله پس از برنده شدن جایزه بهترین مستند برای فیلم‌شان روی صحنه رفته بودند، به جنگ در غزه اعتراض کردند. اما این اعتراض برای گوینده آن یعنی یووال آبراهام تبعات سختی در پی داشت. آبراهام در پستی در ایکس (توییتر سابق) نوشت که تهدید به مرگ و مجبور به لغو پرواز خود به اسرائیل شده است. آبراهام نوشت: «این پس از آن اتفاق افتاد که رسانه‌های اسرائیلی و سیاستمداران آلمانی سخنرانی مرادر مراسم اختتامیه برلیناله که در آن خواهان برابری بین اسرائیلی‌ها و فلسطینی‌ها، آتش‌بس و پایان آوارتاید بودم، «یهودستیزی» نامیدند. وی افزود: سوءاستفاده وحشتناک آلمانی‌ها از این کلمه، نه تنها برای ساکت کردن

تجمعی اعتراضی برگزار کردند و در شعارهای خود خواستار آتش‌بس در غزه شدند. براساس گزارش نشریه انگلیسی گاردین، این گروه از معترضان تحت عنوان «صدای یهود برای صلح» فعالیت می‌کنند. هانتر شیفر و صدها معترض دیگر با پوشیدن تیشرت‌های مشکی حاوی شعار «آتش‌بس فوری»، «به اسم ما نه» و «غزه باید زنده بماند» شعار سردادند. با توجه به تصاویر منتشر شده، شیفر با خطاب قرار دادن بایدن، پلاکاردی در دست گرفته بود که روی آن نوشته شده بود: «یهودی‌ها به بایدن: از تجهیز نسل‌کشی دست بکش». البته مبنای این شعار، اعتراض یهودی‌ها به جنایات رژیم صهیونیستی به بهانه محافظت از افراد یهودی است. و اما مورد آخر، وقتی است که صهیونیست‌ها حتی به هم‌کیشان خود هم رحم نمی‌کنند دو کارگردان از چهار کارگردان فیلم

اهدا کند، فرد معترضی شروع به فریاد زدن کرد و با بلندگو، شعاری ضد صهیونیستی داد. این موضوع باعث ایجاد هرج و مرج در بین حاضران مراسم شد، البته بسیاری از هنرمندان از اعتراض این فرد استقبال کردند و هنگام دریافت جوایز و یا اهدای جوایز به هنرمندان دیگر گفتند: این فرد در حال استفاده از حق خود برای آزادی بیان است. حضار نیز با فریاد «آتش‌بس فوری! غزه را آزاد کنید» خواستار آتش‌بس فوری در جنگ غزه شدند و برای حمایت از مردم فلسطین، اقدام فرد معترض و هنرمندان روی سن را تأیید کردند.

مورد سوم

دستگیری هانتر شیفر بازیگر سریال ایفوریاست که همزمان با ورود جو بایدن به ساختمان مرکزی شبکه ان بی سی در منتهن، روی داد. شیفر و صدها معترض یهودی دیگر،

خرید انسانیت در بازار فیلم برلیناله

با بازار EFM در حاشیه جشنواره برلین آغاز می‌کنیم، جایی که هر ساله سانس‌های بی‌شماری از محصولات مختلف رسانه‌ای اعم از فیلم و سریال و انیمیشن برای بازدیدکنندگان پخش می‌شود تا آنها اثر مورد نظر خود را دیده و پسندیده و برای کشورشان بخرند. اینجا مکانی مناسب برای اثرگذاری است و عده‌ای از هنرمندان روی پله‌های جلوی ساختمان اصلی اکران فیلم‌ها با لباس‌های قرمز به رنگ خون و پلاکاردی که روی آن نوشته بودند «به فرش قرمز خوش آمدید» دراز کشیدند و از پنجره‌های ساختمان هم بنرهای طرفداری از مردم فلسطین را آویزان کردند.

دنیس رو، مدیر بازار فیلم اروپایی (EFM) که امسال برای آخرین بار در این سمت بود، در این باره گفت: ۲۰ نفری که در این اقدام شرکت کردند، همگی دارای کارت معتبر و افراد وابسته به مراسم بودند و شرکت‌کنندگان در بازار هم با شعار دادن خود به معترضان پیوستند و با مردم غزه ابراز همدردی کردند. این تجمع پس از حدود ۱۵ دقیقه متوقف شد و هیچ خطریا مزاحمتی برای غرفه‌داران ایجاد نشد.

تشویق فلسطین به جای برنده جشنواره

مورد بعدی سی و نهمین مراسم اهدای جشنواره ایند پیندنت اسپریت بریتانیا بود که با اعتراض حامیان فلسطین و شعارهای ضد صهیونیستی دچار اختلال شد. براساس گزارش ویرایتی، هنگامی که جیم گافیگان بازیگر آمریکایی، خواست تا جایزه بهترین فیلم را



هنگامی که

جیم گافیگان

بازیگر آمریکایی،

خواست تا جایزه

بهترین فیلم را

اهدا کند، فرد

معترضی شروع به

فریاد زدن کرد و با

بلندگو، شعاری

ضد صهیونیستی

داد. این موضوع

باعث ایجاد هرج

و مرج در بین

حاضران مراسم

شد، البته بسیاری

از هنرمندان

از اعتراض این

فرد استقبال

کردند و هنگام

دریافت جوایز و یا

اهدای جوایز به

هنرمندان دیگر

گفتند: این فرد

در حال استفاده

از حق خود برای

آزادی بیان است





علی ثقفی، نویسنده و کارگردان فیلم پرویزخان سوژه ای جوان پسند را انتخاب کرده است که قطعاً موفقیت در گیشه را هم برایش به ارمغان خواهد آورد

نگاهی به فیلم های منتخب اکران های نوروزی

گیشه ای مناسب سفره افطار یا هفت سین!

مریم اسدزاده
پژوهشگر و نویسنده

فیلم های «تمساح خونی»، «بی بدن»، «آسمان غرب»، «پرویزخان»، «آپاراتچی»، «نوروز»، «ایلیا در جست و جوی قهرمان» به عنوان فیلم های اکران نوروز انتخاب شدند. هر هفت فیلم اعلام شده در جشنواره چهل و دوم حضور داشته و جوایزی را نیز به دست آوردند. اکران نوروز یکی از مهم ترین زمان ها برای جذب مخاطب و فروش بالا و موفقیت در گیشه را برای سینماگران به همراه دارد. اما باید دید فیلم های منتخب حائز شرایط جذب مخاطب هستند یا خیر؟!



عمونوروز و حاجی فیروز، اما...

فیلم «نوروز» با اینکه باید برای نوروز مناسب باشد اما سهیل موفق نویسنده و کارگردان فیلم آنقدر اسپرینکات فرامتنی فیلم شده است که فراموش کرده ریتم فیلمش نباید مونتون باشد و مخاطب کودک را خسته کند، حتی ترانه های علی نصیریان در نقش عمونوروز و مهدی هاشمی در نقش حاجی فیروز هم به فیلم کمکی نمی کند. فیلم ریتم کند و داستان کشداری دارد و البته شاید این به خاطر قابل حدس بودن سرانجام داستان است. بعید است نوروز در اکران نوروزی موفق عمل کند و البته داستان فیلم برای ماه مبارک هم آورده ای ندارد زیرا اصلاً برای نقد مناسب است. مذهبی و مظلوم نمایی آیین های کهن ساخته شده است.

احتمال موفقیت سینمای کودک در اکران نوروزی!

«ایلیا در جست و جوی قهرمان» ترکیبی از فیلم و انیمیشن اما نه بصورت لایو اکشن، سید علی موسوی نژاد با دغدغه اوقات هدر رفته کودکان پای بازی های کامپیوتری، به سراغ داستان نوجوانی گیر می رود که جزو چند قهرمان برتر جهان است و این برای مخاطب کودکان و نوجوان می تواند ماجرابی خوشایند باشد. البته تبعات این مسأله هم در فیلم تبیین می شود که والدین راضی خواهد کرد. باید دید که ایلیا در جست و جوی قهرمان می تواند در گیشه موفق عمل کند یا خیر!



ترک تازی تبریزی ها روی پرده نقره ای!

«آپاراتچی» فیلمی شیرین و دلنشین به کارگردانی قربانعلی طاهر فرو نویسنده و حسین تراب نژاد، از فیلم هایی است که مخاطب راضی از سینما به منزل می فرستد. فضای صمیمی و قدیمی و لهجه شیرین ترکی، به همراه موضوعی تاریخی در بستر داستانی دراماتیک با بازی های خوب و طنازی گاه به گاه بازیگران، حتماً موفقیت در گیشه را برای تهیه کننده اثر یعنی سجاد نصراللهی به همراه خواهد داشت. بازیگران تبریزی در آپاراتچی، حسایی روی پرده جولان می دهند و قد و قواره بازیگری شان را به رخ می کشند. هر چند بازیگران شناخته شده ای هم در این اثر حضور دارند، از تورج الوند تا رضا ناجی و از هومن برق نورد تا امید روحانی، در کنار بازیگران تبریزی در فیلم حضور دارند و بازی های یکدستی را در فیلم می بینیم و اصلاً متوجه میزان شهرت و یا عدم شهرت بازیگران نمی شویم.



رضایت حتمی فوتبال دوستان!

«پرویزخان» فیلم دیگری است که برای اکران نوروزی در نظر گرفته شده است. علی ثقفی، نویسنده و کارگردان فیلم پرویزخان سوژه ای جوان پسند را انتخاب کرده است که قطعاً موفقیت در گیشه را هم برایش به ارمغان خواهد آورد. زیرا هم عرق ملی و هم فوتبال دوستی خانواده های ایرانی می عاری بودن داستان از آنچه خلاف اخلاق است مانند فیلم های طنز این روزها، باعث می شود، طیف های مختلف جامعه مخاطب این فیلم باشند.



جواد عزتی برگ برنده گیشه!

فیلم «تمساح خونی» به تهیه کنندگی کامران حجازی و کارگردانی جواد عزتی از گزینه های خوش اقبال نوروز خواهد بود. تیم بازیگران این فیلم شامل بازیگران مطرحی چون جواد عزتی، عباس جمشیدی فر، سعید آقاخانی، الناز حبیبی، بهزاد خلج و... است و قطعاً با این تیم باید منتظر فروشی درخور بود، هر چند انسجام داستان به قوت بازی ها نیست اما برای سرگرم کردن خانواده ها در ایام نوروز مناسب است، البته اگر شرط بندی، خلاف، قمار و بوکس برای خانواده های فرهنگی جذاب باشد.



اشک وآه و حسرت!

فیلم «بی بدن» به کارگردانی مرتضی علیزاده و تهیه کنندگی سید مصطفی احمدی است، فیلمنامه این اثر را کاظم دانشی نوشته است، دانشی پیش از این برای فیلمنامه علفزار، سمیرغ فجر را از آن خود کرده بود و به اصول درام جنایی آشنا است. بی بدن می تواند در اکران نوروزی صدرنشین جدول فروش باشد ولی باید مخاطب روزه دار مراقب باشد که پیش از افطار از این همه آه و اشک و حسرت، ضعف نکند!



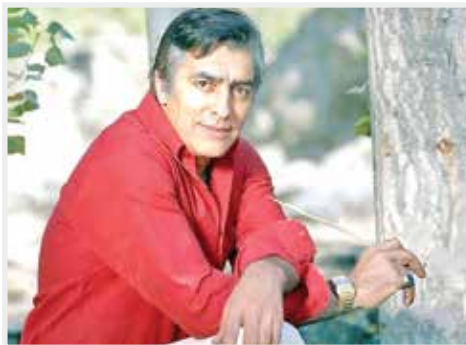
کی مرام در نقش شهید شبرودی!

«آسمان غرب» فیلمی جنگی به کارگردانی محمد عسگری و تهیه کنندگی حبیب الله والی نژاد است. میلاد کی مرام، امیرحسین آرمان و نادر فلاح جزو بازیگران این فیلم هستند. نظرها درباره این فیلم متفاوت است. طرفداران آثار دفاع مقدس می توانند برهه ای از جنگ را در این فیلم ببینند و با نقش ارتش در دفاع مقدس بیشتر آشنا شوند و مناسب با فضای ماه رمضان فیلمی تماشا کنند. اما بعید است که این فیلم با تمام امکانات و ادوات جنگی که در اختیار دارد، در گیشه موفق باشد.





برخی از بازیگران علاوه بردست‌مزد، درصدی هم از سود فروش فیلم از کمپانی سازنده اثر می‌گیرند و این درصد در هیچ کجای جهان به نیمی از سود فروش فیلم نمی‌رسد و تنها یک بازیگر در طول تاریخ بازیگری در دنیا وجود دارد که به خاطر بازی در فیلمی ۶۰ درصد از سود فیلم را دریافت می‌کرده و آن هم کسی نیست جرم‌رحوم محمدعلی فردین



نگاهی به بالاترین دستمزدهای بازیگران هالیوود

چند می‌گیری بازی کنی؟

های اکشن او را با سری فیلم‌های سریع و خشمگین می‌شناسند.

۹- نفر نهم تام هاردی، بازیگر انگلیسی هالیوود است و باز هم با دست‌مزد سالانه ۲۰ میلیون دلار برای ایفای نقش بین بازیگران پردرآمد، حضور دارد. آیا تام هاردی را در فیلم «تلقین» به کارگردانی نولان به یاد دارید؟! ۱۰- خاکین فینیکس ۲۰ میلیون دلاری هم آخرین نفر از این لیست ۱۰ نفره است. او همواره به خاطر نقش‌های منفی و سختی که ایفا می‌کند مورد تحسین سینما دوستان قرار گرفته است. قطعاً جوکر یکی از به یادماندنی‌ترین بازی‌های او است.

البته لیست‌های متفاوتی وجود دارد که از جورج کلونی و ساندرا بولاک تا دنیل رادکلیف هم در آنها وجود دارد. اما لیستی که گذشت مربوط به سال ۲۰۲۴ است.

جالب‌ترین مورد درباره بازیگران این است که برخی از آنها علاوه بردست‌مزد، درصدی هم از سود فروش فیلم از کمپانی سازنده اثر می‌گیرند و این درصد در هیچ کجای جهان به نیمی از سود فروش فیلم نمی‌رسد و تنها یک بازیگر در طول تاریخ بازیگری در دنیا وجود دارد که به خاطر بازی در فیلمی ۶۰ درصد از سود فیلم را دریافت می‌کرده و آن هم کسی نیست جرم‌رحوم محمدعلی فردین، کشتی‌گیری که بازیگر شد و در راه شناخت اصول سینما تا کارگردانی هم پیش رفت!

از نقش‌های دیده شده او در کشورمان است. ۵- دواین داگلاس جانسون با درآمد سالانه ۲۲،۵ میلیون دلار رتبه پنجم است او در سال ۲۰۰۱ با نقش ماتایوس، پادشاه عقرب در فیلم بازگشت مومیایی به سینما وارد شد و مورد جالب درباره این ورزشکار هنرپیشه شده این است که در دومین سال ورودش به سینما برای فیلم پادشاه عقرب در سال ۲۰۰۲، درآمدی معادل ۵،۵ میلیون دلار دریافت کرد و نامش در کتاب گینس به عنوان گرانتیتم-ترین بازیگر جهان ثبت شد!

۲۰ میلیون دلاری‌های غیرقابل رتبه‌بندی!

۶- بازیگر رتبه ششم رایان رینولدز است، با درآمدی معادل ۲۰ میلیون دلار در سال. او با سری فیلم‌های ددپول برای علاقه‌مندان به محصولات کمپانی مارول شناخته شده است. ۷- کریستوفر همسورت بازیگر استرالیایی هالیوود رتبه بعدی است که او هم مانند رایان رینولدز درآمد سالانه‌اش در سال ۲۰۲۴، ۲۰ میلیون دلار برآورد شده است. مخاطبان سینمای هالیوود و کمپانی مارول او را برای بازی در سری فیلم‌های تور می‌شناسند.

۸- نفر هشتم این لیست مارگ سینکلر معروف به وین دیزل است او هم با درآمد سالانه ۲۰ میلیون دلاری بین لیست ۱۰ بازیگر گرانتیتم هالیوود قرار دارد. طرفداران فیلم-

حرفه پردرآمدترین بازیگر جهان و یکی از بهترین بازیگران نسل حاضر است او برای فیلم Top Gun Maverick درآمدی بالغ بر ۱۰۰ میلیون دلار به دست آورد. البته که سری فیلم‌های مأموریت غیرممکن برای دوستان سینما یادآور این بازیگر همه فن حریف است.

۲- ویل اسمیت فرد دوم این لیست است. او با درآمد سالانه ۳۵ میلیون دلار در جایگاه دوم ایستاده است. فیلم «در جست‌وجوی خوشبختی» او را حتماً بارها از تلویزیون دیده و پسندیده‌اید.

۳- لئوناردو دی‌کاپریوی ۴۹ ساله، نفر بعدی است که با سالانه ۳۰ میلیون دلار در این لیست خودنمایی می‌کند. بازی‌های دیدنی او از کودکی تاکنون همواره باعث فروش خوب فیلم‌هایش شده و بی‌دلیل نیست که در سینمای هالیوود درآمدی ۳۰ میلیون دلاری برایش رقم خورده است، او تاکنون هشت بار در لیست ۱۰ نفر بازیگر سرشناس و پردرآمد هالیوود بوده است.

۴- رتبه چهارم جایگاه ویلیام بردلی پیت یا همان برد پیت معروف است. البته این جایگاه برای سال ۲۰۲۴ است و برد پیت قبلاً رتبه‌های بهتری هم داشته است، او هم مانند دی‌کاپریو، اکنون سالانه درآمدی ۳۰ میلیون دلاری دارد. بازی در فیلم آقا و خانم اسمیت، مورد عجیب بنجامین باتن و بابل

امیررضا واحدی
نویسنده



سینما هنر صنعت و تجارتی است که بر فرهنگ و سیاست جوامع، اثری مستقیم دارد و این تأثیر باعث اهمیت و گرانی آنان که روی پرده نقره‌ای می‌درخشند، شده است و این امری بدیهی است، چرا که در هر حرفه‌ای استادکار ماهر، به خاطر هنر و تجربه‌اش بیشتر قدر می‌بیند. میزان دست‌مزد شهرگان همواره برای مخاطب جذاب بوده و شاید انگیزه‌ای باشد تا در آن رشته شروع به فعالیت کنند. در این مطلب بررسی مقایسه-ای بین بالاترین دست‌مزد‌های بازیگران مطرح هالیوود در سال ۲۰۲۴ و بالاترین دست‌مزد در سینمای دنیا را می‌خوانیم. اینکه گرانتیتم بازیگر دنیا چه کسی است، شاید برایتان عجیب و باور نکردنی باشد و انتظار شنیدن آن را نداشته باشید.

طبق بررسی سایت THE NETIZENS REPORT - دنیتینز رپورت پردرآمدترین بازیگران در سال ۲۰۲۴ به ترتیب:

آخرین سامورایی اولین بازیگر پردرآمد

۱- تام کروز با درآمد سالانه ۱۰۰ میلیون دلار، رتبه اول را دارد، او با سابقه ۳۰ ساله در این



نگاهی به سیزدهمین جشنواره بین‌المللی پویانمایی تهران

کانون پرورش فکری محلی امن برای حوزه پویانمایی ایران

زینب رازدشت
روزنامه‌نگار

پویانمایی یکی از بسترها و قالب‌های تنظیم محتوا به منظور انتقال پیام است و این قالب برای مخاطب جذاب است. پویانمایی دنیایی است که بچه‌ها آن را می‌بینند و با پویانمایی سعی می‌شود واقعیت را برای بچه‌ها و مخاطبان مان قابل فهم کنند.

جشنواره سیزدهم پویانمایی تهران نیمه دوم اسفند برگزار می‌شود

سیزدهمین جشنواره بین‌المللی «پویانمایی تهران» به دبیری محمدرضا کریمی صارمی از ۱۳ تا ۱۷ اسفند در مرکز آفرینش‌های فرهنگی، هنری کانون پرورش فکری تهران و توسط آسیفا در اصفهان برگزار می‌شود. فراهم آوردن بستر شایسته برای تبادل اندیشه‌ها، کشف توانمندی‌ها و استعدادها و گسترش توانایی‌ها با طرح تکنیک از جمله اهداف این جشنواره به شمار می‌رود. بنا به گفته محمدرضا کریمی صارمی دبیر جشنواره، امروز ایران در حال تبدیل شدن به یک قطب انیمیشن است و ۲۵ اثر سینمایی به صورت رسمی به جشنواره ارسال شده اما به صورت غیررسمی ۴۵ اثر ارسال شده است و نشان از این دارد که انیمیشن فرصت بسیار خوبی برای سرمایه‌گذاری است و این جشنواره پایگاه خوبی برای عرضه این آثار محسوب می‌شود.

سیزدهمین جشنواره بین‌المللی «پویانمایی تهران» در دو بخش ملی و بین‌المللی برگزار می‌شود. البته این جشنواره از دوره سوم به عنوان یک جشنواره بین‌المللی ثبت شده است و مواردی نظیر، در زمان مشخص برگزار شدن، کاخ ویژه، سازمان حمایتگر، مخاطب گسترده، دانشکده‌ها و بخش علمی، تعداد فیلم‌های شرکت‌کننده و داورهای بین‌المللی جذب شده منجر به اعتبار بین‌المللی این جشنواره شده است.

۵۲۴ اثر در بخش ملی به جشنواره ارسال شده که ۴۵۲ اثر ثبت شده و ۱۳۹ اثر به بخش مسابقه راه یافته است.

در بخش بین‌الملل ۱۰۳۴ اثر جذب شده است که ۸۷۶ اثر در دبیرخانه ثبت شد و در مجموع از این میان ۳۳ اثر در بخش مسابقه و ۱۶۲ اثر در بخش بین‌الملل به رقابت می‌پردازند.

همچنین این آثار در قالب هفت باکس نمایش ایران، یک باکس دانشجویی ایران، سه باکس فیلم بلند ایران، ۱۳ باکس نمایش بین‌الملل، پنج باکس دانشجویی بین‌الملل، دو باکس فیلم بلند بین‌الملل، ۱۱ باکس نمایش ویژه و چشم‌انداز ارائه می‌شود و سالن موزه کانون پرورش فکری تحت عنوان جاماندگان به افرادی که نمی‌توانند صبح‌ها فیلم ببینند، اختصاص پیدا کرده و سالن باغ کتاب نیز با محوریت آثار اقتباسی ارسالی به همراه عرضه کتاب اقتباس شده فراهم شده است.

۲۸ پایان‌نامه به جشنواره سیزدهم پویانمایی اضافه شده است

چندین دوره است که بخش پایان‌نامه‌ها به جشنواره بین‌المللی «پویانمایی تهران» اضافه شده است. در سیزدهمین دوره جشنواره از میان ۵۳ پایان‌نامه ارسالی به جشنواره، ۲۸ پایان‌نامه توسط استادان انتخاب شده و به نمایشگاه راه پیدا کرده است و برندگان در جشنواره اعلام و پایان‌نامه نفر اول توسط کانون چاپ می‌شود.

همچنین پایان‌نامه نفرات دوم و سوم با مشارکت کانون و دانشگاه مقصد چاپ می‌شود. بخش نمایش ویژه، بخشی غیررقابتی و به منظور فراهم شدن عرصه انتقال تجربه و زمینه‌سازی ارزیابی جایگاه آثار ایرانی در قیاس با آثار سایر کشورها شکل گرفته است. همچنین بخش «جشنواره جشنواره‌ها» به بخش آثار منتخب جشنواره می‌پردازد. همچنین در این دوره هیأتی از چین با هزینه خودشان به جهت آشنایی با آثار ایرانی و زمینه‌سازی تولید مشترک به جشنواره آمده و در بخش بازار جشنواره غرفه دارند. به همین منظور در این دوره از جشنواره، مروری بر منتخب پویانمایی‌های چینی خواهیم داشت.

۴ فیلم منتخب هیأت انتخاب نقد می‌شود

از دیگر برنامه‌های سیزدهمین جشنواره بین‌المللی «پویانمایی تهران» می‌توان به برگزاری نشست‌های تخصصی با موضوع هوش مصنوعی و آینده پویانمایی، رونمایی از پنج کتاب، نقد چهار فیلم پیشنهادی هیأت انتخاب با حضور رامتین شهبازی و کیارش زندی اشاره کرد. در این دوره از جشنواره و در نشست تخصصی با حضور برجسته‌ترین فعالان عرصه پویانمایی، ۱۰ فیلم کوتاه و پویانمایی با محوریت مردم فلسطین و غزه کلید زده می‌شود.

حامد علامتی مدیرعامل کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان با اشاره به این جمله امام خمینی (ره) که «هنر باعث دمیدن روح تعهد به کالبد انسان‌ها می‌شود»، مطرح کرد: پویانمایی و انیمیشن باید کمک کند مخاطب مسئول و متعهد باشد و کانون پرورش فکری سابقه بسیار خوبی در این حوزه دارد و انیمیشن «بچه‌زنگ» با بیش از یک میلیون و ۸۰۰ هزار مخاطب و شکستن رکورد فروش فیلم کودک و نوجوان در رتبه سوم نمایش فیلم‌های جمهوری اسلامی و در رتبه اول فیلم‌های کودک، گواهی بر این مسأله است.

۷۲ کشور در جشنواره سیزدهم پویانمایی حاضر شدند

وی با اشاره به اینکه ۷۲ کشور جهان در این جشنواره حاضر هستند و در بین این کشورها از ۴۲ کشور آثار برگزیده در بخش مسابقه حضور دارند، گفت: حدود یک‌هزار و ۵۸۳ اثر در قالب چند تانیه، فیلم بلند و کوتاه دریافت کرده‌ایم و این عدد بسیار قابل توجهی برای یک جشنواره بین‌المللی است. امروز ۷۲ کشور به علم و هنر پویانمایی جمهوری اسلامی ایران اعتماد می‌کند و ما میزبان آنها هستیم. همچنین صادق جوادی کارگردان انیمیشن «پر» محصول مرکز گسترش سینمای مستند و تجربی که در سیزدهمین جشنواره پویانمایی تهران حضور دارد، گفت: مرکز گسترش سینمای مستند، تجربی و پویانمایی از زمان تأسیس تاکنون حمایت خوبی از فیلمسازان انیمیشن داشته است و نتیجه‌اش را می‌توان در میزان مشارکت فیلمسازان با این مرکز و جوایز و افتخارات کسب شده توسط آنها مشاهده کرد. وی افزود: وجود جشنواره تخصصی پویانمایی برای انیمیشن ایران مهم و ضروری است و شخصاً احساس می‌کنم این رویداد پس از هر دهه که از عمرش می‌گذرد، نیاز به بازنگری در اهداف و شیوه برگزاری خود دارد.



سیزدهمین جشنواره بین‌المللی «پویانمایی تهران» به دبیری محمدرضا کریمی صارمی از ۱۳ تا ۱۷ اسفند در مرکز آفرینش‌های فرهنگی، هنری کانون پرورش فکری تهران و توسط آسیفا در اصفهان برگزار می‌شود.



جمعه

ایران

• مدیر مسئول: محمدحسن روزی طلب
• سردبیر: محمدصادق علیزاده
• معاون فنی: محمدملاعلی اکبری
• دبیر تحریریه: ونوس بهنود
• دبیران:
• سید پویا هاشمی (گزارش و گفت‌وگو)
• صادق رخ‌فرد (تاریخ)

• محمدعلی یزدانبار (کتاب)
• آیه طائبی (زندگی)
• فاطمه سادات رضوی (طنز)
• فرناز اینانلو (زنان)
• زینب فروزنده (زوم)
• فاطمه کهریایی (فرهنگ)

• تلفن: ۸۸۷۶۱۷۲۰ • شماره: ۸۸۷۶۱۲۵۴ • ارتباط
• مردمی: ۸۸۷۶۹۰۷۵
• پیامک: ۳۰۰۰۴۵۱۲۱۳ • روابط عمومی
• نشانی: تهران خیابان خرمشهر، شماره ۲۰۸
• صندوق پستی: ۱۵۸۷۵-۵۳۸۸
• انتشارات مؤسسه فرهنگی مطبوعاتی ایران:
• ۸۸۵۴۸۸۹۲-۵

زوم

بررسی یک گزارش آماری نشان می‌دهد خانوارهای ایرانی در سال ۱۳۹۶ دو برابر بیشتر برای کتاب و نشر هزینه می‌کرده‌اند

یار مهربان در قعر جدول

محمدصادق علیزاده
سردبیر

اگر تأثیر تورم را کنار بگذاریم میزان هزینه‌ای که خانوار ایرانی برای حوزه نشر و کتاب (کتاب و مطبوعات) در سال ۱۴۰۱ کرده است تقریباً نصف عددی است که خانوار در سال ۱۳۹۶ برای این منظور انجام می‌داده است

قصه سرراست‌تر از آن است که نیاز به توضیح داشته باشد. یک مرکز پژوهشی در حوزه تحلیل صنایع فرهنگ بنیان و خلاق که از قضا طرف حساب چند ده شرکت هم هست گزارشی از داشبورد فرهنگی خانوار ایرانی از سال‌های ۱۳۹۶ تا ۱۴۰۱ منتشر کرده است. مطالعه دقیق هر بخش از این گزارش وقت ميسو طی می‌طلبد. دقیق شدن در بخش نشر و کتاب در این گزارش اما نگران‌کننده به نظر می‌رسد. طبق این گزارش نسبت هزینه‌کرد فرهنگی که خانوار ایرانی در بخش نشر و کتاب هزینه کرده است از ۱۹ صدم درصد (کمتر از یک درصد) در سال ۱۳۹۶ به ۱۱ صدم درصد در سال ۱۴۰۱ رسیده است.

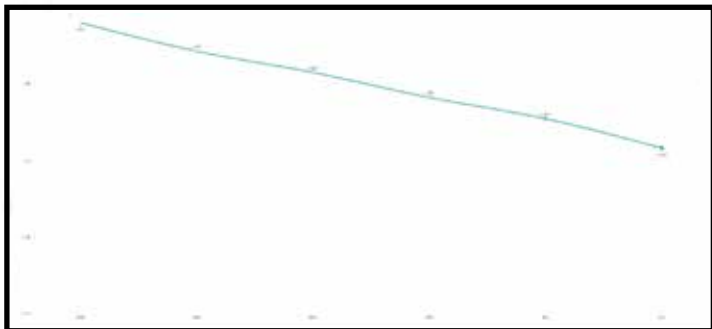
نکته اینکه این محاسبه با احتساب درصد تورم و تأثیری که روی قیمت فروش می‌گذارد انجام شده است. به عبارت دقیق‌تر و صریح‌تر، تأثیر تورم از قیمت‌ها محاسبه و کسر شده است.

این اعداد نشان‌دهنده یک موضوع مهم و نگران‌کننده است. اگر تأثیر تورم را کنار بگذاریم میزان هزینه‌ای که خانوار ایرانی برای حوزه نشر و کتاب (کتاب و مطبوعات) در سال ۱۴۰۱ کرده است تقریباً نصف عددی است که خانوار در سال ۱۳۹۶ برای این منظور انجام می‌داده است. نکته مهم این پژوهش آنجاست که بسیاری از اموری که در ظاهر ربطی به هزینه‌کرد برای کتاب ندارند هم در آن تحت عنوان هزینه‌کرد نشر و کتاب محاسبه شده است.

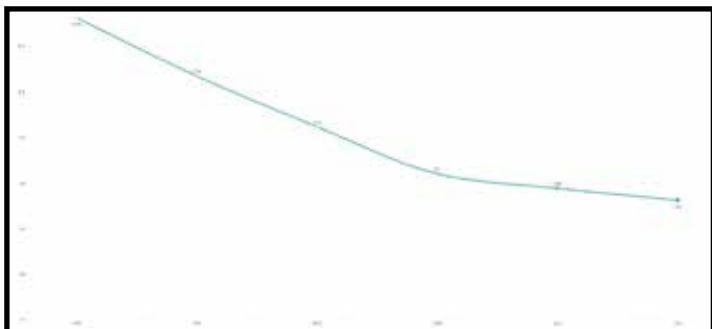
این موضوع از آنجایی اهمیت پیدا می‌کند که در نظر داشته باشیم اموری مانند کتاب‌های کمک‌درسی، پوستر و کارت پستال، صحافی کتاب و پایان‌نامه، کتاب‌های درسی دانش‌آموزان و هزینه فتوکپی و پرس کارت جزو مواردی محسوب می‌شوند که در زمره نیازهای ضروری شهروندی‌اند و جزو هزینه‌کردهای روزانه محسوب می‌شوند. این یعنی نرخ افت هزینه‌کرد برای کتاب و مطبوعات احتمالاً بیشتر از افت از ۱۹ صدم درصد سبد هزینه‌کرد خانوار به ۱۰٫۸ صدم درصد (زیر یک درصد) بوده است. افت نرخی که احتمالاً با احتساب هزینه‌های روزمره که شرح بعضی از مصادیق آن در سطور قبل رفت، کمتر هم شده است.

همچنین اگر درصد تأثیر تورم را محاسبه و در نهایت آن را از معادلات حذف کنیم تا بتوان هزینه سال‌های مختلف را با هم مقایسه کرد هم به آمار جالبی می‌رسیم. هزینه‌ای که خانوار ایرانی در سال ۱۳۹۶ برای حوزه نشر و کتاب کنار قرار می‌داده است هم در سال ۱۴۰۱ دقیقاً نصف شده است. به عبارت بهتر و دقیق‌تر عدد ۳٫۳ میلیون تومانی که در خانوار ایرانی برای حوزه نشر و کتاب در سال ۱۳۹۶ هزینه می‌کرده است در سال ۱۴۰۱ به عدد ۱٫۳ میلیون تومانی رسیده که نشان‌دهنده نصف شدن هزینه‌کردن برای این حوزه از سوی خانوارهای ایرانی است. بررسی تأثیر شرایط اقتصادی بر هزینه‌کرد سبد حوزه نشر و کتاب در دهک‌های مختلف جامعه از دهک ۱۰ که توانمندترین دهک اقتصادی است تا دهک یک که ضعیف‌ترین دهک اقتصادی محسوب می‌شود هم احتمالاً از دیگر مؤلفه‌هایی است که می‌توان آن را در گزارش بررسی کرد. دهک‌های ۳، ۵ و ۹ بیشترین افت هزینه‌کرد را داشته‌اند که می‌توان آنها را دهک‌های طیف طبقه متوسط جامعه دانست. به عبارت دقیق‌تر طبقه متوسط جامعه بیشترین کاهش را در هزینه‌کرد نشر و کتاب داشته‌اند.

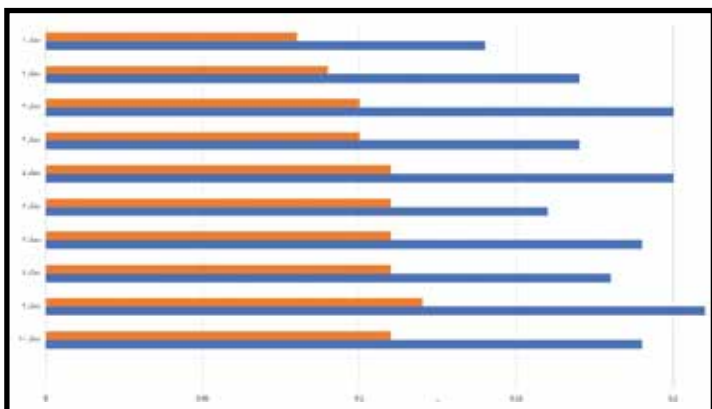
مجموعه نمودارهای فوق حاکی از آن است مبلغی که خانوار ایرانی برای حوزه کتاب و نشر در سال ۱۳۹۶ هزینه کرده است با احتساب ضریب تورم بشدت کاهش و در سال ۱۴۰۱ تقریباً به نصف رسیده است.



درصد هزینه‌ای حوزه نشر و کتاب از سبد هزینه‌های خانوار ایرانی



هزینه‌کرد خانوار ایرانی به میلیون تومان برای حوزه نشر و کتاب با محاسبه ضریب تورم



مقایسه درصد هزینه‌های حوزه نشر و کتاب در دهک‌های مختلف اقتصادی در دو سال ۱۳۹۶ (آبی) و ۱۴۰۱ (نارنجی)



نکته مهم این پژوهش آنجاست که بسیاری از اموری که در ظاهر ربطی به هزینه‌کرد برای کتاب ندارند هم در آن تحت عنوان هزینه‌کرد نشر و کتاب محاسبه شده است

